

میزبان اقتصاد

سال اول • شماره‌ی ۳ • بهار ۱۳۹۲ • ۴۸ صفحه

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات

RESEARCH ON ECONOMIC ISSUES

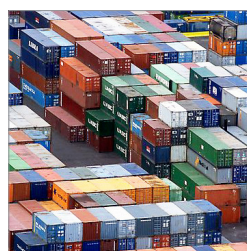
مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی

امروزه براساس تجارب کشورهای مختلف و جهت‌گیری بسیاری از تئوری‌های توسعه، سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان حلقه‌ی مفقوده‌ی توسعه تلقی می‌شود. اما علی‌رغم آن در عمل مورد اهتمام جدی کشورهای در حال توسعه قرار نگرفته است. از این رو پرداختن به مفهوم آن و بررسی نقاط قوت و معرفی مولفه‌های اثرگذار آن از جمله اقداماتی است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود. شایان ذکر است بررسی تاریخی‌ی تولد این مفهوم و ارائه‌ی سیر تحولات زمانی مربوط به جهت‌گیری تئوری‌های توسعه...



تحلیلی بر مناطق آزاد تجاری کشور و مناطق ویژه‌ی اقتصادی استان کرمان

مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی امروز به‌عنوان اهرم مهم توسعه از مسیر افزایش تولید، صادرات و اشتغال‌زایی شناخته می‌شوند. گرچه استفاده از این ابزار مهم در کشور شروع خوبی داشت اما در ادامه‌ی راه مورد غفلت قرار و از مسیر اصلی خود فاصله گرفته است، اما همچنان بایستی به عنوان پتانسیل مورد اهتمام باشند. از این حیث در این گزارش پژوهشی ضمن تعریف و معرفی مناطق آزاد تجاری کشور به طور کلی و تعریف و معرفی مناطق ویژه اقتصادی در استان کرمان به طور خاص و جزئی...



استفاده از کودهای بیولوژیک برای رسیدن به اهداف کشاورزی پایدار (مطالعه‌ی موردی: زیره‌ی سبز)

به منظور بررسی اثر باکتری‌های تثبیت‌کننده‌ی نیتروژن در شرایط آبیاری نرمال و قطع آبیاری در زمان گل‌دهی بر خصوصیات رشدی و شاخص برداشت در دو اکوتیپ زیره‌ی سبز آزمایشی، به صورت طرح کرت‌های دوبار خرد شده در قالب طرح پایه بلوک کامل تصادفی در سه تکرار انجام گرفت. تیمارهای آزمایش شامل دو سطح آبیاری (اعمال آبیاری نرمال و قطع آبیاری در زمان گل‌دهی) در کرت‌های اصلی و چهار سطح کود (شاهد، آزوسپریلیوم، ازتوباکتر و مخلوط آزوسپریلیوم و ازتوباکتر) به عنوان تیمار فرعی و دو اکوتیپ دیگر در مناطق راور و بردسیر...



بررسی ظرفیت‌های قانونی برنامه‌ی پنجم توسعه و انتظارات بخش خصوصی

برنامه‌ی پنجم توسعه دو هدف کلی را در دنبال می‌کند؛ یکی هدف کمی رشد ۸ درصدی سالانه‌ی تولید ناخالص داخلی، و دوم اهداف کیفی مثل افزایش درآمد ملی از طریق افزایش قدرت تولید با تکیه بر توسعه‌ی صنعتی، بالا بردن بازده سرمایه، توزیع عادلانه‌تر درآمد، کاهش نیازمندی به خارج از کشور، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی و بهبود خدمات اداری است. آنچه در تحلیل برنامه‌ی پنجم توسعه از منظر بخش خصوصی در استان کرمان مهم است...



Social responsibility of business corporations

An analysis of free commercial zones of the country and special economic zones of Kerman province.

A survey of legal capacities of the 5th socio-economic development plan and expectation of the private sector

Application of biological fertilizers' in sustainable agricultural system (case study : cumin seeds)



Iran Chamber of Commerce,
Industries, Mines and Agriculture
kerman branch

بازرگانی و اقتصاد



سال اول | شماره‌ی ۳ | بهار ۱۳۹۲

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات

صاحب امتیاز:
اتاق بازرگانی، صنایع،
معادن و کشاورزی کرمان
مدیرمسئول:
محسن جلال پور

سردبیر و ناظر:
صادق علیزاده
تحریریه (این شماره):
جعفر رودری
محمد رضا دهقان پور
راضیه اسفندیاری مهنی
ندا سعیدی گرغانی
مدیر داخلی:
فرزانه زاهدی
مدیر هنری:
مجتبی احمدی

ویرایش:
محمد رضا دهقان پور
همکار تحریریه:
فروغ زاینده رودی
نشانی: کرمان، میدان آزادی،
ابتدای بولوار جمهوری اسلامی
صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵
کد پستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸
تلفن: ۲۴۳۸۲۷۰-۰۳۴۱
نمابر: ۲۴۵۲۴۶۵-۰۳۴۱

سایت اتاق کرمان:
www.kermanchamber.com

فهرست

از تعامل ارکان اصلی نظام تا تقویت سرمایه‌ی اجتماعی | ۰۲ |

سوءتدبیر، بزرگ‌ترین چالش امروز | ۰۳ |

مقالات

مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی | ۰۵ |

تحلیلی بر مناطق آزاد تجاری کشور و مناطق ویژه اقتصادی استان کرمان | ۱۷ |

استفاده از کودهای بیولوژیک برای رسیدن به اهداف کشاورزی پایدار (مطالعه‌ی موردی: زیره‌ی سبز) | ۳۱ |

بررسی ظرفیت‌های قانونی برنامه‌ی پنجم توسعه و انتظارات بخش خصوصی | ۴۵ |

– مطالب مندرج در این فصل نامه، نظرات نویسندگان بوده و لزوماً نظر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق کرمان نمی‌باشد.
– استفاده از مطالب فصل نامه با ذکر مأخذ مجاز است.



| سخن مدیرمسئول |

از تعامل ارکان اصلی نظام تا تقویت سرمایه‌ی اجتماعی

○ محسن جلال‌پور
نایب‌رئیس اتاق ایران و رئیس اتاق کرمان

سال ۱۳۹۲ که مزین به شعار حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی شده، از راه رسید. لفظ حماسه قبل از دو واژه‌ی اقتصاد و سیاست، بدین معناست که بایستی تغییر و تحولاتی بالاتر از انتظار عموم و آن هم در جهت رشد و اعتلای کشور انجام گیرد. خلق حماسه در وهله‌ی اول در گرو تعامل سازنده و زینده‌ی بین مردم، دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه و بخش خصوصی است. مردم با تحمل فشارهای اقتصادی که نیمی از آن به دلیل تنش‌های بین‌المللی و نیمی دیگر به دلیل بی‌تدبیری داخلی بود، نقش خود را به‌خوبی ایفا کردند، تا این‌که در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ با حضور پرشور و پررنگ خود، علی‌رغم تبلیغات و تهدیدات داخلی و خارجی، پای صندوق‌های رأی هم درس خوبی به اغیار دادند و هم حجت را بر مسئولان، با دادن رأی اعتماد به دولت تدبیر و امید تمام کردند. مردم به عنوان رکن اصلی حکومت، وظیفه‌ی خود را در تحقق شعار حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی به‌طور کامل انجام داده‌اند و تنها خواستار بهبود شرایط از طریق تدبیر و تدبیر و سیطره‌ی عقلانیت بر امور کشور هستند. با این اوصاف و وظیفه‌ی دولت، بخش خصوصی، قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی سنگین‌تر خواهد شد. شایان ذکر است تجارب برخی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که قاعده‌ها هیچ‌یک از سه گروه فوق به‌تنهایی نمی‌توانند در جهت تحقق حماسه گام بردارند. به تعبیری دیگر، تعامل سازنده‌ی بین این سه گروه، کلید موفقیت آن‌ها خواهد بود. البته برای استتکاف از خلط میحی که در کشور سابقه دارد، باید اذعان نمود تعامل به معنی همکاری بی‌چون‌وچرا نیست. به‌طور مثال اگر دولت در اتخاذ تصمیمی در مسیر اشتباهی قرار گرفته است و این اقدام ملی را به خطر می‌اندازد، مجلس نباید به اسم تعامل با دولت دست به تقابل با منافع مردم بزند. متأسفانه این رفتار گاهی اوقات در کشور اپیدیمی می‌شود و قطعاً این ناشی از رفتار ناعادلانه، نابخردانه و نامدبرانه‌ی برخی گمراهان می‌باشد.

تعامل بین دولت، مجلس، قوه قضاییه و بخش خصوصی زمانی سازنده خواهد بود که به ایجاد و تقویت مفهومی به نام سرمایه‌ی اجتماعی بینجامد. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی تلطیف و تسهیل‌کننده‌ی روابط و ضوابط این سه گروه خواهد بود که در نهایت منافع ناشی از آن نصیب مردم خواهد شد. سرمایه‌ی اجتماعی به صورت عام به معنی رفتاری توأم با اطمینان، اعتماد و احترام می‌باشد.

مجلس با تصویب قوانین کارشناسی‌شده و نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها بدون حب و بغض، دولت با تصمیمات مدبرانه، تسهیل شرایط و رفتار محترمانه و بخش خصوصی با تزریق سرمایه به بخش‌های مولد یا تولیدی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و قوه قضاییه با صیانت از حقوق سرمایه‌گذاران و حفظ حریم خصوصی مردم می‌توانند در تحقق شعار فوق، نقش خود را به نحو احسن اجرا کنند. قانون برنامه‌ی پنجم توسعه و قانون بهبود فضای کسب‌وکار تقریباً دو قانون مترقی است که در مجلس شورای اسلامی ایران به تصویب رسیده است، اما متأسفانه قوانین مترتب بر مناطق آزاد تجاری و ویژه‌ی اقتصادی نه‌تنها کارآمدی چندانی ندارند بلکه منطبق با شرایط روز دنیا نیستند و شرایط فعالیت در این مناطق را چندان تسهیل نکرده‌اند. بنابراین از مجلس انتظار می‌رود در این سال ضمن شناسایی قوانین ناکارآمد نسبت به تغییر آن‌ها اقدام و همچنین نسبت به نظارت بر اجرای آن‌ها اهتمام بیش‌تری داشته باشد.

از دولت انتظار می‌رود مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و تقویت آن را در وهله‌ی اول سرلوحه‌ی اقدامات آتی خود قرار دهد و در وهله‌ی دوم نسبت به بالابردن بهره‌وری در چهار بخش اصلی یعنی کشاورزی، صنعت، معدن و خدمات و در کنار آن‌ها توسعه صادرات غیرنفتی تلاش مجدانه‌ای داشته باشد. شایان ذکر است که تنها افزایش تولید به تقویت صادرات مخصوصاً در شرایط تحریم کمک نمی‌کند بلکه باید در کنار افزایش سطح تولید، گلوگاه‌های صادراتی کشور یعنی مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی، که امروز به پایگاه و ادوات مبدل شده‌اند، تقویت و حمایت شوند.

از بخش خصوصی نیز انتظار می‌رود که در کنار مفهوم سود اقتصادی، منافع اجتماعی را نیز ببیند و درصدد کسب آن برای تغییر دیدگاه مردم نسبت به سرمایه‌داران و فعالان بخش خصوصی برآید. این مهم زمانی تحقق می‌یابد که بخش خصوصی به واژه‌های تحت عنوان مسئولیت اجتماعی یا مسئولیت‌پذیری اجتماعی اعتقاد راسخ پیدا کند، نه این‌که با اندک اقدام اجتماعی که انجام می‌دهد خود را طلبکار دولت و ملت بداند. در واقع بخش خصوصی زمانی در کشور تقویت می‌شود و یا به عبارت بهتر اصل ۴۴ قانون اساسی زمانی در کشور بی‌کم‌وکاست به نتیجه می‌رسد که مردم پشتیبان بخش خصوصی باشند، یعنی به این بخش اعتماد کنند و یقین داشته باشند این بخش در بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کنار مردم خواهد بود.



| سخن سردبیر |

سوءتدبیر بزرگ‌ترین چالش امروز

○ صادق علیزاده

رئیس مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات اتاق کرمان

همان‌گونه که از گرد و غبار آسمان گوشه و کنار جهان پیداست، در قاره‌ها و مناطق مختلف خبرهایی است که مردم، مسئولان، حاکمان و نخبگان کشورها را به‌گونه‌ای غافل‌گیر و هرگونه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی آنی و فوری را با مشکل مواجه کرده است. البته در تمامی این سرزمین‌ها برای غلبه بر چالش‌های موجود از هر نوع که باشد، به‌ویژه چالش‌های اقتصادی، امیدهای فراوانی به‌صورت بالفعل و بالقوه وجود دارد و کارهای جهان یک‌سره به پایان نرسیده است و هنوز بشر برای رسیدن به تعالی، راه طولانی و دشواری را در پیش رو دارد.

گرچه امت‌های مسلمان و غیرمسلمان در قرن‌های گذشته گرفتار افراط و تفریط‌های فراوانی شده و عمر خود را روزگاری در جنگ‌های ناخواسته و تحمیلی، روزگاری در آزمایش‌های هسته‌ای، روزگاری در تحریم‌های اقتصادی خانمان‌سوز و ظالمانه و روزگاری دیگر را در حق و توهان‌های ناعادلانه و مهم‌تر از همه، روزگاری نیز در سوءتدبیر حاکمان نابخرد گذرانده و فرصت‌های بی‌شماری را انباشته و از دست داده‌اند که با هیچ قیمتی قابل جبران نیست.

بزرگ‌ترین چالش امروز جهان که همه‌ی کشورها و امت‌ها گرفتار آن شده‌اند، سوءتدبیر است که چنانچه به آن توجه جدی بشود، تدبیر به‌عنوان فرصتی تمام‌نشدنی می‌تواند تمامی گره‌های پیش‌آمده در عرصه‌های مختلف، از جمله عرصه‌ی اقتصادی را حل‌وفصل کند و موانع را از سر راه بشر بردارد. فی‌المثل به‌دلیل این‌که کشور جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی خاورمیانه و قاره‌ی آسیا واقع شده، سال‌هاست چالش‌های عظیمی ایجاد کرده‌اند که رهایی از این چالش‌ها هزینه‌های سنگینی را بر همه‌ی کشورهای این منطقه تحمیل کرده است. گرچه برخی کشورها از جمله خود ایران راه‌های برون‌رفت را با تدبیر پیدا کرده و به ظهور رسانده، که از جمله‌ی آن انقلاب شکوهمند اسلامی است، ولی بسیاری دیگر چنان در چنبره‌ی این چالش‌ها گرفتار آمده‌اند که راه خلاصی را نمی‌یابند و اگر هم درصد آن برآیند، سیاست‌های سیاسی و اقتصادی سیاست‌بازان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای فرصتی را در اختیار نمی‌گذارد و برای دوری از توجه به کانون و متن، منطقه را سرگرم حاشیه‌ها و حاشیه‌سازی‌ها می‌نماید.

در ایران با درایت مقام معظم رهبری و نام‌گذاری‌هایی که معظم‌له برای سال‌های اخیر تعیین کرده‌اند، راه برون‌رفت از چالش‌های پیش‌رو را باز کرده و قاعدتاً مسئولان باید این نام‌گذاری‌های را به‌مثابه راهبردی کلیدی و موثر ببینند و نسبت به تحقق آن‌ها کوشا باشند. به‌طور مثال، شعار حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه‌ی ایرانی و پس از آن، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان دو راهبرد بسیار مهم مطرح شدند که قاعدتاً داشتن عنایت و ویژه‌ای به این مفاهیم و مضامین، مسیر عبور از بحران‌های اخیر پیش‌روی کشور را نه‌تنها فراهم می‌کند بلکه زمینه‌ی تحقق شعار «حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی» که در این سال مطرح شده فراهم می‌گردد. شایان ذکر است؛ مردم ایران با حضور پرشور خود در روز انتخابات دست به خلق حماسه‌ی سیاسی زدند و امروز انتظار از مسئولان این است که با تأمل در رهنمودهای مقام معظم رهبری امکان تحقق حماسه‌ی اقتصادی را فراهم سازند، و حماسه‌ی اقتصادی با پشتیبانی دولت از سربازان عرصه‌ی اقتصادی یعنی تولیدکنندگان به‌وقوع پیوست. لذا آنچه که در این شماره از فصل‌نامه در پیش‌روی شماست، پژوهشی خلاصه از برخی مسائل مهم و مرتبط با همین موضوع در حوزه‌ی اقتصادی استان است. شما با ارائه‌ی نقطه‌نظرات خود می‌توانید بهترین مساعدت و یاری را در غنای هرچه بیشتر و بهتر مطالب، به این مرکز هدیه فرمایید.



مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی

چکیده

امروزه براساس تجارب کشورهای مختلف و جهت‌گیری بسیاری از تئوری‌های توسعه، سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان حلقه‌ی مفقوده‌ی توسعه تلقی می‌شود. اما علی‌رغم آن، در عمل مورد اهتمام جدی کشورهای در حال توسعه قرار نگرفته است. از این رو پرداختن به مفهوم آن و بررسی نقاط قوت و معرفی مولفه‌های اثرگذار آن، از جمله اقداماتی است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود. شایان ذکر است بررسی تاریخیچه‌ی تولد این مفهوم و ارائه‌ی سیر تحولات زمانی مربوط به جهت‌گیری تئوری‌های توسعه، از جمله مباحث مورد توجه در این گزارش پژوهشی می‌باشد. نتایج حاصل از این مطالعه بی‌تردید به نقش بی‌بدیل مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه در جهان امروز اشاره دارد و تکیه به آن را به‌مثابه ابزاری می‌پندارد که از طریق آن با فراهم نمودن فضای مناسب برای تعاملات بیش‌تر کارگزاران اقتصادی همراه با اعتماد لازم مابین آن‌ها، هزینه‌های مبادله را کاهش داده و با بهبود فضای کسب‌وکار، زمینه‌ی حضور سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی را در اقتصاد فراهم می‌کند و از این طریق موجبات ارتقای نرخ رشد اقتصادی و امنیت خاطر برای زندگی بهتر را فراهم می‌نماید. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرمایه‌ی اجتماعی در ارتباطی دوسویه و متقابل موجبات ارتقای همدیگر را فراهم خواهد کرد و در فضای سرمایه‌ی اجتماعی مطلوب، با کاهش هزینه‌ی مبادله زمینه‌ی سودآوری بنگاه‌های اقتصادی را فراهم نموده و ضمن تأمین تقاضاهای خیرخواهانه و بشردوستانه در رفتار بنگاه‌های اقتصادی، ملاحظات لازم در ارتباط با نگاه منفعت‌طلبی و سودآوری بنگاه‌ها را نیز تأمین خواهد کرد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی، بخش خصوصی، دولت، مسئولیت اجتماعی



توسعه اقتصادی

هرگاه صحبت از توسعه به طور عام و توسعه اقتصادی به طور خاص به میان می آید، افزایش سطح درآمد سرانه و رفاه اقتصادی به ذهن متبادر می شود.

اما مسأله‌ی افزایش تولیدات جامعه و یا رشد اقتصادی، همه‌ی مفهوم توسعه‌ی اقتصادی را در بر نخواهد گرفت. اگرچه شرط لازم برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی، مسأله‌ی افزایش تولیدات جامعه و یا رشد اقتصادی می باشد، اما همواره رشد و یا افزایش تولیدات منجر به توسعه‌ی اقتصادی نخواهد شد (شرط کافی نیست). در این ارتباط می توان به برخی از کشورهای پردرآمد نفتی همسایه واقع در حاشیه‌ی خلیج فارس اشاره کرد که به لحاظ سطح درآمد سرانه، از جایگاه بالایی (همردیف کشورهای توسعه یافته) برخوردارند، اما از نظر سطح توسعه‌ی اقتصادی، نمی توان آن‌ها را کشورهای توسعه یافته تلقی نمود.

به عنوان مثال در سال ۲۰۱۲ کشور قطر با درآمد سرانه‌ی سالیانه بیش از ۷۲ هزار دلار، در رده‌ی ششم رتبه بندی جهانی و بالاتر از کشور سوئیس قرار دارد. کویت نیز با درآمد سرانه‌ی بیش از ۵۱ هزار دلار بالاتر از کشور سوئد قرار دارد. امارات متحده‌ی عربی با درآمد سرانه‌ی نزدیک به ۴۲ هزار دلار بالاتر از کشور ژاپن قرار دارد. این در حالی است که علی رغم پیشرفت‌های اقتصادی اخیر کشورهای قطر، کویت و امارات متحده‌ی عربی، نمی توان آن‌ها را در ردیف کشورهای توسعه یافته‌ی همچون سوئیس، سوئد، ژاپن، آمریکا، آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلیس قرار داد که از سطح درآمد برابر و یا پایین تر از کشورهای مذکور قرار دارند.

بنابراین سؤال اساسی این است که توسعه‌ی اقتصادی چه پارامتری فراتر از مسأله‌ی افزایش درآمد و رفاه اقتصادی را در بر می گیرد که کشورهای مورد اشاره، از آن برخوردار نمی باشند؟ پاسخ این است که در توسعه‌ی اقتصادی، علاوه بر افزایش سطح رفاه مادی و افزایش درآمد سرانه‌ی کشورها، باید تغییرات اساسی و بنیادینی در همه‌ی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط نیز صورت پذیرد که شخصیت اقتصادی آن جامعه را دگرگون سازد (همچون تکامل فکری و شخصیتی یک انسان در کنار رشد فیزیکی او). به عبارت دیگر، توسعه‌ی اقتصادی، علاوه بر افزایش‌های کمی در سطح تولیدات و بزرگ شدن کیک اقتصادی جامعه، تغییرات ماهوی در رفتار اقتصادی، تعاملات اجتماعی مرتبط و همین طور ساختارهای فرهنگی و حتی سیاسی جامعه را نیز در بر می گیرد.

تغییرات اساسی و بنیادین در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی + رشد اقتصادی بلندمدت = توسعه‌ی اقتصادی

که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ مسأله‌ی توسعه با رشد اقتصادی به میزان زیادی معادل در نظر گرفته شده است و با حرکت از آن برهه‌ی تاریخی به زمان کنونی، این تفاوت رنگ‌بوی تازه‌ای گرفته و به مفهوم فوق‌الاشاره نزدیک شده است. جدا از تفاوت‌های لفظی در مفهوم توسعه، به نظر می رسد برداشت افراد و احساس آن‌ها از مفهوم توسعه در عمل، از تفاوت کمتری برخوردار باشد. به عبارت دیگر، انتظار و احساس افراد از توسعه را براساس تجارب آن‌ها از شرایط کشورهای پیشرفته‌ی اقتصادی، راحت تر می توان شناخت. ارتقای نظم اجتماعی و زندگی در محیطی امن همراه با رفاه اقتصادی مناسب و بهبود استانداردهای زندگی به طور ملموس از خواسته‌های شهروندان در هر جامعه‌ای است. این خواسته از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و استقلال سیاسی بسیاری از کشورهای مستعمره‌ی آن زمان، نمود عینی تری یافت؛ به گونه‌ای که این مسأله سرمنشاء بروز شاخه‌ای جدید در علم اقتصاد، به نام «اقتصاد توسعه» گردید.

مسابقه توسعه

بر این اساس علم اقتصاد توسعه، در واقع علم اقتصاد کشورهای توسعه نیافته‌ای تلقی می شد که قرار بود نسخه‌های مناسبی را برای افزودن بر رشد اقتصادی و تحقق سطح رفاه مناسب اقتصادی مورد انتظار افراد، در اسرع وقت برای کشورهای توسعه نیافته، ارائه نماید. بر این اساس کشورهای متعددی در سطح جهان وارد مسابقه‌ی توسعه گردیدند و هر کدام نسبت به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رسیدن به توسعه اقدام نمودند. در این مسیر سیاست‌های پیشنهادی از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز چاشنی سیاست‌ها و برنامه‌های داخلی توسعه، برای این کشورها گردید. اما نتیجه‌ی این همه تلاش و برنامه‌ریزی برای توسعه، حکایت از موفقیت برای تعداد معدود و انگشت شمار کشور و عدم موفقیت برای شمار غالب دیگر کشورها داشت. به عبارت دیگر اگر سیاست‌های پیشنهادی از سوی اندیشمندان و تئوری‌های اقتصادی توسعه‌یافتگی را مورد هدف قرار داده‌اند، پس چرا در عمل شکست بسیاری از شرکت کنندگان در مسابقه برای توسعه را به دنبال داشته است؟ به منظور بررسی علل موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های کشورهای مختلف، ضروری است مروری بر دیدگاه‌های مختلف اقتصادی پیرامون توسعه، طی دوره‌ی بیش از نیم قرن اخیر صورت پذیرد تا از این رهگذر بتوان به حلقه‌ی مفقوده‌ی بسیاری از کشورها در فرآیند توسعه دست یافت.

نسل‌های مختلف دیدگاه‌های توسعه در نیم قرن اخیر

چنان که بیان گردید، سال‌های پس از جنگ جهانی دوم برای کشورهای توسعه یافته‌ی آن زمان، دوران بازسازی پس از جنگ و برای کشورهای توسعه نیافته نیز دوران طلایی کسب استقلال

تولد علم اقتصاد

لازم به ذکر است که توسعه از دید اندیشمندان اقتصادی به گونه‌های مختلفی تعریف شده. این تفاوت در تعاریف به خصوص در دوران زمانی مختلف مشهودتر است، به طوری



انسانی و یا فقدان آن، سرمایه‌های فیزیکی نیز بلااستفاده باقی مانده و یا این‌که از کارایی لازم برخوردار نخواهند شد. شواهد و مصادیق این موضوع در کشورهای متعدد در حال توسعه‌ی امروز نیز موجود است.

مطالعات انجام‌شده توسط اندیشمندان همچون «منکیو»، «رومر» و «ویل» در سال‌های ۱۹۹۲ و همچنین «لوکاس» در سال‌های پس از آن با تأکید بر مدل رشد اقتصادی درون‌زا، اهمیت سرمایه‌ی انسانی و سهم آن در رشد اقتصادی کشورها را مورد تأکید قرار دادند.

به‌طور کلی به‌کارگیری تئوری‌ها و سیاست‌های پیشنهادی اقتصاددانان در طول این دوران و به‌کارگیری آن‌ها از سوی بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ی آن‌زمان، حکایت از عدم رضایت‌مندی لازم در ارائه‌ی نسخه‌ی کارا و شفاف‌بخش برای حل مشکل اغلب کشورها داشت. به عبارت دیگر، علی‌رغم ورود تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه در مسابقه‌ی توسعه و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های پیشنهادی، موفقیت‌های حاصله محدود و انگشت‌شمار بود. از جمله کشورهای موفق در این دوران، می‌توان کشورهای آسیای شرقی (هنگ‌کنگ، تایلند، سنگاپور، مالزی و...) را نام برد، این در حالی بود که اکثر قریب به اتفاق دیگر کشورها از موفقیت لازم برخوردار نبودند.

از این‌رو سوال اساسی همچنان در ذهن بسیاری از اندیشمندان و همین‌طور برنامه‌ریزان وجود داشت که به‌راستی چرا علی‌رغم مهیا بودن ملزومات مورد نظر اغلب تئوری‌های توسعه، نتایج پیشرفت و رشد اقتصادی در تعداد غالب کشورها خوشایند نبوده است. به عبارت دیگر، چرا علی‌رغم برخورداری کشورهای متعدد از سرمایه‌ی فیزیکی و منابع طبیعی گسترده (نفت، ذخایر مهم معدنی، زمین و خاک حاصل‌خیز و غیره) و وجود نیروی انسانی تحصیل‌کرده و دارای مهارت، نتوانسته‌اند از رشد اقتصادی لازم برخوردار گردند. این در حالی است که بسیاری از اندیشمندان و افراد تأثیرگذار در قالب فرار مغزها، رهسپار کشورهای توسعه‌یافته گردیده و خود این کشورها از خدمات افراد مذکور محروم مانده‌اند. طبیعی است که به سختی می‌توان عدم تعهد و فقدان دغدغه برای کشورشان از سوی اکثر افراد مهاجر (مغزها) را پذیرفت. از این رو ریشه‌یابی عدم موفقیت و ناکامی حاصل از تجربه‌ی بیش از نیم‌قرن تئوری‌های مختلف اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، اندیشمندان اقتصادی را به سمت‌وسوی موضوع جدیدی به‌نام «سرمایه‌ی اجتماعی» رهنمون ساخته است.

ج) دوره‌ی سوم: توجه به سرمایه‌ی اجتماعی
طی دهه‌ی اخیر (۱۹۹۰ به بعد) به دنبال بررسی علل و ریشه‌یابی عدم موفقیت‌ها و ناکامی حاصل از پیاده‌سازی تئوری‌های اقتصادی در دوره‌های اول و دوم، اندیشمندان اقتصادی را به سوی اصطلاح جدیدی به نام «سرمایه‌ی اجتماعی» سوق داد. اگرچه خود سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی جدید تلقی نمی‌شود و حتی کاربرد آن در علم اقتصاد (به شکل

سیاسی و تکاپو برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی تلقی می‌شد. سال‌های پس از جنگ را به لحاظ به‌کارگیری سیاست‌ها و تئوری‌های اقتصادی و تأکید اساسی آن‌ها بر پارامترهای مختلف توسعه، می‌توان به سه دوره‌ی مختلف تقسیم‌بندی نمود.

الف) دوره‌ی اول: تأکید بر سرمایه‌های فیزیکی
در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و محدوده‌ی زمانی ۱۹۴۵-۱۹۷۰ با تشویق و پیشنهاد مؤسسات اقتصادی بین‌المللی و همچنین سیاست‌های پیشنهادی اقتصاددانان توسعه، غالب تئوری‌های مورد استفاده تأکید اساسی بر مدل‌های رشد اقتصادی داشتند. که پارامترهای اساسی مورد استفاده در این الگوها را عوامل کمی و به‌طور مشخص سرمایه (پس‌انداز) و کمیت نیروی کار (L) تشکیل می‌دادند. بررسی تجربی این تئوری‌ها حکایت از عدم موفقیت تئوری‌های مذکور در بیش از ۲ دهه کاربرد آن‌ها در کشورهای متعدد داشت، به‌گونه‌ای که به‌جز کشور ژاپن، نمی‌توان به کشور شاخصی در میان کشورهای در حال توسعه اشاره کرد که به‌واسطه‌ی پیروی از سیاست‌های پیشنهادی از سوی اندیشمندان این دوره، از پیشرفت و ترقی چشمگیری برخوردار گردیده باشد.

ب) دوره‌ی دوم: تأکید بر سرمایه‌ی انسانی
طی دوره‌ی زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۰ که مصادف با شکست تجربی تئوری‌های توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بود، اندیشمندان اقتصادی را بر آن داشت که به دنبال حل مشکل برآیند و نواقص مربوط به تئوری‌های توسعه با تأکید بر سرمایه‌ی فیزیکی را بررسی و مرتفع نمایند. از این‌رو با بررسی عوامل شکست سیاست‌های موردی قطر در دوره‌ی اول اندیشمندان اقتصاد توسعه را به‌طور جدی متوجه نقش انکارناپذیر نیروی انسانی نمود که در این راستا، منظور از «سرمایه‌ی انسانی» چیزی فراتر از کمیت نیروی کار (L) بود، و توجه به کیفیت نیروی انسانی از اهمیت بالایی در تئوری‌های این دوره برخوردار شد.

در تئوری‌های رشد اقتصادی که در دهه‌ی ۱۹۵۰ از سوی اقتصاددانان نئوکلاسیک مانند سولو و سوان، مطرح گردیده بود، رشد اقتصادی به میزان زیادی معطوف به میزان سرمایه و نیروی کار موجود در اقتصاد مرتبط بوده و متغیرهایی مانند کیفیت سرمایه‌ی انسانی و سلامت نیروی کار در آن‌ها نادیده گرفته شده بود و یا این‌که به شکل جدی مورد تأکید قرار نگرفته بود.

با بسط و گسترش دیدگاه‌های مرتبط با نیروی انسانی در این دوره و در دهه‌ی ۱۹۸۰ الگوهای جدیدی از سوی اقتصاددانانی همچون «رومر» مطرح شد که تحت عنوان «مدل‌های رشد درون‌زا» سرمایه‌ی انسانی، علاوه بر مهارت و دانش، تندرستی نیروی کار را نیز در بر می‌گیرد. در الگوهای اقتصادی این دوران، نیروی انسانی از طریق بهره‌وری بالا می‌تواند سرمایه‌ی فیزیکی و تکنولوژی را به‌درستی به‌کار گرفته و زمینه‌ی گسترش آن‌ها را فراهم نماید. به عبارت دیگر، در فضای محدودیت سرمایه‌ی



مقاله‌ای از «هانیفن»^{۱۱} سال ۱۹۱۶ انجام شد. به زعم هانیفن، سرمایه‌ی اجتماعی، دارایی‌های معنوی افراد در زندگی روزانه می‌باشند، همچون حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس هم‌دردی در روابط اجتماعی بین افراد و بین خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. نظریه‌ی هانیفن با مطالعه‌ای که «جاکوب»^{۱۲} در سال ۱۹۶۱ برای بررسی جرم و جنایت خیابانی در محدوده‌های حومه و قدیمی شهرهای بزرگ آمریکا انجام شد، جان تازه‌ای گرفت. پس از آن اقتصاددانی به نام «گلن لوری»^{۱۳} و جامعه‌شناسی به نام «ایوان لایت»^{۱۴} اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی را در دهه‌ی ۱۹۷۰ برای بیان مشکل توسعه‌ی اقتصاد درون‌شهری به‌کار بردند. این اصطلاح توسط «بورديو» در سال ۱۹۷۲ برای اولین بار به صورت مبسوط و یکپارچه بیان شد. در دهه‌ی ۱۹۸۰ «جیمز کلن» در کتاب «بنیان‌های نظریه‌ی اجتماعی» ضمن تکمیل بحث، عناصر و اجزای سرمایه‌ی اجتماعی را شناسایی و معرفی نمود. تا این که در دهه‌ی ۱۹۹۰ «مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی» توسط بانک جهانی و کتاب «بولینگ تک‌نفره» اثر «رابرت پاتنام» معروف شد.^{۱۵} از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد، این مفهوم در کانون توجه اندیشمندان و محققان رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاست و آموزش قرار گرفت.^{۱۶} در واقع مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی عقبه‌ی طولانی ندارد، اما نقش آن در جریان جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه‌حل عملی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌مداران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است.^{۱۷}

دیدگاه‌های موجود در رابطه با سرمایه‌ی اجتماعی دیدگاه اجتماع‌گرایان

اجتماع‌گرایان به‌طور ذاتی سرمایه‌ی اجتماعی را خوب می‌دانند و معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان‌های محلی، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی شکل می‌گیرد. همچنین قائل به تأثیرات مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر رفاه اقتصادی می‌باشند.

دیدگاه شبکه‌ای

در این دیدگاه سرمایه‌ی اجتماعی به‌مثابه یک دارایی است که درون شبکه و گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و تنها با عضویت در این گروه‌ها می‌توان از منافع حاصل از آن استفاده نمود. بنابراین مقیاس این شبکه و گروه‌های اجتماعی به لحاظ بزرگی و کمی در به وجود آمدن صرفه‌های اقتصادی بسیار مهم می‌باشد. ناگفته نماند سرمایه‌ی اجتماعی به لحاظ ایجاد پدیده‌های پارتی‌بازی، نژادگرایی و امثالهم، می‌تواند کارکرد منفی به خود گیرد، و تا زمانی که افراد نتوانند علاوه

بر غیرمدون) در دوران ماقبل آن نیز دیده می‌شود، اما کاربرد علمی و مدون آن در علم اقتصاد، به‌طور مشخص به سال‌های مربوط به دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس از آن باز می‌گردد. از این‌رو در ادامه، به بررسی موضوع سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه‌ی اقتصادی پرداخته می‌شود.

سرمایه‌ی اجتماعی

به‌طور کلی سرمایه به عنوان یک منبع کلی مورد استفاده اجتماع افراد، گروه‌های اجتماعی و نهایتاً کل جامعه قرار می‌گیرد تا هدف‌های خود را تحقق بخشند. به عبارت دیگر، سرمایه یعنی «ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند»^{۱۸}. از ویژگی‌های اصلی سرمایه به لحاظ اقتصادی، مولد بودن آن است که به عنوان عاملی برای افزایش تولید تلقی می‌شود. انواع مختلف سرمایه عبارتند از:^{۱۹}

سرمایه‌ی فیزیکی^۴: مثل تجهیزات، ماشین‌آلات، سدها، جاده‌ها، راه‌آهن، ساختمان‌ها، ابنیه‌ی فنی و غیره.
سرمایه‌ی مالی^۵: مثل دارایی‌های مالی، ثروت، حساب بانکی و غیره.

سرمایه‌ی طبیعی^۶: مثل منابع و مواهب طبیعی، معادن، اقلیم مناسب و خاک حاصل‌خیز، به‌طور طبیعی منابع غیر انسان‌ساخت.

سرمایه‌ی انسانی^۷: این سرمایه به نیروی انسانی و کیفیت آن، شامل دانش، مهارت و شایستگی انسان مربوط می‌شود.
سرمایه‌ی فرهنگی^۸: مجموعه‌ی آراء، عقاید، باورها، رفتار و نگرش مناسب یک جامعه، که از طریق آفرینش رفتار اقتصادی مناسب در تولید نقش دارد.

سرمایه‌ی اجتماعی^۹: به مفهوم روابط توأم با اعتماد و همبستگی بین مردمان یک جامعه. به تعبیر «فوکویاما»^{۱۰} سرمایه‌ی اجتماعی در مجموعه‌ای از هنجارهای یک جامعه است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه می‌شود. چنان‌که بیان گردید، اطلاق واژه‌ی سرمایه به مفهوم مولد و زاینده بودن است که در خصوص سرمایه‌ی اجتماعی نیز صادق است.

رود مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به اقتصاد

پیش‌زمینه‌ی بحث سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می‌خورد. جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمی و کیفی روابط اجتماعی، دست به دامن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی شدند. پایه‌ریزی این موضوع در

۱. در ادامه ذکر گردیده است. / ۲. موسوی، میر طاهر؛ مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۲۲/ ۳. شارع پور، محمود؛ سرمایه‌ی اجتماعی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، معاونت برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵، ص ۱۸-۱۹/ ۱۰. فوکویاما فرانسس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه‌ی ایرانیان، چاپ اول/ ۱۵. پیراهری، نیر؛ سرمایه‌ی اجتماعی در نظریات جدید، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، پاییز ۱۳۸۸، سال سوم، شماره سوم، ص ۱۱۱-۱۱۰/ ۱۶. دینی ترکمانی، علی؛ تبیین افول سرمایه‌ی اجتماعی، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۴۹/

۴. Physical Capital/ ۵. Financial Capital/ ۶. Natural Capital/ ۷. Human Capital/ ۸. Cultural Capital/ ۹. Social Capital/ ۱۱. Lyda Judson Hanifan: ۱۸۷۹-۱۹۳۲/ ۱۲. Jacobs/ ۱۳. Glen Loury/ ۱۴. Iven Light/ ۱۷. Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer, (۱۹۹۸). "Getting The Goods on Social apital Rural Sociology", p. ۶۳/



نمود:

الف) کارکردهای مثبت سرمایه‌ی اجتماعی عبارتند از:

- بهبود و ارتقای سلامت روانی^۱
- تقویت روابط و تسهیل جریان اطلاعات^۲
- تقویت روحیه‌ی تعامل، همیاری و اعتماد
- گسترش دموکراسی و افزایش تعامل میان دولت و مردم^۳
- کاهش هزینه‌های اداره‌ی جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها^۴

ب) کارکردهای منفی سرمایه‌ی اجتماعی

گاهی اوقات پیوندهای مستحکم یا میزان اعتماد بین افراد یک گروه در مقابل افراد غیرعضو، و یا یک خانواده «به‌مثابه شکلی از سرمایه‌ی اجتماعی» در مقابل خانواده‌های بزرگ‌تر به نام جامعه، منجر به ایجاد مناسبت‌هایی غیراخلاقی خواهد شد. عموماً در جوامع^۵، توازنی میان مناسبات خانوادگی و مناسبات غیرخانوادگی وجود ندارد و بر مناسبات خانوادگی به زیان دیگر مناسبات اجتماعی تأکید می‌شود، که اصولاً به دلیل وجود روابط اخلاقی غیررسمی در شبکه‌ها، وجود پدیده‌هایی از قبیل آشناپرووری، پارتی‌بازی، ناشکیبایی و نژادگرایی را همیشه محتمل می‌داند که البته باید از اشکال واقعی سرمایه‌ی اجتماعی تفکیک گردند^۶.

در این ارتباط پرداختن به سرمایه‌ی اجتماعی (سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی و سرمایه‌ی درون‌گروهی) ضروری است، که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی

یکی از اجزای اساسی سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد است، وجود پیوندها و ساختار شبکه‌ای همراه با اعتماد بیانگر سرمایه‌ی اجتماعی است.

بخش عمده‌ای از نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مبتنی بر «اعتماد» است. به طور کلی اعتماد، شاخص مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل می‌باشد زیرا رابطه تنگاتنگی با ارتباط متقابل تعمیم یافته دارد.

اعتماد عبارت است از: تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی، که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که مردم به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نمایند^۷. به تعبیر فوکویاما؛ «اعتماد، انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق، دارای رفتار تصادفی خود را نشان می‌دهد».

«پانتام» دو منبع مرتبط، هنجارهای معامله و متقابل و مشارکت مدنی را در شکل‌گیری اعتماد مهم می‌داند، در واقع اعتماد به نوعی تسهیل‌کننده روابط افراد برای همکاری بیش‌تر می‌باشد. وجود اعتماد در محیط کسب‌وکار نیز موجب بهبود کارایی، کاهش هزینه‌ی نظارت، نوآوری و افزایش قدرت و ریسک‌پذیری در افراد می‌شود. تحقیقات انجام‌شده در ۲۹ کشور جهان نشان می‌دهد که رابطه‌ی مثبت بین سطح اعتماد و عملکرد اقتصادی در جامعه است^۸. در واقع اعتماد با برقراری

بر دست‌یابی به منافع حاصل از گروه خود، از منافع گروه‌های دیگر، در قالب مشارکت مؤثر بهره ببرند این کارکرد منفی به وجود نمی‌آید.

دیدگاه نهادگرایان

در این دیدگاه، سرمایه‌ی اجتماعی دیگر یک متغیر اثرگذار نیست، بلکه یک متغیر تأثیرپذیر یا وابسته به عملکرد گروه‌های اجتماعی خواهد بود. به گونه‌ای که قوام آن منوط به شبکه‌های اجتماعی جامعه‌ی مدنی حاصل از شرایط نهادی، سیاسی و حقوقی جامعه می‌باشد. بنابراین فقدان آزادی، ظهور و توسعه‌ی نابرابری، منازعات قومی و مناقشات سیاسی و عدم احراز حقوق مالکیت معنوی، موانع جدی بر سر راه رفاه و توسعه‌ی اقتصادی جامعه خواهند بود. تحت این شرایط علاوه بر نبود فضای کسب‌وکار مطلوب و انگیزه‌ی سرمایه‌گذاران، روح مشارکت معنوی در زمینه‌ی ساخت مدارس، بیمارستان، جاده و غیره، از جامعه رخت بر خواهد بست و توسعه‌ای محقق نخواهد شد.

دیدگاه هم‌افزایی (همیاری)

در این دیدگاه، سرمایه‌ی اجتماعی تلفیقی از دیدگاه شبکه‌ای انحصاری می‌باشد، که در آن تعاون و همکاری دولت و شهروندان یا بخش خصوصی و دولتی مکمل یکدیگر خواهند بود. حدود و ثغور رابطه‌ی دولت و مردم در قالب سه پارامتر تعریف می‌شود که عبارتند از:

- دولت و مردم فی‌نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه متغیرهایی اثرگذار در جهت دست‌یابی به اهداف اجتماعی می‌باشند.
- دولت و مردم به‌تنهایی تمام منابع برای حصول توسعه‌ی پایدار را در اختیار ندارند و تنها از طریق تعاون و همکاری است که می‌توانند در جهت تخصیص بهینه‌ی منابع و به‌تبع آن توسعه‌ی پایدار گام بردارند.
- نقش دولت به عنوان مجری قانون و به عنوان عاملی در جهت ایجاد اتحاد بین گروه‌ها، احزاب، اقوام و ادیان، بسیار حیاتی می‌باشد.

کارکرد سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی اگرچه امروزه نقش غیرقابل انکاری در توسعه‌ی اقتصادی جوامع دارد، اما این به مفهوم عدم پیامدها و یا کارکردهای منفی از سوی این پدیده نمی‌باشد. چنان‌که برخی از انواع سرمایه‌ی اجتماعی نه‌تنها دارای عملکرد مثبت در جامعه و پیشرفت اقتصادی نیستند بلکه چه‌بسا ممکن است به عنوان مانع برای توسعه نیز ظهور پیدا کنند.

بر طبق نظریه‌ی «کلمن»، سرمایه‌ی اجتماعی به لحاظ هنجاری و اخلاقی، نه مطلوب است و نه نامطلوب، و صرفاً با فراهم‌کردن منابع لازم، وقوع کنش‌ها بین افراد را امکان‌پذیر می‌سازد. «فوکویاما» نیز مشارکت در این ارزش‌ها و هنجارها را به خودی خود عامل تولید سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌داند، چرا که از دید وی این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند. بنابراین می‌توان کارکردهای سرمایه‌ی اجتماعی را چنین بیان

۱. لهسایی زاده، عبدالعی و مرادی، گلمراد؛ رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در مهاجران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۲۰۱-۲۱۶. فیلد، جان؛ سرمایه اجتماعی، غلامرضا غفاری، تهران، کویر، ۱۳۸۶، ص ۵۴/۳. توسلی، غلامعباس و موسوی؛ مرضیه؛ پیشین، ص ۲۰-۱۹/۴. موسوی، میرطاهر؛ پیشین، ص ۷۱/۵. به خصوص در شرایط فعلی ایران، ۶۱ دینی ترکمانی، علی؛ پیشین، ص ۱۴۹/۷. شارع پور، محمود (۱۳۸۵). ۸. شارع پور، محمود (۱۳۸۵).



کارگری، پلیس، دولت، افراد سیاسی، پارلمان، ادارات دولتی و شرکت‌های خصوصی می‌باشد.
در هر جامعه‌ای که اعتماد اجتماعی و مدنی رو به کاهش باشد، اوضاع آن رو به وخامت خواهد رفت و چه بسا این وضعیت، به اعتماد فردی نیز سرایت کند.

پیامدهای فقدان اعتماد

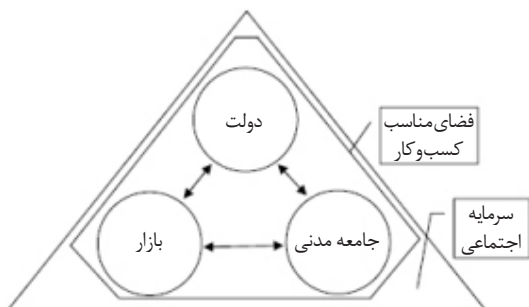
- افزایش سوءظن و بی‌اعتمادی افراد نسبت به یکدیگر و افزایش هزینه‌های مبادله، افزایش هزینه چانه‌زنی و مذاکره.
- افزایش هزینه ریسک‌پذیری در جامعه و کاهش تمایلات خلاقانه و نوآوری و کارآفرینی و غیره.
- کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، به دلیل عدم شفافیت و فضای مناسب مبادلات و چشم‌اندازهای تولید و توزیع و غیره.
- کاهش تبادل اطلاعات، مخدوش نمودن فضای بازارهای رقابتی و عدم شرایط یکسان در بازار رقابتی.
- جالب آن است که «رایزر» در نتیجه‌ی تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که رابطه‌ی مستقیم و همبستگی مثبتی که بین اعتماد به نهادهای عمومی و توسعه‌ی اقتصادی وجود دارد، نقش نظام قضایی و پلیس به مراتب بیش‌تر از سایر نهادها و در مقابل، نقش اعتماد به رسانه‌ها و کلیسا کم‌ترین اثر را در مسیر توسعه‌ی اقتصادی دارد. این بدان معنی است که هرچه مردم به نظام قضایی و عملکرد پلیس اعتماد بیش‌تری داشته باشند، شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در مسیر توسعه سریع‌تر خواهد بود.
- به طور خلاصه اگر بازیگران کلیدی اقتصاد را اعم از: بازار، دولت و جامعه‌ی مدنی در نظر بگیریم، توسعه‌ی اقتصادی مفهومی مشارکتی است و بدون ارتباط و مشارکت منطقی این سه رکن اصلی اقتصاد، توسعه‌ی اقتصادی شکل نمی‌گیرد. از آنجایی که اساس هرگونه مشارکتی نیز بر پایه‌ی وجود شبکه‌ی ارتباطی مناسب بین آن‌ها و روابط مبتنی بر اعتماد می‌باشد، چرا که بدون اعتماد، مشارکت امکان‌پذیر نخواهد بود و توسعه‌ای شکل نخواهد گرفت.

نظم در جوامع، هزینه‌های اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد. فیلسوفانی همچون «هابس» و «توکویل» اعتماد را پایه و اساس نظم در جامعه می‌دانند و معتقدند اعتماد، تنش‌ها و انسجام بین افراد افزایش خواهد یافت.

«آدام اسمیت» نیز اعتماد را روان‌کننده‌ی تعاملات اقتصاد بازار معرفی می‌کند و معتقد است اعتماد را نمی‌توان به صورت تصنعی برقرار کرد. بنابراین دولت‌ها نباید در شرایط بحرانی، که مردم آن را با پوست و استخوان خود لمس می‌کنند، برای جلوگیری از آشوب به مردم دروغ بگویند، زیرا نه تنها اعتماد مردم نسبت به آن نظام یا دولت از دست می‌رود بلکه هیچ‌گاه

در سال ۲۰۱۲ کشور قطر با درآمد سرانه‌ی سالیانه بیش از ۷۲ هزار دلار، در رده‌ی ششم رتبه‌بندی جهانی و بالاتر از کشور سوئیس قرار دارد. کویت نیز با درآمد سرانه‌ی بیش از ۵۱ هزار دلار بالاتر از کشور سوئد قرار دارد. امارات متحده‌ی عربی با درآمد سرانه‌ی نزدیک به ۴۲ هزار دلار بالاتر از کشور ژاپن قرار دارد. این در حالی است که علی‌رغم پیشرفت‌های اقتصادی اخیر کشورهای قطر، کویت و امارات متحده‌ی عربی، نمی‌توان آن‌ها را در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار داد...

سرمایه اجتماعی محیط لازم برای مشارکت بازیگران اقتصاد



نمی‌توان جامعه را برای یک جهش بزرگ آماده ساخت و عموماً زمانی که مردم نسبت به دولت بی‌اعتماد می‌شوند، در شرایط بحرانی با رفتارهای خود اوضاع را وخیم‌تر خواهند ساخت. اعتماد به سه صورت خود را معمولاً نشان می‌دهد که عبارتند از:
- اعتماد بین فردی: اعتماد بین آشنایان از این نوع می‌باشد.
- اعتماد اجتماعی: بین افراد یک جامعه، حتی اگر یکدیگر را نشناسند از این نوع است.

- اعتماد مدنی: اعتماد به سازمان و نهادهای عمومی است. در مجامع بین‌المللی منظور از اعتماد مدنی، اعتماد به مذهب، ارتش، نظام حقوقی و قضایی، مطبوعات، تلویزیون، اتحادیه‌های



خود ارائه نمایند، اعتماد مردم را از دست خواهند داد، چرا که خواه‌ناخواه مردم با پوست و استخوان خود حاصل این سیاست‌ها را درک خواهد نمود. همچنین در عصر اطلاعات نمی‌توان با حذف صورت‌مسأله، یعنی گذاردن محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، اعتماد تصنعی به وجود آورد. اگر دولت‌ها به مردم دروغ بگویند، در شرایط بحرانی نیز مردم نه تنها به کمک آن‌ها نخواهند آمد بلکه با رفتار خود که از بی‌اعتمادی منشأ می‌گیرد، اوضاع را وخیم‌تر خواهند ساخت.

نظام قضایی نیز نقشی حساس مانند دولت در جوامع دارد. اگر مردم احساس کنند نظام قضایی به صورت گزینشی با مجرمان برخورد می‌کند، نه تنها اعتمادشان نسبت به آن سلب می‌شود بلکه احساس ترس و ناامنی خواهند کرد و «قدرت ریسک‌پذیری» خود را از دست خواهند داد، یعنی چیزی که جامعه در مسیر توسعه به شدت محتاج آن است. اگر پلیس در برخورد با مردم کرامت آن‌ها را نادیده بگیرد، نه تنها اعتماد مردم نسبت به پلیس از دست می‌رود بلکه مردم احساس حقارت و سرخوردگی پیدا می‌کنند.

رسانه‌ها نیز اگر دست به پخش اخبار کذب بزنند و نشر اکاذیب کنند، اعتماد مردم را از دست خواهند داد و آن‌وقت هیچ‌گاه نمی‌توان حتی واقعیت را از طریق رسانه‌ها به مردم منتقل کرد. این قاعده در رابطه با تک‌تک نهادهای دولتی مصداق دارد. بنابراین اولین گام در مسیر توسعه را می‌توان اتخاذ تدابیری دانست که ماحصل آن اعتماد مردم به نهادهای دولتی و سازمان‌ها باشد؛ چراکه با شکل‌گیری چنین اعتمادی، روابط اجتماعی بر پایه‌ی اعتماد قوی‌تر شکل خواهد گرفت و این ملزومات و شرایط اولیه‌ی تحقق توسعه می‌باشد. از این حیث هیچ کشوری و دولتی در جامعه نمی‌تواند در شرایط بی‌اطمینانی و عدم اعتماد افراد آن حتی قدمی بردارد و حتی اگر بتواند قدمی بردارد، قطعاً به سمت جلو و در مسیر توسعه نخواهد بود.

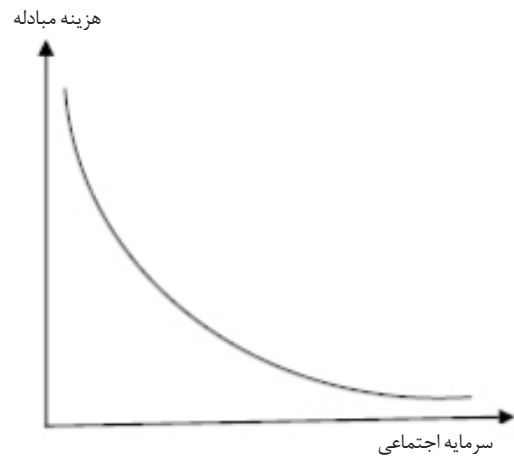
اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی و تولید

یکی از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی اقتصادی در بعضی از کشورها با وجود برخورداری از منابع و سرمایه‌های لازم فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی، ناشی از عدم اطمینان و به‌نوعی ترویج بی‌اعتمادی بین مردمان آن کشورها می‌باشد. به‌گونه‌ای که در جوامعی که میزان اعتماد بالاست، سوءاستفاده از حقوق دیگران کم‌تر بوده و به‌تبع آن هزینه‌های اجتماعی ناشی از مقابله با سوءاستفاده‌های احتمالی کاهش خواهد یافت. عموماً در این جوامع بروز جرایمی از قبیل اختلاس، رشوه و ارتشا به مراتب کم‌تر و همچنین هزینه‌ی کنترل و نظارت کاسته می‌شود.^۱ در بعد دیگر نیز فضای کسب‌وکار بهبود یافته، سرمایه‌گذاران، سرمایه‌ی خود را و کارآفرینان ایده‌های خود را به منصفی ظهور خواهند گذاشت. در نتیجه مقدمات رشد سرمایه‌گذاری، افزایش تولید، اشتغال‌زایی و سایر موهبت‌ها فراهم می‌آید.

لازم به توضیح است که منظور از سرمایه‌ی اجتماعی لازم در این‌جا، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی است. که ضمن وجود شبکه‌ی ارتباطی مبتنی بر اعتماد در درون هر یک از بازیگران اقتصادی، این ارتباط مبتنی بر اعتماد بین آن‌ها نیز برقرار باشد.

حلقه‌ی اتصال سرمایه‌ی اجتماعی به اقتصاد، مبادله می‌باشد. سرمایه‌ی اجتماعی شرایطی را به وجود می‌آورد که فرد در مبادله، از ربودن فرصت‌ها به دلیل خسارتی که متوجه طرف مورد مبادله می‌شود، خودداری کند و این مسأله او را در مبادله قابل اعتماد می‌سازد، به نحوی که هزینه‌ی کنترل رفتار و نظارت بر طرف مبادله (هزینه‌ی مبادله) را کاهش می‌دهد.

رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و هزینه‌ی مبادله



ماخذ: پایین صفحه^۱

«بونو» اعتقاد دارد که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند با ایجاد تسهیل توافق بین بنگاه‌ها و بین بنگاه و مدیریت کلان کشور باعث کاهش هزینه‌ی مبادله بنگاه شده و از این طریق سود بنگاه را افزایش دهد که خود می‌تواند با موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز بی‌ارتباط نباشد.

به عبارت دیگر سرمایه‌ی اجتماعی، حلقه‌ی مفقوده‌ای است که امروز جوامع به دنبال دستیابی به آنند. این حلقه یا ثروت نامرئی، توانایی تسهیل و تسریع توسعه در جوامع را دارد. یکی از اجزای اصلی این سرمایه اعتماد است که به صورت مختلف در جوامع وجود دارد، اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها اعتماد مردم به نهادهای دولتی و سازمان‌ها می‌باشد که در رأس آن‌ها دولت قرار دارد. جوامع و کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به توسعه باید رفاقتی بین دولت و مردم به وجود آورند که بدان «اعتماد مدنی» گویند. بنابراین عملکرد دولت‌ها و نحوه‌ی نگرش آن‌ها به مردم بسیار بااهمیت خواهد بود. اگر دولت‌ها برای زیر سوال نرفتن خود، آمار و اطلاعات نادرستی از عملکرد

۱. حسن امیری- محسن... و سرمایه اجتماعی چگونه وارد تابع تولید می‌شود؟ اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول شماره اول بهار و تابستان ۸۹ ص ۴۵/۳. ناک و کیف (۱۹۹۷).

«مشارکت مردمی» تنها در زمینه‌های شرکت در انتخابات، حفظ نظام، اثبات اقتدار به جهانیان و در رجزخوانی بین‌المللی استفاده می‌کنند. به تعبیری به مشارکت مردمی به عنوان عامل مهم رشد و توسعه نظر نمی‌شود، در حالی که توجه دولت به این مسأله پیامدهای مثبت زیر را به دنبال خواهد داشت که در ادبیات توسعه‌ی اقتصادی بسیار اثرگذار و تعیین‌کننده می‌باشند:

- افزایش تعلق خاطر مردم به جامعه و تقویت حاکمیت
- هم‌سو شدن منافع مردم با منابع ملی و فراهم شدن هم‌گرایی منفعت فردی با منافع‌های اجتماعی
- مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ملی
- هم‌افزایی بین مردم و عنصر حکمرانی خوب

اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی

«کوهن» و «پروساک»^۱ مزایای زیادی را در کارکرد سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی برشمرده‌اند که عبارتند از:

- مشارکت بهتر در واحد تحقیق و توسعه (R&D) به علت ایجاد روابط و اعتماد متقابل، اهداف مشترکی بین افراد به وجود خواهد آورد.
- کاهش هزینه‌های اجرایی (عملیاتی)
- انسجام عملی به دلیل ایجاد تعهد، وفاداری، همکاری و ایثار بین افراد.
- «تیمبرلیک»^۲ نیز مزایای استفاده از ثروت نامرئی (سرمایه‌ی اجتماعی) بر سازمان و بنگاه‌های اقتصادی را چنین بیان می‌کند:
 - دسترسی آسان به اطلاعات با هزینه‌ی بسیار پایین
 - کسب مهارت‌های نوین از سوی اعضای گروه
 - کسب نفوذ و قدرت و افزایش امکان اعمال نفوذ در سازمان
 - ایجاد انسجام و یکپارچگی سازمانی به جهت بهبود عملکرد
 - افزایش تعهد، ارتقای روحیه‌ی همکاری و تعاون
 - افزایش تعامل و کاهش هزینه‌های نظارت و در نتیجه، اعتماد متقابل
 - کاهش میزان ترک شغل و هزینه‌های استخدام

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرمایه‌ی اجتماعی

به‌طور کلی سازمان‌ها به عنوان عضوی از مجموعه‌ی کل اقتصاد و نظام اجتماعی، تأثیر عمده و قابل توجهی بر سیستم اجتماعی دارند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تأثیر سازمان‌ها از بعد اجتماعی گاهی جنبه‌ی مثبت و گاهی منفی پیدا می‌کند و بعضاً نیز پیامدهای مثبت و منفی را هم‌زمان دارا می‌باشد، به‌گونه‌ای که خالص منفعت اجتماعی حاصل از فعالیت سازمان‌ها بر هزینه‌های اجتماعی آن‌ها برتری می‌یابد و در مواقعی نیز این وضعیت برعکس می‌شود.

«بوگلسیک» و «فون‌اسپیک» با مطالعه‌ی ۵۴ منطقه‌ی اروپا در زمینه‌ی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و رشد اقتصادی، به این نتیجه دست یافتند که تنها وجود شبکه‌ها، گروه‌ها و احزاب در رشد اقتصادی مهم نیست، بلکه نوع و سطح فعالیت و روابط آن‌هاست که سرعت رشد اقتصادی را کند و تند می‌سازد. اما متأسفانه در اغلب کشورهای در حال توسعه تا مرحله‌ی تشکیل گروه‌ها و احزاب پیش می‌روند اما پس از شکل‌گیری، به‌جای مسامحه برای رشد اقتصادی، به منازعه و مناقشه بر سر قدرت می‌پردازند.

ارتقای نظم اجتماعی و زندگی در محیطی امن همراه با رفاه اقتصادی مناسب و بهبود استانداردهای زندگی به‌طور ملموس از خواسته‌های شهروندان در هر جامعه‌ای است. این خواسته از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و استقلال سیاسی بسیاری از کشورهای مستعمره‌ی آن زمان، نمود عینی‌تری یافت؛ به‌گونه‌ای که این مسأله سرمنشاء بروز شاخه‌ای جدید در علم اقتصاد، به نام «اقتصاد توسعه» گردید.

اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر اقتصاد سیاسی (دولت)

ایده‌ی افزایش مشارکت مردمی که به‌نوعی پاسخی به شکست برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اقتصاد و توسعه قدیم بود، بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های توسعه‌ی جدید شده است. به‌گونه‌ای که امروز سرمایه‌ی اجتماعی در برخوردهای دولت و در گزارش‌های جهانی به‌وفور دیده می‌شود. زیرا این تعامل زمینه‌ی افزایش کارآمدی، کاهش تصدی‌گری، تمرکززدایی، کاهش فساد، رفع تعارضات ساختاری، افزایش پاسخ‌گویی و ایجاد فرهنگ قدردانی دولت و سایر بخش‌ها را فراهم خواهد آورد. اما متأسفانه برخی کشورهای در حال توسعه، از اصطلاح



«کارول» در مطالعه‌ای که به عنوان «هرم مسئولیت اجتماعی بنگاه» منتشر شد، برای هر بنگاه چهار دسته مسئولیت اجتماعی قائل شده است. به تعبیر دیگر، او مسئولیت اجتماعی هر بنگاه را برآیند ۴ مولفه‌ی زیر می‌داند.

- نیازهای اقتصادی
 - رعایت قوانین و مقررات عمومی
 - رعایت اخلاق کسب و کار
 - مسئولیت کار بشردوستانه
- در مورد اول (نیازهای اقتصادی) شرکت‌ها موظفند نیازهای اقتصادی جامعه را برآورند. کالاها و خدمات مورد نیاز آن را

در سال ۱۹۹۹ در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس، «کوفی عنان» دبیرکل سازمان ملل، به رهبران تجاری جهان پذیرش و اجرای اصول بنیادینی در ارتباط با حقوق بشر، استانداردهای کار و حمایت از محیط زیست را مورد تأکید قرار داد.

در سال ۲۰۰۰ معاهده‌ی جهانی سازمان ملل^۱ در راستای درخواست کوفی عنان تصویب شد. این معاهده‌ی جهانی اقدامات داوطلبانه‌ای درباره‌ی تجارت کار سازمان‌های جامعه مدنی و حکومت به ارمغان آورد. معاهده‌ی جهانی براساس ۱۰ اصل عمومی مشتق شده از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اعلامیه‌ی سازمان کار بین‌المللی در خصوص حقوق و اصول اساسی کار و اعلامیه‌ی توسعه و محیط‌زیست ریو تدوین شده است.

اصول ده‌گانه‌ی معاهده‌ی جهانی

اصل اول: حقوق بشر شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانی باید در حوزه‌ی فعالیت و نفوذ خود از حقوق بشر حمایت کنند و به آن احترام بگذارند.

اصل دوم: شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تضمین نمایند که نقشی در نقض حقوق بشر ندارند.

اصل سوم: معیارهای کار؛ شرکت‌ها و بنگاه‌ها و به‌طور کلی بخش خصوصی باید از آزادی انجمن‌ها و سندیکاها و شناسایی موثر حقوق مذاکره و قدرت عمل دسته‌جمعی حمایت نماید و حق چانه‌زنی متقابل را به رسمیت بشناسد.

اصل چهارم: شرکت‌ها باید در حذف هر نوع کار اجباری بکوشند.

اصل پنجم: شرکت‌ها باید به‌طور موثری کار کودکان را ملغی نمایند.

اصل ششم: شرکت‌ها باید هرگونه تبعیض شغلی را منع نمایند. اصل هفتم: محیط‌زیست؛ شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی باید حامی رویکرد پیشگیرانه در مقابله با مشکلات محیط زیست باشند.

اصل هشتم: شرکت‌ها متعهد گردند در حفاظت از محیط‌زیست مسئولیت بیش‌تری را به عهده بگیرند و پیش‌قدم شوند.

اصل نهم: شرکت‌ها باید در جهت تشویق توسعه و گسترش فناوری سازگاری با محیط‌زیست بکوشند.

اصل دهم: شرکت‌ها باید در جهت افزایش شفافیت و مبارزه با فساد تلاش نمایند.

این معاهده از شرکت‌ها می‌خواهد که در چارچوب حوزه‌ی تأثیر شرکتی خود به این ده اصل که تمامی آن مبتنی بر معاهده‌نامه‌های بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد، پایبند باشند.

برخلاف برداشت معمول، مسئولیت اجتماعی محدود به رعایت مسائل زیست‌محیطی نیست بلکه ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد که در آن‌ها مسائلی که در اصول ده‌گانه‌ی معاهده‌ی جهانی اشاره شد مورد توجه قرار می‌گیرند.

آدام اسمیت نیز اعتماد را روان‌کننده‌ی تعاملات اقتصاد بازار معرفی می‌کند و معتقد است اعتماد را نمی‌توان به صورت تصنعی برقرار کرد. بنابراین دولت‌ها نباید در شرایط بحرانی، که مردم آن را با پوست‌واستخوان خود لمس می‌کنند برای جلوگیری از آشوب به مردم دروغ بگویند، زیرا نه تنها اعتماد مردم نسبت به آن نظام یا دولت از دست می‌رود بلکه هیچ‌گاه نمی‌توان جامعه را برای یک جهش بزرگ آماده ساخت و عموماً زمانی که مردم نسبت به دولت بی‌اعتماد می‌شوند در شرایط بحرانی با رفتارهای خوداوضاع را وخیم‌تر خواهند ساخت.

تأمین کنند و انواع گروه‌های مردم را از فرآیند کار بهره‌مند نمایند.

در مورد رعایت قوانین و مقررات عمومی، وظیفه دارند به بهداشت و ایمنی کارکنان و مصرف‌کنندگان خود توجه کنند، محیط‌زیست را آلوده نکنند، از معاملات درون‌سازمانی بپرهیزند و دنبال انحصار نرفته و مرتکب تبعیض قومی، تبعیض جنسیتی و غیره نشوند.

در مورد سوم، رعایت اخلاق کسب‌وکار، رعایت اصولی چون صداقت، انصاف و احترام جا دارد.

در مورد مسئولیت‌های بشردوستانه، به تعبیر کارول «شهروند

در درون گروه‌ها نیز اعتماد و تعاملات لازم وجود ندارد. در چنین شرایطی که بدترین شرایط موجود می‌باشد فردگرایی و بی‌تفاوتی افراطی به وجود می‌آید و امکان مشارکت و انجام کار گروهی تحلیل می‌رود.

بر این اساس «فلورا» بیان می‌دارد که:

- سرمایه‌ی اجتماعی از طریق «مشارکت»، «ارتباطات» و «روابط» تقویت می‌شود.

- سرمایه‌ی اجتماعی باعث توسعه‌ی ابتکار عمل، مسئولیت‌پذیری، انعطاف و انطباق‌پذیری می‌شود.

بررسی‌های صورت‌گرفته، حکایت از آن دارد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سازمان‌ها یک ارتباط دوسویه برقرار است.

سرمایه‌ی اجتماعی ← مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

آنچه که امروزه به عنوان یک سوال اساسی مطرح است، نقش و جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ادامه‌ی حیات اقتصادی و سودآوری شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌باشد. در واقع شرکت‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی، رسالت اصلی تولید محصول به عنوان یکی از نیازهای بشر و تأمین سودآوری لازم برای اعضا و سرمایه‌گذاران را دارا می‌باشند. مدیران شرکت‌ها نیز همواره باید پاسخ‌گوی میزان تولید و سودآوری شرکت‌های تحت‌الامر خودباشند و منافع سرمایه‌گذاران و سهام‌داران را تضمین نمایند.

از این‌رو پرداختن به موضوع مسئولیت اجتماعی، بدون تبیین جایگاه آن در میزان تولید و سودآوری شرکت، با یک سوال اساسی در ذهن مدیران این شرکت‌ها همراه خواهد بود. بر این اساس چنان‌که در ادامه بیان خواهد شد، با استفاده از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و نقش انکارناپذیری که این پدیده در تحقق رشد و توسعه‌ی اقتصادی دارد، تلاش خواهد شد که جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از هر دو منظر سودآوری و نگاه بشردوستانه تبیین گردد. بدین لحاظ با توجه به اهمیت موضوع نمی‌توان آن را موضوعی فانتزی و مختص زمان‌های رونق اقتصادی و شرایط مطلوب اقتصادی برای شرکت‌ها و سازمان‌ها دانست، بلکه به منظور بهبود متقابل توسعه‌ی کلان کشور و به تبع آن رونق بنگاه‌های اقتصادی، قابل توجه و برنامه‌ریزی است.

شاید بتوان عنوان کرد که در مواقعی ضروری است این بنگاه در شرایط بحران نیز مورد توجه قرار گیرد.

چنان‌که عنوان شد، سرمایه‌ی اجتماعی نقش بسیار بااهمیت و غیر قابل انکاری در کاهش هزینه‌ی مبادله، بهبود فضای کسب‌وکار و در نتیجه، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش تولید خواهد داشت. در فضای برخورداری از فضای اجتماعی بالا، شرکت‌ها با هزینه‌ی مبادله پایین‌تر و بهره‌وری بالاتر نیروی انسانی شاغل در آن فعالیت‌ها، اقدام به تولید خواهند نمود، در نتیجه این موضوع به میزان زیادی سودآوری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنان‌که بیان گردید، مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز متقابلاً موجب ارتقای سطح سرمایه‌ی اجتماعی خواهد شد. لذا به شکل زنجیره‌ای و در یک ارتباط متقابل و مرتبط با هم، مسئولیت‌پذیری اجتماعی از

خوب» بودن است. یعنی مشارکت بنگاه در انواع فعالیت‌هایی که معضلات جامعه را فروکاهد و کیفیت زندگی را بهبود بخشد.

بررسی پیرامون موضوع مسئولیت اجتماعی و شواهد موجود در ارتباط با خصوصاً اظهارنظرهای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان ایران در تعدادی از موارد حکایت از این برداشت دارد که مسئولیت تمام و کمال مناطق محروم و کمک به مناطق حاشیه‌نشین و محروم و همچنین کمک‌های بشردوستانه، بر عهده‌ی دولت می‌باشد. این دیدگاه در شرایط رکودی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی جامعه، رنگ‌وبوی پررنگ‌تری به خود گرفته است. به عبارت دیگر، از دیدگاه بسیاری از سرمایه‌گذاران، در شرایطی که اوضاع اقتصادی و بازار کسب‌وکار کشور از رونق لازم برخوردار نمی‌باشد و بسیاری از بنگاه‌ها زیر ظرفیت واقعی خود مشغول فعالیت هستند صحبت از «تعهد» به موضوع «مسئولیت اجتماعی» چندان خریداری ندارد.

این در حالی است که به نظر می‌رسد در سطح جهانی هم‌گام با سیاست‌های جهانی‌سازی، همچنین افزایش مهم بخش خصوصی از کل بازار و فعالیت‌های اقتصادی، توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی گسترش چشمگیری داشته است. از این‌رو همراه با گسترش حوزه‌ی فعالیت‌های بخش خصوصی و ارتقای سهم آن از کل بازار و اقتصاد، باید این انتظار نیز به نحو مناسبی اصلاح گردد که فعالان بخش خصوصی مسئولیت‌پذیری لازم در ارتباط با وظایف اجتماعی (اگرچه داوطلبانه) را داشته باشند.

سرمایه‌ی اجتماعی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی، چنان‌که بیان گردید، چنانچه علاوه بر تعاملات درون‌گروهی (سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، از قبیل سرمایه‌ی اجتماعی در یک حزب، یک گروه فرهنگی، مذهبی، قومی و غیره) تعاملات بین‌گروهی (سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی) نیز وجود داشته باشد، در این حالت امکان مشارکت و انجام کار گروهی فراهم می‌گردد، که در فرآیند توسعه بسیار مناسب می‌باشد. در غیر این صورت و در صورت فقدان سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی، بیش‌تر انرژی جامعه در مناقشات و دعوای بین گروه‌ها صرف می‌شود. همکاری و تعامل تا میزان زیادی از بین می‌رود، گروه یا حزب غالب به جای پرداختن به امورات و فعالیت‌های مولد و اساسی در رسیدن به اهداف توسعه، وقت خود را صرف آمارسازی و مقابله با حریف می‌نماید. در این شرایط تخریب‌ها به میزان زیادی افزایش می‌یابد و به‌جای هم‌جهت شدن نیروهای درونی یک سیستم، گاهی به مقابله با هم می‌پردازند و در مجموع، نیروهای غیرهم‌جهت و غیرمتمرکز بر هدف، موجبات تباهی منابع و امکانات را فراهم می‌آورند و یا این‌که پیمودن مسیر توسعه به‌راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود.

در مواقعی نیز متأسفانه سطح بی‌اعتمادی به‌گونه‌ای افزایش می‌یابد که نه‌تنها تعاملات بین‌گروهی وجود ندارد، بلکه



نقش آفرینی در امر تولید و سودآوری، به مسئولیت اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای که با رسالت اصلی آن‌ها هم‌خوانی ندارد، می‌نگرند و یا این‌که حداقل در شرایط خاص و ویژه مثل رکود اقتصادی و عدم رونق مناسب، محلی از اعراب نخواهد داشت. در این مقاله سعی گردید که با تعریف ارتباط دوسویه بین سرمایه‌ی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تأثیر غیر قابل انکار این دو پدیده در ارتقای سطح تعاملات و ارتباطات مبتنی بر اعتماد بین کارگزاران مختلف اقتصادی، زمینه‌ی کاهش هزینه‌ی مبادله و بهبود فضای کسب‌وکار را فراهم نماید، که این مسأله یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، و در نهایت براساس دیدگاه بلندمدت اقتصادی و گریز از نگاه‌های زودگذر و مقطعی، موجبات رشد تولید و افزایش سودآوری بنگاه‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت.

به عبارت دیگر، «سرمایه‌ی اجتماعی» موجب کاهش هزینه‌ی مبادله و رونق فضای کسب‌وکار و کاهش هزینه‌ی تولید برای بنگاه‌ها خواهد شد، که سودآوری بنگاه‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انجام تعهدات لازم در این حوزه، موجب افزایش سطح اعتماد و تعاملات اجتماعی در فضای بازار بنگاه‌های مذکور خواهد شد که بدین ترتیب خود زمینه‌ی ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی را فراهم خواهد نمود.

منبع

لهیاسی‌زاده، عبدالعلی و مرادی، گلمراد؛ رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و سلامت روان در مهاجران؛ فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۱۶۲.

فیلد، جان؛ سرمایه‌ی اجتماعی، غلامرضا غفاری، تهران، کویر، ۱۳۸۶، ص ۵۴.
حسن امیری، محسن؛ سرمایه‌ی اجتماعی چگونه وارد تابع تولید می‌شود؟ اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۸۹، ص ۴۵.

کاوسی، اسماعیل و چاوش‌باشی، فرزانه؛ بررسی رابطه‌ی مسئولیت اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان پژوهش‌نامه. مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (۳) موسوی، میرطاهر؛ مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۷۲.
شارع‌پور، محمود؛ سرمایه‌ی اجتماعی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، معاونت برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵، ص ۱۹-۱۸.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه‌ی ایرانیان، چاپ اول.

پیراهری، نیر؛ سرمایه‌ی اجتماعی در نظریات جدید، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، پاییز ۱۳۸۸، سال سوم، شماره سوم، ص ۱۱۰-۱۱۱.

دینی‌ترکمانی، علی؛ تبیین افول سرمایه‌ی اجتماعی، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۴۹.

Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer, (1998). "Getting The Goods on Social apital Rural Sociology", p. 63

سوی شرکت‌ها، به عنوان عناصر اصلی مجموعه‌ی کلی اقتصاد، موجب بهبود و تعامل بین اعضا و عناصر این مجموعه‌ی کلی خواهد شد، که در نهایت از طریق کاهش هزینه‌ی مبادله و بهبود فضای کسب‌وکار موجبات افزایش سودآوری را فراهم خواهد نمود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از سوی شرکت‌ها و سازمان‌ها از طریق بهبود فضای تعاملی بین عناصر درگیر در بازی اقتصاد، اعم از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، از بعد ایجاد فضای مطلوب تقاضا و مشتری‌مداری نیز تأثیر غیر قابل انکاری در افزایش تولید و سودآوری خواهد داشت. آن‌چه که در این ارتباط مورد تأکید است، دستیابی به این مهم در یک نگاه منطقی و مصلحت‌اندیشی بلندمدت مورد توجه قرار گیرد. چه بسا نگاه‌های کوتاه‌مدت و مبتنی بر کسب منافع زودگذر، راه‌گشا نخواهد بود، به‌طوری که در موارد زیادی دیدگاه‌های منفعت‌طلبی فردی، بدون ملاحظات مربوط به منفعت‌طلبی‌های جمعی و اجتماعی در بلندمدت بقا و دوام شرکت‌ها و بنگاه‌ها را در سطح خرد با خطر مواجه سازد. در نهایت، این‌که مسئولیت اجتماعی و اخلاقیات دو مولفه‌ی از مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشند، به این مفهوم است که رعایت اخلاقیات و افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط سازمان‌ها و شرکت‌ها موجبات افزایش سرمایه‌ی اجتماعی را فراهم خواهد نمود که آن نیز به منزله‌ی بهبود شرایط کسب‌وکار و معامله در اقتصاد به سودآوری بیش‌تر برای بنگاه‌ها، افزایش تمایلات سرمایه‌گذاری و در نتیجه، تحقق رشد و توسعه‌ی اقتصادی خواهد بود.

مسئولیت اجتماعی یکی از وظایف و تعهدات سازمان‌ها در جهت منتفع ساختن جامعه است. به نحوی که هدف اولیه‌ی سازمان، یعنی به حداکثر رساندن سود را صورتی متعالی ببخشند. بر این اساس مسئولیت اجتماعی، تعهدی است که نشانگر لزوم انجام وظیفه‌ی سازمان‌ها نسبت به اعضا و افراد جامعه است و هر چه مدیران در انجام این وظیفه بکوشند، نقش خود را در ایجاد اعتماد میان مردم به‌درستی ایفا کرده و سرمایه‌ی اجتماعی را توسعه می‌بخشند. از این‌رو ضروری است که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی خصوصی با رویکرد ارتباط متقابل دو اصطلاح «سرمایه‌ی اجتماعی» و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» با اصلاح انتظارات، زمینه‌ی تحقق فضای لازم را رقم زنند.

نتیجه‌گیری

امروزه سرمایه‌ی اجتماعی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در مباحث توسعه برخوردار می‌باشد، به‌گونه‌ای که برخی از اندیشمندان حلقه‌ی مفقوده و گره اساسی توسعه‌نیافتگی و عدم موفقیت در اجرای برنامه‌های توسعه را فقدان سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند. از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی از سوی شرکت‌ها و سازمان‌ها امروزه یکی از مباحث مورد تأکید معاهدات جهانی و مورد تأکید در برنامه‌های موسسات بین‌المللی است، که براساس آن شرکت‌ها و موسسات باید انجام یک‌سری فعالیت‌های تعریف‌شده را که در متن بیان گردیده، مورد تأکید قرار دهند. در این رهگذر، مدیران بخش خصوصی همراه با نگاه تردید و با مسئولیت ویژه‌ی





○ محمدرضا دهقان پور
کارشناس مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق کرمان
○ راضیه اسفندیاری مهنی
چهارم دانشگاهی منطقه‌ی جنوب

تحلیلی بر مناطق آزاد تجاری کشور و مناطق ویژه‌ی اقتصادی استان کرمان

چکیده

مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی امروز به‌عنوان اهرم مهم توسعه از مسیر افزایش تولید، صادرات و اشتغال‌زایی شناخته می‌شوند. گرچه استفاده از این ابزار مهم در کشور شروع خوبی داشت، اما در ادامه‌ی راه مورد غفلت واقع شده و از مسیر اصلی خود فاصله گرفته است، ولی همچنان باید به‌عنوان پتانسیل مورد اتمام باشد. از این حیث در این گزارش پژوهشی ضمن تعریف و معرفی مناطق آزاد تجاری کشور به‌طور کلی و مناطق ویژه‌ی اقتصادی در استان کرمان به‌طور خاص و جزئی، به تبیین وجه افتراق و اشتراک مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی پرداخته می‌شود.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد که مناطق آزاد تجاری کشور و مناطق ویژه‌ی اقتصادی استان کرمان آن‌طور که انتظار می‌رفت موفق عمل نکرده‌اند و به‌جای این که به گلوگاه صادراتی تبدیل شوند، به پایگاه وارداتی کالاهای خارجی مبدل شده‌اند. تنها راه تقویت این مناطق به‌طور خلاصه در توجه دولت، فعالیت و مشارکت بخش خصوصی، تدوین قوانین کارآمد و به‌روز برای جذب سرمایه‌گذاری، تدوین نقشه‌ی راه و فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب می‌باشد.

واژگان کلیدی: مناطق آزاد، مناطق ویژه‌ی اقتصادی، استان کرمان



مقدمه

امروزه کشورها برای تأمین سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های اساسی رشد و توسعه اقتصادی، کسب فناوری‌های نوین، ایجاد اشتغال و مواردی از این قبیل، ناگزیر از برنامه‌ریزی برای جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی هستند و ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی یکی از مهم‌ترین راهکارهای کشورهای مختلف دنیا در چند دهه اخیر برای نیل به این مهم بوده است.

از نگاه بین‌المللی، فلسفه اصلی رویکرد کشورهای در حال توسعه به ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، دستیابی به توسعه اقتصادی است. این کشورها برای تحقق توسعه، با کمبودها و محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند، ولی در عین حال، از برتری‌ها و امکاناتی نیز برخوردارند و مناطق آزاد و ویژه، ابزاری هستند که می‌توانند تا حدودی کمبودها را جبران و امکانات و برتری‌های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کنند. ایران یکی از کشورهای در حال توسعه است که به‌رغم برخورداری از منابع عظیم انسانی و اقتصادی، ویژگی متنوع آب‌وهوایی، منابع قابل توجه معدنی و نفتی، برخورداری از جاذبه‌های توریستی بی‌نظیر و آثار باستانی، نتوانسته است مراحل دستیابی به توسعه مطلوب را به‌طور کامل طی کند. مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در کشور، از آغاز دهه ۱۳۷۰ شمسی با انتظاراتی مشابه از ایجاد مناطق آزاد و ویژه در سایر کشورها، شکل گرفت.

مناطق آزاد با توجه به اهداف شکل‌گیری، قادر به ایفای نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بوده و می‌توانند از یک‌سو به‌عنوان پایلوت اجرای این سیاست‌ها عمل کرده و از سوی دیگر، با گسترش اقتصاد رقابتی و ایجاد محیطی امن و سودآور برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، زمینه‌ساز به حداقل رساندن تصدی‌گری دولت در حوزه اقتصاد باشند. تحولات اقتصادی جهان و تجربه‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی امروزی بیانگر آن است که تجارت خارجی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد، به‌ویژه در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات تکنولوژی به قدری سریع رخ می‌دهد که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه‌چیز برای همه نیست و توسعه بدون همیاری و بهره‌گیری و دادوستد با دیگران ممکن نخواهد بود. شایان ذکر است در صورتی که مناطق ویژه اقتصادی به‌درستی انتخاب شوند، می‌توانند فضای مناسبی را برای صادرات شرکت‌های تولیدی ایجاد کرده و با جذب عوامل سرمایه در کنار یکدیگر به‌عنوان یک سکوی صادراتی عمل نمایند. به دلیل این‌که تولیدات آن‌ها با قیمت‌های رقابتی و بین‌المللی صورت می‌گیرد باعث کاهش قیمت تمام‌شده‌ی محصول و بهره‌گیری مؤثرتر از آن می‌شود، همچنین امکان حضور در بازارهای بین‌المللی را آسان‌تر می‌کند. این مناطق فارغ از مشکلات و موانع و محدودیت‌های داخلی می‌توانند راه را برای توسعه صادرات بکشایند. در نتیجه وجود این مناطق

در کشور سبب انتقال مرکز فعالیت تجاری بین‌المللی به کشور می‌شود که می‌تواند به‌عنوان یک مزیت تلقی گردد.

به اعتقاد فعالان اقتصادی، این مناطق از طرق مختلف می‌توانند به توسعه اقتصادی ملی یاری رسانند که از جمله آن می‌توان به کاهش بیکاری در اقتصاد ملی، انجام فعالیت‌ها و خدماتی مانند انبارداری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و توزیع کالا، بانک‌داری، بیمه، تولید، مونتاژ کالا و انواع دادوستدها و خدمات جانبی و مولد اشاره کرد. چنانچه تمهیدات مناسبی اتخاذ و سیاست‌های متناسب به‌طور هماهنگ در جهت توسعه مناطق آزاد و ویژه تجاری-صنعتی اتخاذ شود، این مناطق می‌توانند نقش مهمی در شرایط سیاسی و اقتصادی موجود ایران ایفا کنند.

با توجه به اهمیت مناطق مذکور، در این گزارش سعی می‌شود ضمن معرفی مختصر مناطق آزاد تجاری کشور و اهداف و ویژگی‌های آن به تشریح وضعیت مناطق ویژه اقتصادی در استان کرمان به‌طور خاص پرداخته شود، که در این بخش نه‌تنها گزارشی از عملکرد آن‌ها ارائه خواهد شد بلکه به بیان پاره‌ای از مشکلات آن‌ها پرداخته می‌شود.

تعاریف مناطق آزاد تجاری

با توجه به تعریفی که براساس اسناد و مدارک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول یا یونیدو و دیگر مجامع اقتصادی بین‌المللی از مناطق آزاد شده است منطقه‌ی آزاد عبارت است از منطقه‌ای در یک کشور که برای تسهیل و توسعه صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی به‌طور کامل آزاد است. بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه‌ی آزاد محدوده‌ی حراست‌شده‌ی بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، نبود تشریفات زاید ارزی، مقررات دست‌وپاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری، به توسعه‌ی سرزمین اصلی کمک می‌نماید.

اهمیت مناطق آزاد تجاری

مناطق آزاد در جهان سابقه‌ی قدیمی دارند، ولی رشد اقتصادی جهان و لزوم توجه به مزیت‌ها و کاهش قیمت تمام‌شده و بازاریابی برای محصولات کشورها از سال ۱۹۶۰ به بعد وارد مرحله‌ی جدیدی شده است که جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با هدف تشویق و توسعه صادرات کالا و خدمات و کسب درآمدهای ارزی از اولویت خاصی برخوردار کرده است. در ایران نیز از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌ها سعی شده تا با تأمین نیازمندی‌های ارزی، موجبات اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و انتقال تکنولوژی روز، فراهم شود. در واقع مناطق آزاد، ابزاری هستند برای افزایش کارآمدی



سیاست جایگزینی واردات را رها کرده و به سیاست توسعه‌ی صادرات روی آوردند، مناطق آزاد در مالزی، سریلانکا، تایلند، فیلیپین و کشورهای دیگر صورت پذیرفت، حتی کشورهایمانند هند، پاکستان و اندونزی که هنوز تحت حمایت بخش داخلی بودند به منظور توسعه‌ی صادرات خود به تأسیس مناطق آزاد اقدام نمودند.

گذری بر تاریخچه‌ی قوانین مناطق آزاد تجاری در ایران

در اسفندماه ۱۳۴۹ قانونی تحت عنوان «قانون معافیت از حقوق و عوارض گمرکی» برای کالاهایی که به منظور استفاده، مصرف و فروش وارد بعضی از جزایر خلیج فارس می‌شوند، به تصویب رسید که به موجب آن به دولت اجازه داده شد در هر یک از جزایر خلیج فارس، همه‌ی کالاهایی را که به منظور مصرف، استفاده و فروش در فروشگاه‌ها وارد جزیره‌ی مذکور می‌شوند، از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، سود بازرگانی، حق انحصار، عوارض مختلف و حق ثبت سفارش معاف نماید.

در سال ۱۳۵۹ به موجب مصوبه‌ی شورای انقلاب، همه‌ی امتیازات مزبور در مورد کالاهای وارده به جزیره‌ی کیش برقرار گردید. بدین ترتیب جزیره‌ی کیش از بخشی از امتیازات یک منطقه‌ی آزاد برخوردار شد.

در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۸ هنگام تهیه و تصویب قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به موجب تبصره‌ی ۱۹، به دولت اجازه داده شد که حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری-صنعتی تأسیس نماید.

در تاریخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۶۹ هیات وزیران، جزیره‌ی قشم، و در هیجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰ محدوده‌ای از خلیج چابهار را به عنوان منطقه‌ی آزاد تجاری اعلام کرد.

سازمان منطقه‌ی آزاد ارس به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه‌ی خدمات در تاریخ ۲/۶/۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در اواخر شهریورماه ۱۳۸۳ آغاز به کار نمود.

اهداف کلی مناطق آزاد تجاری

۱. جذب سرمایه‌گذاری خارجی
۲. کسب درآمدهای ارزی و افزایش صادرات
۳. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید
۴. نفوذ در بازارهای جهانی
۵. ایجاد پیوندهای صنعتی بین صنایع مناطق آزاد
۶. دستیابی به تکنولوژی پیشرفته
۷. جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم

نیروی کار و سرمایه، جذب فناوری‌های نوین و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های داخلی و خارجی، افزایش تولیدات با کیفیت و صادرات که از مهم‌ترین فاکتورهای رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور می‌باشند. بنابراین از آنجایی که مناطق آزاد باعث ارتقای اهدافی مانند عمران و آبادانی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال، رشد و توسعه‌ی اقتصادی، تشویق تولید و صادرات کالا و غیره می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مناطق آزاد از قوانین و مقرراتی که بر شرکت‌های دولتی حاکم است مستثنی بوده و مدیریت آن‌ها زیر نظر یک سازمان مجری است که جزو خاک گمرکی ایران محسوب نمی‌شود. صادرات و واردات کالا در مناطق آزاد بدون هیچ محدودیتی انجام می‌شود و این ویژگی برجسته‌ای است که خطر سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

در راه‌اندازی مناطق آزاد جذب سرمایه‌های خارجی اهمیت ویژه‌ای دارد، از طرف دیگر نیز سرمایه‌داران کشورهای پیشرفته و صنعتی مایل و راغب به سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه می‌باشند، چرا که به دلیل پتانسیل بالای اقتصادی در این کشورها، سود حاصل از سرمایه‌گذاری به نسبت کشورهای توسعه‌یافته بیشتر خواهد بود. بنابراین هرچه شرایط سرمایه‌گذاری در این مناطق آسان‌تر باشد، میزان جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی افزایش خواهد یافت.

تاریخچه‌ی مناطق آزاد تجاری در جهان

مناطق آزاد تجاری-صنعتی از دیرباز مورد توجه بوده که اولین مناطق در یونان و رم باستان شکل گرفته بوده است. بندر چالیس و پیرائوس در یونان و بندر دلاس در روم با هدف افزایش حجم مبادلات تجاری به عنوان منطقه‌ی آزاد در نظر گرفته می‌شدند تا محدودیت‌های اقتصادی و بازرگانی نداشته باشند. بدین ترتیب که کالاهای در این مناطق بدون حقوق و عوارض گمرکی با کشورهای مثل مصر، یونان، سوریه، شمال آفریقا و آسیا مبادله می‌شدند که این مبادلات کالا در واقع همان صادراتی است که امروزه برای کشورهای جهان اهمیت ویژه‌ای دارد.

بعد از جنگ جهانی دوم در بعضی از مناطق جهان مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ، بندر آزاد هامبورگ در آلمان و... با توجه به موقعیت خاص ارتباطی و بازرگانی خود به عنوان مناطق آزاد مطرح شدند، اما ایجاد منطقه‌ی آزاد با مفاهیم جدید با آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی برابر با سال ۱۳۳۹ شمسی برای اولین بار در بندر شانون واقع در ایرلند صورت گرفت که به سرعت نیز در کشورهای دیگر، به خصوص در خاور دور گسترش یافت. اولین منطقه در آسیا «کاندلا» نام داشت که در سال ۱۹۶۵ در هند تأسیس شد و مدتی بعد منطقه‌ی آزاد «کائونسینگ» در تایوان و منطقه‌ی ویژه «ماسان» در سال ۱۹۷۰ در کره جنوبی تأسیس شدند. در سال ۱۹۷۰ تغییرات شدیدی در خط و مشی توسعه‌ی بسیاری از کشورهای قاره‌ی آسیا شکل گرفت، بدین صورت که

بر اساس مصوبه‌ی سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، سه منطقه‌ی کیش، قشم و چابهار به عنوان مناطق آزاد تجاری-صنعتی تعیین شدند. این روند تا اتخاذ قانون برای برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همچنان ادامه یافت، تا این که بر اساس تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۱ قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی، بر اساس پیشنهاد هیأت دولت، محدوده‌هایی از منطقه‌ی شهرستان‌های آبادان و خرمشهر (اروند)، جلفا (ارسباران) و بندر انزلی به عنوان مناطق آزاد تجاری-صنعتی مشخص شدند.

شایان ذکر است، اگرچه مناطق یادشده در تمامی امور بر اساس قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی آن اداره می‌شوند، اما برخلاف سه منطقه‌ی آزاد قبلی، ورود کالای همراه مسافر از این سه منطقه‌ی آزاد جدیدالتأسیس به سایر نقاط کشور به هر میزان ممنوع گردید. با اجرای این قانون در حال حاضر با اضافه شدن سه منطقه‌ی ارس، انزلی و اروند، تعداد مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران به ۶ منطقه می‌رسد که به‌طور خلاصه به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود.

منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی کیش

در سال ۱۳۴۹ منطقه‌ی کیش با مساحتی بیش از ۹۰ کیلومترمربع، با توجه به ویژگی‌های طبیعی و موقعیت استراتژیکی مناسب به‌عنوان مرکز بین‌المللی توریستی انتخاب شد. در سال ۱۳۶۱ جزیره‌ی کیش به‌عنوان نخستین منطقه‌ی آزاد کشور برگزیده شد و از سال ۱۳۷۲ فعالیت آن منطبق با قوانین مناطق آزاد گردید. همچنین در سال ۱۳۵۸ بندر آزاد اعلام شد. شایان ذکر است که این منطقه سالانه پذیرای حدود ۲ میلیون نفر گردشگر ایرانی و خارجی می‌باشد.

اهداف اصلی منطقه‌ی آزاد کیش عبارتند از:

- تقویت گردشگری و توسعه‌ی صنعتی توریسم کشور
- ارائه‌ی خدمات فرهنگی جهت اشاعه‌ی فرهنگ ایرانی-اسلامی
- گسترش صنایع پیشرفته از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- توسعه فناوری اطلاعات
- ایجاد و تقویت بورس خدمات تجاری نفت و کالاهای نفتی
- مرکزیت یافتن در زمینه‌ی نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی قشم

منطقه‌ی آزاد قشم در سال ۱۳۶۹ با توجه به موقعیت مکانی و وجود منابع عظیم انرژی، برای دستیابی به اهداف زیر معرفی گردید:

- ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی چون عرضه‌ی سوخت و خدمات جنبی

۸. محرومیت‌زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه را بالقوه دارند.

ویژگی‌های مهم مناطق آزاد تجاری

مناطق آزاد عموماً سه ویژگی دارند که بدین شرح می‌باشد:

۱. به عنوان مکانی تجاری است که در آن‌جا فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها به‌طور آزادانه می‌توانند مواد، ماشین‌آلات و تجهیزات خود را بدون پرداخت هرگونه عوارض گمرکی، تعرفه و مالیات وارد کرده، به تولید یا مونتاژ آن اقدام نموده و سپس با کم‌ترین محدودیت و مقررات صادر نمایند.

۲. به عنوان مکانی صنعتی است که در آن‌جا ساختمان‌ها و سوله‌هایی جهت راه‌اندازی کارخانه و ارائه‌ی خدمات عمومی توسط دولت ایجاد شده تا تسهیلات لازم را جهت تولیدات صنعتی فراهم نماید. همچنین برای سهولت صادرات معمولاً این مناطق در نزدیکی بنادر یا فرودگاه‌ها ساخته می‌شوند تا کارها در کم‌ترین زمان ممکن انجام شود.

۳. در این مناطق صنایع و بنگاه‌هایی مستقر هستند که معمولاً از امتیازات، تسهیلات سرمایه‌گذاری و صادرات نظیر معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند. مجموعه‌ی شرایط فوق، مناطق آزاد را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی جهت صادرات جذاب می‌نماید. کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، درصد این هستند تا از طریق ایجاد چنین مناطقی بیش‌ترین مزیت را از هم‌سویی با اقتصاد جهانی با کم‌ترین هزینه به دست آورند.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای این مناطق مطرح گردید، هر روزه در حال افزایش می‌باشند، به‌طوری که در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ تنها ۱۰۰ منطقه‌ی آزاد تجاری در دنیا وجود داشت، اما در حال حاضر تعداد آن‌ها به حدود ۸۵۰ منطقه‌ی آزاد در سراسر جهان از آمریکای شمالی تا آفریقا، آسیا و منطقه کارائیب می‌رسد. از این میان، ۳۲۰ منطقه‌ی آزاد تجاری در آمریکا و مکزیک و ۲۲۵ منطقه در آسیا منهای چین وجود دارد. در کشور چین هم‌اکنون تعداد ۱۸۰ منطقه‌ی آزاد وجود دارد که حدود نیمی از صادرات آن از طریق مناطق آزاد این کشور به خارج صورت می‌گیرد. هم‌اکنون در فیلیپین ۳۵ منطقه‌ی آزاد، در اندونزی ۲۶ منطقه، در امارات متحده‌ی عربی ۹ منطقه و در منطقه‌ی کارائیب ۵۱ منطقه‌ی آزاد وجود دارد.

مناطق آزاد تجاری-صنعتی در ایران

کلید ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی در ایران در سال ۱۳۶۸ با تصویب تبصره‌ی ۱۹ قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با هدف تحقق سیاست توسعه‌ی صادرات غیرنفتی به وجود آمد که در این برنامه دولت مجاز بود حداکثر در سه نقطه‌ی مرزی کشور، مناطق آزاد ایجاد کند.



بندری کشور بوده است. ثالثاً؛ جزیره‌ی زیبای توریستی مینو را در بر می‌گیرد. این منطقه از دیرباز به دلیل وجود آب شیرین رودهای کارون و اروند، امکانات حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و دریایی، از مناطق مرزی و نفت‌خیز کشور بوده و منجر به ایجاد اولین پالایشگاه نفتی خاورمیانه و بزرگ‌ترین بندر تجاری کشور شده است.

- تقویت صادرات مجدد کالا
- ایجاد صنایع بزرگ به‌ویژه صنایع مرتبط با نفت و گاز
- فراهم‌آوری فناوری‌های زیستی پیشرفته
- توسعه‌ی خدمات فنی-مهندسی

منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی چابهار

در سال ۱۳۷۰ منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی چابهار با وسعت ۱۴ هزار هکتار فعالیت خود را آغاز کرد و بنادر شهید بهشتی و شهید کلاتری نیز به این منطقه ملحق شدند. اهداف اصلی این منطقه عبارتند از:
- ترانزیت کالا
- تجارت منطقه‌ای و مبدل شدن به بارانداز کالاها و مواد اولیه‌ی منطقه‌ای

منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی انزلی

منطقه آزاد انزلی با مساحت ۳۲۰۰ هکتار خشکی و ۴۰ کیلومتر مربع آبی، محلی مناسب برای ذخیره‌سازی، ترانزیت و حمل مجدد کالا به آسیای میانه است. این منطقه به علت موقعیت جغرافیایی و منابع نیروی انسانی ارزان و ماهر برای فعالیت در صنایع کشاورزی و سایر خطوط تولید و فعالیت‌های تجاری، بسیار مناسب است. اهداف اصلی این منطقه عبارتند از:
- رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور
- جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی
- تنظیم بازار کار با ایجاد اشتغال
- تشویق تولید و صادرات کالا و تنظیم بازار کالا
- فعالیت و مشارکت در بازارهای منطقه‌ای و جهانی
- انتقال علم و دانش فنی به عوامل تولید داخلی هم‌سو با توسعه‌ی علمی و فناوری جهان

منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی ارس

منطقه‌ی آزاد ارس در سال ۱۳۸۲ با اهداف تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال، تنظیم بازار کالا و حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه‌ی خدمات ایجاد و از میانه‌ی سال ۱۳۸۳ آغاز به کار نمود.

منطقه‌ی آزاد تجاری-صنعتی اروند

منطقه‌ی آزاد اروند در سال ۱۳۸۳ به دلیل پتانسیل‌های موجود در شهرهای آبادان و خرمشهر تأسیس شد. این پتانسیل‌ها عبارتند از:
اولاً؛ با تأسیس پالایشگاه آبادان در سال ۱۹۱۲ میلادی، این شهر یکی از شهرهای بزرگ صنعتی کشور محسوب می‌شود. ثانیاً؛ این منطقه به دلیل وجود اولین بندر تجاری کشور از دیرباز دارای موقعیتی ممتاز نسبت به سایر نقاط و شهرهای

فلسفه‌ی اصلی رویکرد کشورهای در حال توسعه به ایجاد مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی، دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی است. این کشورها برای تحقق توسعه، با کمبودها و محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند ولی در عین حال، از برتری‌ها و امکاناتی نیز برخوردارند و مناطق آزاد و ویژه، ابزاری هستند که می‌توانند تا حدودی کمبودها را جبران و امکانات و برتری‌های بالقوه را در سطح ملی به توانایی بالفعل تبدیل کنند.

مقایسه‌ی وضعیت مناطق آزاد تجاری در ایران و جهان

در جهت مقایسه‌ی سابقه‌ی ایجاد مناطق آزاد در جهان و ایران می‌توان اذعان داشت که بین تأسیس اولین منطقه‌ی آزاد در جهان (در بندر شانون ایرلند) و ایران حدود ۳۰ سال فاصله وجود دارد. این بدان معنی است که تصمیم‌گیران اقتصادی کشور ۳۰ سال بعد از این که اقتصاد جهان به اهمیت ایجاد مناطق آزاد پی برد و از آن به عنوان یک اهرم اقتصادی برای تعامل با اقتصاد جهانی استفاده کرد، به این نتیجه‌ی مشابه رسیدند. در واقع مسئولان اقتصادی کشور زمانی به اهمیت مناطق آزاد پی

۱. صادرات مجدد کالا عبارت است از: «صدور کالاهایی که قبلاً وارد کشور شده است بدون فرآوری یا تغییر اضافی». چنانچه صادرات مجدد از طریق بندر، مناطق آزاد یا انبارهای تحت حفاظت گمرک انجام گیرد مشمول پرداخت حقوق گمرکی نخواهد بود. فرهنگ «دوبستر» صدور کالاهایی را که قبلاً وارد یک کشور یا قلمروی جغرافیایی شده است، صادرات مجدد تلقی کرده است مشروط بر آنکه جنبه عمده فروشی داشته باشد. به کالاهای ترانزیتی یا شبه ترانزیتی تحت هیچ شرایطی عنوان «صادرات مجدد» اطلاق نمی‌شود. «کالاهای شبه ترانزیتی» اقلامی هستند که مالک یا صاحب آنها شناخته شده نیست و این افراد تابعیت کشوری را که کالا در قلمروی آن قرار گرفته است، دارا نیستند.

خود را از دست داده‌اند و اقتصاددانان به دنبال استفاده از اهرم جدیدتری به نام سازمان تجارت جهانی^۱ هستند تا با بهره‌برداری از مزایای آن برای اقتصاد خود ظرفیت‌سازی کنند، اما متأسفانه در ایران سعی می‌شد از اهرم مناطق آزاد به عنوان پلی برای ارتباط و اتصال با اقتصاد جهانی استفاده شود.

این تأخیر زمانی در ایجاد مناطق آزاد در ایران علاوه بر این که اقتصاد کشور را در فرآیند جهانی‌شدن در میان کشورهای پیشرفته، دچار نوعی سردرگمی کرده است، منجر به تکیه‌ی کشور به اهرمی شده که دیگر مربوط به زمان حال نیست و به عصر ماقبل جهانی‌شدن بازمی‌گردد. به همین دلیل قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن، که متناسب با رسالت اولیه‌ی ایجاد مناطق آزاد است، در حال حاضر کارایی لازم را نداشته و در واقع کمکی به تقویت اقتصاد داخلی نخواهد کرد. همچنین شایان ذکر است که بعد از گذشت قریب به ۲۰ سال از تأسیس آن‌ها، زیرساخت‌ها و تأسیسات اولیه و پیشرفته‌ی آن‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه‌ی صادرات و کسب درآمدهای ارزی، مطابق با استانداردهای جهانی ایجاد نشده و به اهداف خود نرسیده است. از این حیث می‌تواند ضمن واکاوی نکات مثبت و منفی این مناطق، در برنامه‌های آتی توسعه‌ی کشور نسبت به عملکرد آن‌ها اهتمام ورزیده شود.

تعاریف مناطق ویژه اقتصادی

مناطق ویژه اقتصادی، مناطقی هستند که برای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی، تحرک اقتصاد منطقه، تولید و پردازش کالا، انتقال فناوری نوین، افزایش صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال مولد و جلب و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در محدوده‌ای از سرزمین اصلی ایجاد می‌شوند. در تعریفی دیگر، مناطقی هستند که اجرای سیستم‌های اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد را برای کشور صاحب منطقه عملی می‌سازد.

بر اساس قانون از جمله مزیت‌های عمده‌ی مناطق ویژه اقتصادی این است که جزو قلمرو گمرکی کشور محسوب نمی‌شوند و مبادلات بازرگانی آن‌ها با خارج از کشور و یا با سایر مناطق آزاد و ویژه، مشمول محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مقررات واردات و صادرات نمی‌شود و از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و همه‌ی عوارض ورود و صدور تحت هر عنوان معاف می‌باشند. این مناطق از تسهیلات قانونی خاص در امور صادرات و واردات کالا، انتقال، بیمه و تأمین اجتماعی، سرمایه‌گذاری و ثبت، صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی، حضور اتباع خارجی، بانک، بیمه و غیره برخوردار می‌باشند.

یکی از راهکارهای اساسی به منظور ایجاد مزیت‌های رقابتی، انتخاب مناطق بالقوه مستعد در نقاط خاصی از کشور است که در آن بتوان شرایط مناسب را برای فعالیت واحدهای اقتصادی جهت حضور در بازارهای جهانی و رقابت با کالاهای ارائه‌شده از سوی شرکت‌های خارجی در مناطق ویژه اقتصادی ایجاد

برده و سعی کردند تا مناطق محروم را از طریق ایجاد مناطق آزاد به رونق و توسعه برسانند که دوره‌ی مناطق آزاد در دنیا به پایان رسیده بود و اقتصاد جهان در فرآیند توسعه‌ای و جدید خود به این نتیجه رسید که در عصر جهانی‌شدن، مناطق آزاد با مفهوم اولیه خود دیگر کارایی لازم را ندارند و بدون تطبیق با اصول تجارت جدید جهانی، نخواهند توانست سر از بازارهای هدف بین‌المللی درآورند، و این درست هم‌زمان با تصویب قانون

به اعتقاد فعالان اقتصادی این مناطق، از طرق مختلف می‌توانند به توسعه اقتصاد ملی یاری رسانند که از جمله آن، می‌توان به کاهش بیکاری در اقتصاد ملی، انجام فعالیت‌ها و خدماتی مانند انبارداری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و توزیع کالا، بانکداری، بیمه، تولید، مونتاژ کالا و انواع دادوستدها و خدمات جانبی و مولد اشاره کرد. چنانچه تمهیدات مناسبی اتخاذ و سیاست‌های متناسب به طور هماهنگ در جهت توسعه مناطق آزاد و ویژه تجاری-صنعتی اتخاذ شود، این مناطق می‌توانند نقش مهمی در شرایط سیاسی و اقتصادی موجود ایران ایفا کنند.

ایجاد مناطق آزاد در برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بود که نشان می‌دهد تصمیم‌گیران کشور در استفاده‌ی به‌موقع از ابزار اقتصادی مناطق آزاد، همواره یک‌دوره عقب بوده و به لحاظ تأخیر در استفاده از آن، بهره‌برداری لازم را از این مناطق نداشته‌اند.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، عصر جهانی‌شدن اقتصاد به تدریج آغاز گردید، یعنی عصری که مناطق آزاد در آن کارایی

۱. World Trade Organization (WTO)



آسیب‌شناسی مناطق ویژه اقتصادی

کشورهای در حال توسعه در جهان برای توسعه صادرات صنعتی، ایجاد اشتغال و انتقال تکنولوژی از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی درصدد تأسیس مناطق ویژه اقتصادی برآمدند. از همین حیث ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در راستای سرعت بخشیدن به روند رشد اقتصادی، در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران نیز گنجانده شد تا بتوانند سازوکاری برای گسترش سرمایه‌گذاری‌های مولد، توسعه صنعت و صادرات شوند. این مناطق در ابتدا نگاه منطقه‌ای را مدنظر دارند اما در نگاهی وسیع‌تر می‌توانند به‌منزله‌ی مسیری باشند که کشور را در جهت توسعه کلان اقتصادی سوق می‌دهد.

این مناطق با برخورداری از یک‌سری از تسهیلات قانونی و ویژگی‌های خاص، می‌توانند جهت‌گیری‌های اساسی توسعه اقتصادی به سمت افزایش صادرات غیرنفتی را هموار سازند. اما مناطق ویژه اقتصادی ایران نه‌تنها نتوانسته‌اند در راستای اهداف پیش‌بینی‌شده خود حرکت کنند و روند توسعه اقتصادی کشور را برای خود فراهم آورند، بلکه به دلیل عملکرد ضعیف خود به مناطقی فاقد کارایی تبدیل شده‌اند که در این‌جا به برخی از ضعف‌ها اشاره می‌شود:

۱. فقدان یک مطالعه امکان‌سنجی و مکان‌یابی درست در مورد این مناطق:

یکی از ضعف‌های این مناطق ناشی از مکان‌یابی نادرست است، چرا که اکثر این مناطق براساس مطالعات امکان‌سنجی انتخاب نشده‌اند. شاید در صورت انتخاب صحیح این مناطق می‌توانستند با جذب عوامل سرمایه در یک مجموعه تولیداتی صادرات‌محور و قابل رقابت در بازارهای جهانی را عرضه کنند.

۲. عدم وجود زیرساخت‌های اولیه و مناسب: هم‌اکنون عمده مناطق ویژه اقتصادی کشور فاقد زیرساخت‌های اولیه و مورد نیاز، به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل هستند که این عامل خود منجر به عدم دسترسی آسان سرمایه‌گذاران حاضر در این مناطق به بازارهای داخلی و مرزهای تجاری می‌شود.

۳. دولتی بودن مدیریت منطقه و اختصاص بودجه دولتی به آن:

وجود مناطق ویژه اقتصادی مختلف در سطح کشور که عمدتاً به صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت و شرکت‌های دولتی اداره می‌شوند، هزینه‌هایی را از بودجه اعتبارات استانی به خود اختصاص می‌دهند که این هزینه‌ها برای استان‌های مربوطه اصولاً فاقد دستاورد اقتصادی است. به عبارتی این مناطق تنها با صرف هزینه‌های ملی، به دلیل ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاران نمی‌توانند بازگشت سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته را به همراه داشته باشند.

۴. گرایش دولت به ایجاد مناطق ویژه متعدد در سطح کشور:

نمود.

شایان ذکر است که در سطح جهان روند شکل‌گیری مناطق ویژه اقتصادی، سه مرحله دارد: مرحله اول؛ فراهم ساختن زیربناها، مرحله دوم؛ جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی، و مرحله سوم؛ ایجاد درآمد ارزی و توسعه صادرات و حضور در بازار جهانی.

اهداف مناطق ویژه اقتصادی

برخی از اهداف مهم مناطق ویژه اقتصادی در کشور ایران عبارتند از:

- جذب سرمایه‌های خارجی
- دستیابی به فناوری پیشرفته
- کسب دانش‌های مدیریتی
- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید
- محرومیت‌زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه بالقوه را دارند.
- جذب نقدینگی سرگردان داخلی
- کمک به مهار تورم
- کسب درآمد ارزی
- افزایش صادرات و غیره.

مزایای مناطق ویژه اقتصادی

- ورود آزاد و بدون حقوق گمرکی ماشین‌آلات، قطعات یدکی، مواد اولیه و مصالح ساختمانی جهت احداث واحدهای تولیدی، تجاری و خدماتی در منطقه
- امکان صدور کالاهای ساخته‌شده از مواد اولیه و کالاهای خارجی در منطقه به خارج از کشور بدون الزام به رعایت مقررات عمومی صادرات و واردات
- مجاز بودن واردات کالاهای تولیدشده در منطقه به داخل کشور به میزان درصد افزوده بدون نیاز به رعایت ثبت سفارشی و گشایش اعتبار
- امکان سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی در هر نوع فعالیت تولیدی و تجاری به هر میزان از سهام
- تضمین سرمایه‌گذاری خارجی توسط دولت
- آزادی ورود و خروج سرمایه و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در منطقه
- امکان استفاده از نیروی انسانی متخصص خارجی در منطقه
- ثبت مالکیت شرکت‌ها و شعب نمایندگی شرکت‌هایی که قصد فعالیت در منطقه ویژه اقتصادی را دارند، صرف نظر از میزان مشارکت سهام داخلی و یا خارجی آنها
- معافیت از پرداخت هرگونه عوارض معمول در کشور، از جمله ۲درصد تجمیع عوارض به مدت ۲۰سال
- تبعیت از قانون کار مناطق آزاد تجاری و صنعتی در مناطق ویژه



مناطق ویژه اقتصادی در استان کرمان

کارکرد مناطق ویژه اقتصادی در تولید ناخالص داخلی و صادرات غیرنفتی آن چنان حائز اهمیت است که نمی‌توان آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای رشد و توسعه اقتصادی پایدار نادیده انگاشت. مناطق ویژه اقتصادی ابزاری هستند برای افزایش کارآمدی نیروی کار و سرمایه، جذب فناوری‌های نوین، جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های داخلی و خارجی، افزایش تولیدات باکیفیت و رقابتی و نیز، صادرات. بنابراین به همان نسبتی که عملکرد این مناطق بتواند بازتاب‌دهنده این اهداف باشد انگیزه برای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی جدید و خلق فرصت‌های بیشتر افزایش خواهد یافت. کشورهای در حال توسعه موفق نظیر هند و چین که توانسته‌اند در دهه‌های اخیر سهم مهمی از صادرات و تجارت جهانی را به خود اختصاص دهند، هرکدام ده منطقه ویژه اقتصادی تاسیس کرده و به تدریج بسترهای لازم برای پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی را فراهم آورده‌اند.

تجربه‌ی عینی مناطق ویژه اقتصادی موجود کشور نشان داده آن‌دسته از مناطق ویژه‌ای که بر مبنای مکان‌یابی درست انتخاب شده و تولید و صادرات آن‌ها بر پایه‌ی مزیت‌های دقیق ملی و منطقه‌ای تعریف شده است سهم بسیار بالایی از تولید ناخالص ملی و نیز، صادرات کشور را به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان مثال حجم تولیدات و صادرات سه منطقه‌ی ویژه اقتصادی انرژی پارس، پتروشیمی و بندر امام خمینی (ره) و نیز صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس، به تنهایی بخش عمده‌ی تولید و صادرات غیرنفتی کشور در حوزه‌های تولیدی این مناطق را به خود اختصاص داده است. یکی از دلایل گرایش به ایجاد مناطق ویژه اقتصادی جدید، موفقیت اقتصادی همین مناطق است.

شایان ذکر است؛ استان کرمان از داشتن مناطق ویژه اقتصادی محروم نیست و مناطقی همچون منطقه‌ی ویژه اقتصادی سیرجان، ارگ جدید، رفسنجان و جازموربان در این استان قرار دارند که ظرفیت‌های تجاری، صنعتی و اقتصادی استان را افزایش داده‌اند. اما متأسفانه علی‌رغم ظرفیت‌های بسیار بالایی که در مناطق ویژه اقتصادی سیرجان و بم وجود دارد، ظرفیت‌های این مناطق به‌خوبی شناسانده نشده است. این مناطق به عنوان کریدور اتصال جنوب و آب‌های آزاد به شمال و شرق کشور مطرح هستند و انتظار می‌رود با دویانده شدن جاده‌ی بندرعباس به سیرجان، سرمایه‌گذاری در این مناطق افزایش یابد. امکانات انبارداری، سیلو، تسهیلات و سرمایه در گردش در مناطق ویژه اقتصادی این استان قاعدتاً به عنوان ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری آن‌ها شناخته می‌شوند و مطمئناً موجب جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری و رونق بیشتری در این مناطق خواهد شد. بنابراین در این قسمت به بررسی وضعیت مناطق ویژه اقتصادی استان کرمان به جهت آسیب‌شناسی و معرفی نقاط قوت آن پرداخته می‌شود.

با وجود فضای نامناسب حاکم بر این مناطق و عدم استقبال سرمایه‌گذاران از مناطق مذکور، دولت همواره بر افزایش تعداد مناطق مذکور تأکید دارد. به‌طوری که در طول سفرهای استانی دولت، وعده‌های زیادی برای ایجاد آن‌ها مطرح گردید. در واقع افزایش و تعدد مناطق ویژه اقتصادی نشان‌دهنده‌ی اهتمام دولت به جایگاه مناطق ویژه اقتصادی است، این در حالی است که با وجود مشکلات عدیده‌ی پیش روی مناطق قدیمی، ایجاد مناطق جدید که این مناطق نیز قرار است مانند ۱۶ منطقه‌ی قبلی به حال خود رها شوند، نمی‌توان آینده‌ی روشنی را پیش روی این مناطق متصور شد.

با توجه به این‌که اصولاً ایجاد این مناطق هزینه‌ی چندانی برای دولت به همراه ندارد، دولت همواره در سفرهای استانی خود با دادن مصوبه‌ای برای ایجاد مناطق مذکور، به نحوی سعی دارد با استفاده از این ابزار اقتصادی، رضایتمندی مردم استان‌ها را برای دولت به سوغات ببرد.

تفاوت مناطق ویژه اقتصادی با مناطق آزاد

بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه‌ی آزاد محدوده‌ی حراست‌شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست‌وپاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه‌ی سرزمین اصلی کمک می‌نماید.

همچنین می‌توان مناطق ویژه اقتصادی را به این صورت تعریف کرد: «به محدوده‌ی جغرافیایی مشخص که قوانین گمرکی محدوده‌ی گمرکی کشور در آن اجرا نمی‌شود و به منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری‌های نوین در امر تولید و توسعه، منطقه‌ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد می‌شود» که آن را منطقه‌ی ویژه می‌نامند.

در مناطق ویژه اقتصادی تخفیف مالیاتی طبق مقررات داخل کشور می‌باشد، در حالی که در مناطق آزاد معافیت مالیاتی به مدت ۱۵ سال وجود دارد.

در مناطق آزاد، خرده‌فروشی برای اتباع داخلی و خارجی امکان‌پذیر است، اما در مناطق ویژه اقتصادی فقط برای اتباع خارجی میسر می‌باشد.

در مناطق آزاد روایید در مرزهای ورودی اعطا می‌شود ولی مقررات روایید برای اتباع خارجی در مناطق ویژه براساس ضوابط داخل کشور است.

مقررات کار و بیمه‌ی اجتماعی در استخدام اتباع خارجی در مناطق آزاد تابع مقررات خاص مناطق می‌باشد و در مناطق ویژه اقتصادی تابع مقررات داخل کشور می‌باشد.



مواد شیمیایی مانند گرانول، مستریچ، انواع رنگ و سایر تولیدات مانند ورق لوله‌ی استیل، دم‌پایی و غیره بوده که در بخش‌های داخلی و خارج از کشور صادر گردیده است، که نزدیک به ۱۰ هزار تن از تولیدات این منطقه از جمله کفش، رنگدانه، روغن نباتی و مواد معطر گیاهی به ارزش ۳۲ میلیون دلار به کشور امارات، آلمان، هند، عراق، افغانستان، ترکیه و روسیه صادر شده است و طی ۱۰ ماه سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۸ هزار تن مواد اولیه‌ی مورد نیاز این منطقه از خارج از کشور وارد این منطقه شده است.

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان از مناطق چندمنظوره‌ی ایران است که در شهریورماه ۱۳۷۲ با هدف انتقال تکنولوژی و فناوری، توسعه‌ی صادرات، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی توسط بخش خصوصی تأسیس شد. این منطقه در چهار بخش از جمله ۱. بخش صنعتی که دارای کارخانجات و واحدهای تولیدی مختلف شامل برق، الکترونیک، مواد غذایی و دارویی، مواد شیمیایی، صنایع فلز و غیره است، ۲. بخش تجاری و بازرگانی، ۳. بخش تفریحی و توریستی و ۴. بخش خدمات مختلف فعالیت دارند.

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان از جمله مناطقی است که فعالیت خود را بدون سرمایه‌گذاری دولتی انجام داده و توانسته است به قطب تولید و تجارت تبدیل گردد و باعث ارتقای اهمیت استان کرمان شود. این منطقه علاوه بر تأثیراتی که در توسعه‌ی کل استان داشته، از دیدگاه توسعه‌ی جهانگردی نیز حائز اهمیت می‌باشد.

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان با جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش‌های مختلف کارخانه‌ای توانسته است میزان سرمایه‌گذاری این منطقه را به بیش از ۶۰۰ میلیون دلار برساند که این رقم قابل توجهی در اقتصاد کشور است.

در سال‌های ابتدایی سرمایه‌های زیادی بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار جذب منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان شد که تمامی آن‌ها صرف امور زیربنایی، تبلیغ و معرفی منطقه و سامان‌دهی تشکیلات و غیره گردید. اما در ۱۵ سال بعد با وجود نیاز شدیدی که به سرمایه برای راه‌اندازی پروژه‌هایی مانند راه‌آهن، فرودگاه و پروژه‌های صنعتی و تجاری و تکمیل شبکه‌های آب، برق، فضای سبز و تأسیسات رفاهی بود، متأسفانه نتوانست سرمایه‌ی چندانی جذب کند.

هم‌اکنون حدود ۳۲ واحد تولیدی و صنعتی در منطقه‌ی ویژه‌ی سیرجان فعالیت دارند که برای ۲ هزار و ۲۰۰ نفر فرصت شغلی ایجاد کرده است.

در سال ۱۳۹۱ برای کارخانجات تولیدی فوم، کلوچه، بیسکویت و همچنین مجموعه‌ی گلخانه‌ای، ورزشی و استخر حدود ۵۰ میلیارد دلار توسط بخش خصوصی سرمایه‌گذاری شد که این طرح تا نیمه‌ی اول سال ۱۳۹۲ به بهره‌برداری خواهد رسید.

وضعیت تولید و صادرات

طی سال ۱۳۹۱ بیش از ۱۳ هزار تن از کالاهایی که در این منطقه‌ی ویژه تولید شده بود به خارج از کشور صادر شد، همچنین میزان کالاهای تولیدی در این منطقه به لحاظ وزنی نسبت به سال قبل حدود ۵۰ درصد رشد داشته است که شامل انواع تولیدات در زمینه‌ی مواد غذایی و دارویی مانند روغن خوراکی، شکر، اسانس خوراکی و دامی و در زمینه‌ی برق و الکترونیک شامل انواع تلویزیون، بلندگوی خودرو و در زمینه‌ی

مسئولان اقتصادی کشور زمانی به اهمیت مناطق آزاد پی برده و سعی کردند تا مناطق محروم را از طریق ایجاد مناطق آزاد به رونق و توسعه برسانند که دوره‌ی مناطق آزاد در دنیا به پایان رسیده بود و اقتصاد جهان در فرآیند توسعه‌ای و جدید خود به این نتیجه رسید که در عصر جهانی شدن، مناطق آزاد با مفهوم اولیه‌ی خود دیگر کارآیی لازم را ندارند و بدون تطبیق با اصول تجارت جدید جهانی نخواهند توانست سر از بازارهای هدف بین‌المللی در آورند...

امکانات و تسهیلات

امکانات و حمایت‌های زیادی برای افزایش حجم تولیدات و تجارت منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان فراهم شده است که برخی از آن‌ها بدین شرح می‌باشد:

۱. پاسخ‌گویی به نیازهای متقاضیان با استقرار گمرک منطقه‌ی ویژه به صورت شبانه‌روزی
۲. وجود پایانه‌ی ترابری جنوب‌شرق ایران و بارانداز و سکوی اختصاصی راه‌آهن سراسری و باسکول‌های مجهز الکترونیکی
۳. وجود فرودگاه فعال و امکان پرواز مستقیم به پایتخت (تهران)



۱۲. وجود سیستم لوله‌کشی آب صنعتی و آشامیدنی از آب شهری و سد تنگ‌نویه
۱۳. امکان تأمین برق از شبکه سراسری برق کشور به قدرت ۹۰ مگاوات همراه با شبکه‌ی توزیع ۲۰ کیلووات در داخل منطقه
۱۴. وجود مرکز تلفن دیجیتال و واگذاری انشعاب ظرف یک‌روز
۱۵. وجود سرویس‌های اقامتی مدرن و خدمات توریستی در منطقه
۱۶. استقرار سایت ماهواره‌ای برای ارائه‌ی سرویس‌ها و خدمات اینترنت و تجارت الکترونیک^۲ در منطقه
۱۷. وجود شبکه‌ی گازرسانی از شبکه‌ی سراسری جنوب با ظرفیت ۲۵۰۰۰ مترمکعب گاز در روز
۱۸. استقرار آزمایشگاه استاندارد و تحقیقات صنعتی در منطقه
۱۹. استقرار آتش‌نشانی اختصاصی در منطقه
۲۰. اجرای شبکه‌ی راه‌آهن اختصاصی برای انبارداران و صنعتگران

مشکلات و کمبودها

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی سیرجان تا حدودی به اهداف خود رسیده است، اما عوامل متعددی از جمله کمبود نقدینگی، مشکلات تخصیص و اخذ ارز برای واردات مواد اولیه، افزایش هزینه‌های تولید، افزایش هزینه‌های انرژی و نیروی کار، عدم پرداخت سهم تولید در فاز اول طرح هدفمندی یارانه‌ها و عدم تخصیص تسهیلات برای طرح‌های توسعه در منطقه، از جمله مشکلاتی است که موجب افت شدید ظرفیت تولید شده و کاهش عرضه‌ی محصولات واحدهای تولیدی را به دنبال داشته است، همچنین باعث تعدیل و اخراج نیروهای شاغل و کارکنان مشغول در این واحدها شده است.

مهم‌ترین چالش توسعه در این منطقه، واردات کالاهای مشابه و ارزان قیمت و با کیفیت نامطلوب است که با همکاری دولت در رفع نقدینگی و ارائه‌ی تسهیلات مورد نیاز واحدهای صنعتی و تولیدی و همکاری نهادها و سازمان‌ها کمک شایانی به توسعه و رونق هرچه بیش‌تر این منطقه خواهد شد و همچنین مسئولان باید اقدام جدی در زمینه‌ی ثبت سفارش کالا در مرکز استان و شهرستان سیرجان داشته باشند تا واحدهای مستقر در منطقه، مشکلات سفارش کالا در تهران را نداشته باشند.

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی ارگ جدید

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی ارگ جدید در ۱۰ کیلومتری شرق شهرستان بم به مساحت ۲۱۰۰ هکتار قرار گرفته است. با توجه به محرومیت منطقه، اهداف اصلی از تأسیس این منطقه، اشتغال‌زایی برای نسل جوان، عمران و آبادانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی ارگ جدید قبل از پیوستن به لیست مناطق ویژه‌ی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی را از طریق همکاری با خودروسازی کره جنوبی شروع کرد و در چهار بخش، از جمله بخش صنعتی

- و مبادی و مقاصد مورد نظر با هواپیمایی ماهان
۴. ارائه‌ی خدمات و سرویس‌های حمل‌ونقل بین‌المللی بار
۵. وجود امکانات بارگیری و تخلیه‌ی بار
۶. وجود تأسیسات گمرکی و آزمایشگاهی و کنترل و بازرسی کالا^۱
۷. وجود شعبات ریالی و ارزی بانک‌های ملی، صادرات، تجارت، سپه و رفاه کارگران در منطقه

تأخیر زمانی در ایجاد مناطق آزاد در ایران علاوه بر این که اقتصاد کشور را در فرآیند جهانی شدن در میان کشورهای پیشرفته، دچار نوعی سردرگمی کرده است، منجر به تکیه‌ی کشور به اهرمی شده که دیگر مربوط به زمان حال نیست و به عصر ماقبل جهانی شدن بازمی‌گردد. به همین دلیل قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن، که متناسب با رسالت اولیه‌ی ایجاد مناطق آزاد است، در حال حاضر کارآیی لازم را نداشته و در واقع کمکی به تقویت اقتصاد داخلی نخواهد کرد...

۸. وجود دفاتر بیمه کالا و خدمات پشتیبانی بین‌المللی ضمانت کالا و سرمایه
۹. وجود سردخانه‌ی دومداره (بالای صفر و زیر صفر) با ظرفیت ۵۰۰۰ تن کالا
۱۰. وجود ۲۰۰ هزار مترمربع انبار مسقف و ۴۰۰ هزار مترمربع انبار کانتینری برای دپوی ۴ میلیون تن کالا
۱۱. وجود سیستم آتش‌نشانی و لوله‌کشی اطفای حریق

۱. (SGS) یک شرکت چند ملیتی است که مقر آن در ژنو، سوئیس می باشد و خدماتی از قبیل بازرسی و تایید مقدار، وزن و کیفیت کالاهای مورد معامله، تست کیفیت محصول و عملکرد در برابر استانداردهای مختلف بهداشت، ایمنی و نظارتی، و غیره/



و قانونی دارند
۱۰. امکان خرید و فروش و اجاره‌ی زمین برای سرمایه‌گذاران داخلی و اجاره‌ی بلندمدت زمین برای سرمایه‌گذاران خارجی

تسهیلات و امکانات

۱. وجود شهرک ارگ جدید با تمامی امکانات مورد نیاز زندگی
۲. وجود واحدهای تجاری و خدماتی به منظور تسهیل در

که سرمایه‌گذاران اولیه‌ی آن از کشور کره جنوبی بود، مشارکت و سرمایه‌گذاری در صنایع خودروسازی، قطعه‌سازی و صنایع وابسته به آن، صنایع فلز، صنایع فناوری و بسته‌بندی، محصولات کشاورزی و انواع فعالیت‌های صنعتی دیگر که با توجه به ضوابط تعیین‌شده از سوی مدیریت منطقه‌ی ویژه مجاز تشخیص داده شده، آغاز کرد. دیگر فعالیت‌های این منطقه مرتبط به بخش‌های تجاری، خدماتی، توریستی و رفاهی می‌شود. بیش‌ترین نوع تولید مدل از خودروهایی تولیدی کشور در این منطقه ساخته می‌شود.

شرکت عمران ارگ به‌عنوان سازمان مسئول منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی ارگ جدید به منظور محقق شدن فعالیت صنعتی، اقتصادی و گردشگری از سال‌های نخست تأسیس، فعالیت خود را در این بخش شروع کرد که از اقدامات این شرکت می‌توان به ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات پشتیبانی مورد نیاز از قبیل احداث ترمینال اختصاصی در فرودگاه بم، راه‌آهن و انبارهای مجهز کالا، تأمین آب و برق و مخابرات، ساخت هتل‌ها، امکانات ورزشی، تفریحی و آموزشی و سایر تسهیلات اشاره کرد.

با توجه به پتانسیل بالقوه‌ای که در این منطقه وجود دارد انتظار می‌رود در آینده‌ی نزدیک به یکی از قطب‌های توریستی و تفریحی کشور تبدیل شود. این منطقه دارای ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی منحصربه‌فردی است که موقعیت بسیار خوبی برای پیشرفت این منطقه فراهم می‌آورد. از جمله‌ی این ویژگی‌ها می‌توان دسترسی آسان و نزدیک به آب‌راه‌ها، راه‌های داخلی و بین‌المللی (جاده‌ها، راه‌آهن) و برخورداری از آب و هوای مناسب و رطوبت کم برای فعالیت‌ها در تمام فصول سال را نام برد.

مزیت‌های قانونی

۱. داشتن شرایط سرمایه‌گذاری مناسب برای سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی در هر نوع فعالیت تولیدی
۲. حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی براساس قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی
۳. معافیت حقوقی و گمرکی برای ورود ماشین‌آلات و تجهیزات سرمایه‌ای واحدهای تولیدی در منطقه‌ی ویژه
۴. صادرات کالا از منطقه به مبادی خارج از کشور بدون الزام به رعایت مقررات عمومی صادرات و واردات کشور
۵. ارسال کالا از منطقه به مبادی داخل کشور به میزان درصد ارزش افزوده‌ی ایجادشده، بدون نیاز به رعایت ثبت سفارش و گشایش اعتبار
۶. امکان به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص خارجی در منطقه
۷. معافیت ده‌ساله‌ی مالیاتی برای کل فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در منطقه
۸. جاری بودن قانون کار مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی در روابط میان کارگر و کارفرما
۹. واردات نامحدود کالاها به‌استثنای کالاهایی که منع شرعی

در مناطق ویژه‌ی اقتصادی تخفیف مالیاتی طبق مقررات داخل کشور می‌باشد در حالی که در مناطق آزاد معافیت مالیاتی به مدت ۱۵ سال وجود دارد. در مناطق آزاد خرده‌فروشی برای اتباع داخلی و خارجی امکان‌پذیر است اما در مناطق ویژه اقتصادی فقط برای اتباع خارجی میسر می‌باشد. در مناطق آزاد روایید در مرزهای ورودی اعطا می‌شود ولی مقررات روایید برای اتباع خارجی در مناطق ویژه براساس ضوابط داخل کشور است. مقررات کار و بیمه‌ی اجتماعی در استخدام اتباع خارجی در مناطق آزاد تابع مقررات خاص مناطق می‌باشد و در مناطق ویژه اقتصادی تابع مقررات داخل کشور می‌باشد.

فعالیت‌های اقتصادی منطقه

۳. استقرار شعب بانک‌های ملی، صادرات، سپه، ملت، رفاه و تجارت در منطقه
۴. وجود تسهیلات و امکانات رفاهی از قبیل هتل، رستوران و سایر مراکز خدماتی و تفریحی
۵. ارائه‌ی امکانات و تسهیلات ارتباطی مخابراتی، رادیویی، ماهواره، سرویس دیتا و اینترنت



روز دنیا توسط شرکت مشاوران مهندسی NCE آلمان آغاز و هم‌اکنون فاز اول آن در زمینی به مساحت ۲۰۰ هکتار در حال اجرا می‌باشد.

هدف اصلی فعالیت در منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی رفسنجان، فعالیت اقتصادی است که شروع فعالیت در این منطقه مستلزم حضور بخش خصوصی و تهیه‌ی امکانات لازم می‌باشد.

مزیت‌های منطقه

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی رفسنجان به دلیل موقعیت بسیار مناسب خود از سمت شمال استان کرمان که نزدیک به قلب صنایع مس و فولاد کشور است، دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ی فراوانی جهت رشد و توسعه‌ی مناسب می‌باشد. همچنین به دلیل استقرار گمرک در این منطقه، مبادلات اقتصادی و بازرگانی با خارج از کشور خصوصاً واردات ماشین‌آلات، مواد اولیه‌ی صنایع مس و فولاد به راحتی در انبارهای این منطقه انباشته و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

طرح منطقه‌ی بزرگ اقتصادی رفسنجان در ۳ فاز اجرا می‌شود که شامل منطقه‌ی گردشگری، صنعتی، مسکونی و فضای سبز می‌باشد.

مشکلات و کمبودها

برای جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در این منطقه‌ی ویژه، نیاز به حضور و همکاری بخش خصوصی استان است. شایان ذکر است مشکل اصلی این منطقه، کمبود آب است و این منطقه قابلیت‌های جذب زیادی دارد و می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق، مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به این‌که این منطقه در حال احداث و تکمیل شدن است، هنوز با قطعیت نمی‌توان در رابطه با حصول اهداف آن اظهار نظر کرد.

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی جازموریان

شهرستان رودبار جنوب محل تلاقی سه استان کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان است که در پایان دهه‌ی دوم انقلاب طرح منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی در محدوده‌ی پل بهادرآباد با حدود ۱۴۰۰ هکتار مساحت مطالعه و برنامه‌ریزی شد. مطالعات اولیه‌ی زیست‌محیطی آن در زمان دولت اصلاحات انجام شد و در دوره‌ی دوم سفر ریاست‌جمهوری دولت نهم مصوبه‌ی هیأت دولت مبنی بر ایجاد زیرساخت‌های منطقه، طی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ تصویب و برای اجرای زیرساخت‌ها و راه‌اندازی منطقه، اصل آن به شرکت سرمایه‌گذاری سهام عدالت واگذار گردید، که به علت ضعف سیستم مدیریت علی‌رغم مصوبه‌ی هیأت دولت و تصویب بودجه‌ی لازم برای زیرساخت آن، شرکت سرمایه‌گذاری سهام عدالت نتوانست اقدام خاصی را انجام دهد.

۶. ایجاد امکانات انبارداری، تخلیه و بارگیری کالاها

۷. وجود شبکه‌ی آب و فاضلاب و برق با توجه به نیازهای منطقه

۸. ارائه‌ی خدمات پزشکی و درمانی، خدمات ایمنی و آتش‌نشانی

۹. وجود امکانات زیربنایی از قبیل فرودگاه، پایانه‌ی حمل‌ونقل جاده‌ای، پمپ‌بنزین و پایانه‌ی اختصاصی راه آهن

۱۰. استقرار نیروی حفاظتی اختصاصی برای حفظ امنیت منطقه

۱۱. وجود تسهیلات و خدمات فرهنگی و مجتمع‌های آموزشی

مشکلات و کمبودها

از ابتدای راه‌اندازی این منطقه، تمام تسهیلات در نظر گرفته شد تا سرمایه‌گذاران با حداقل موانع و بروکراسی غیرضروری در این منطقه مواجه شوند. این منطقه قابلیت‌های زیادی دارد و می‌تواند یکی از مناطق در رأس مناطق دیگر اقتصادی باشد. با توجه به اهداف منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی ارگ جدید می‌توان ادعان داشت که این منطقه با مشکلات و چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌باشد و به بسیاری از اهداف خود نرسیده است.

در بخش صادرات، این منطقه با مشکلاتی مواجه شده است، در واقع قسمت اعظم مواد اولیه و قطعات نیمه‌ساخته‌شده وارداتی هستند، و از سوی دیگر هم صنایع داخلی نیز دارای ساختاری وابسته می‌باشند، بدین لحاظ نمی‌توان خالص صادرات چندانی را از این منطقه انتظار داشت.

در زمینه‌ی اشتغال نیز نتوانسته است به اهداف مورد نظر خود دست یابد. بیش‌ترین فعالیت در مناطق آزاد مربوط به بخش خدماتی می‌باشد. اما پایین بودن دستمزد کارگران عادی و همچنین بالا بودن سطح دستمزدهای کارگران ماهر (برای جلوگیری از مهاجرت آن‌ها) باعث به وجود آمدن تفاوت در سطح درآمد بخش صنعت و خدمات شده است. یکی دیگر از مهم‌ترین موانع رشد این منطقه، فقدان منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی است که منجر به گرایش مناطق ویژه به سمت واردات برای تأمین منابع شده است.

به‌رغم منابع و ذخایر فراوان طبیعی و چشم‌اندازهای بالقوه‌ی اقتصادی که این منطقه را به لحاظ این شاخص در رده‌ی ممتاز منطقه‌ای و جهانی قرار می‌دهد، متأسفانه به دلیل حاکمیت نگاه دولتی از سال‌های گذشته تا به امروز، موضع این مناطق به نوعی با بحث توسعه‌یافتگی ناشی از ورود سرمایه‌گذاری‌های مولد داخلی و خارجی و به نوعی مواجهه و پس‌زدگی سرمایه‌گذاری تبدیل شده است.

منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی رفسنجان

منطقه ویژه‌ی اقتصادی رفسنجان در آبان‌ماه سال ۱۳۸۹، پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان و ابلاغیه‌ی رسمی رییس‌جمهور، فعالیت خود را با مسئولیت گروه صنعتی زربینه‌ی مس کرمان آغاز کرد. پس از اخذ مجوزهای لازم طراحی یک سایت صنعتی مدرن و با جدیدترین متد



بنابراین لازم است از این مناطق به عنوان پتانسیل‌های منطقه‌ای استفاده شود و آن هم منوط به انجام امور زیر خواهد بود:

۱. مشارکت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای این مناطق
۲. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این مناطق
۳. تسهیل شرایط و قوانین سرمایه‌گذاری در این مناطق
۴. همراهی دولت و ایجاد هماهنگی‌های لازم بین دستگاه‌های حاکمیتی برای تقویت این مناطق
۵. حمایت ویژه از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی در این مناطق
۶. تدوین یک نقشه‌ی راه برای پیشبرد اهداف این مناطق
۷. تعیین ضوابط و مقررات مناسب و متناسب با شرایط جهانی
۸. حمایت هدف‌دار و زمان‌دار از فعالان و صادرکنندگان

منابع

- ماهنامه‌ی اقتصادی با رویکرد مناطق ویژه‌ی اقتصادی و آزاد، شماره‌ی ۸۰، مهر ۱۳۹۱.
- ماهنامه‌ی اقتصادی با رویکرد مناطق ویژه‌ی اقتصادی و آزاد، شماره‌ی ۷۸، خرداد و تیر ۱۳۹۱.
- سایت ویکی‌پدیا (www.wikipedia.org)
- وبسایت منطقه‌ی ویژه (ir.rsez.www)
- وبسایت منطقه‌ی ویژه‌ی سیرجان (ir.ssez.www)
- وبسایت منطقه‌ی ویژه‌ی ارگ جدید بم (www.argjadid.com)

مشکلات و کمبودها

به علت عدم توانایی شرکت سرمایه‌گذاری سهام عدالت و عدم مهیا شدن زیرساخت‌های لازم، عملاً زمینه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم نشده است و کماکان این طرح مطالعه‌شده‌ی عظیم که می‌تواند در توسعه‌ی پایدار منطقه، ایجاد اشتغال و فرآوری محصولات صادرات‌محور موثر باشد، بلا تکلیف باقی مانده است.

جمع‌بندی

در این پژوهش که از دو بخش کلی تشکیل می‌شود، به تشریح مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی و وجه افتراق و اشتراک آن‌ها پرداخته شد. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین اهداف ایجاد مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که به تبع آن اهدافی مانند رشد و توسعه‌ی اقتصادی، ایجاد اشتغال، اخذ و توسعه‌ی فناوری و مهارت‌های مدیریتی و ارتقای کیفیت تولیدات و افزایش توان صادراتی دنبال می‌شود. مناطق آزاد تجاری به شکل فرامرزی عمل کرده و کل کشور را پوشش می‌دهند، اما مناطق ویژه‌ی اقتصادی مربوط به همان منطقه‌ی مورد نظر می‌باشد که در واقع هر دو تقریباً یک هدف مشترک را در دو دامنه‌ی مختلف دنبال می‌کنند. همان‌طور که بیان گردید، در کل کشور شش منطقه‌ی آزاد تجاری وجود دارد که به طور خلاصه مشکلات آن‌ها ارائه گردید. علی‌رغم پتانسیل‌های بالایی که در این مناطق و در کل کشور وجود دارد مشخص می‌شود که به دلیل نبود ابزارهای کنترلی، مناطق آزاد مورد سوءاستفاده قاچاقچیان کالا قرار گرفته‌اند و عملاً به جای این‌که به پایگاه صادراتی کشور تبدیل شوند، به بازار واردات کالاهای خارجی مبدل شده‌اند. دلیل این اتفاق را می‌توان در عدم سیاست‌گذاری مناسب و مدیریت ناکارآمد جست‌وجو نمود. علاوه بر این، قوانین مترتب بر این مناطق با شرایط حاکم بر بازارهای جهانی هم‌خوانی چندانی ندارد و همین شکاف به‌وجودآمده باعث منفعل شدن آن‌ها گشته است. متأسفانه شرایط مذکور تا حدی در مناطق ویژه‌ی اقتصادی کشور مصداق دارد. اما به دلیل ازدیاد این مناطق و بومی کردن پژوهش فوق، تنها به بررسی وضعی مناطق ویژه‌ی اقتصادی استان کرمان پرداخته شده است. همان‌طور که بیان گردید، در استان کرمان چهار منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی وجود دارد که تنها نیمی از آن‌ها تقریباً فعالیت قابل قبولی از خود ارائه داده‌اند. لازم به ذکر است که مشکلاتی مترتب بر این مناطق است و رقم مناطق ویژه را از آن‌ها گرفته است. برخی از این مشکلات عبارتند از: عدم تأمین منابع مالی برای فعالان اقتصادی، عدم تخصیص مناسب ارز برای واردات، عدم پرداخت سهم ۳۰ درصدی فعالان اقتصادی از طرح هدفمندی یارانه‌ها، ورود کاهای نامرغوب خارجی به این مناطق، عدم مشارکت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای این مناطق و همچنین کمبود شدید آب.





استفاده از کودهای بیولوژیک برای رسیدن به اهداف کشاورزی پایدار (مطالعه‌ی موردی: زیره‌ی سبز)

چکیده

به منظور بررسی اثر باکتری‌های تثبیت‌کننده‌ی نیتروژن در شرایط آبیاری نرمال و قطع آبیاری در زمان گل‌دهی بر خصوصیات رشدی و شاخص برداشت در دو اکوتیپ زیره‌ی سبز آزمایشی، به صورت طرح کرت‌های دوبار خردشده در قالب طرح پایه‌بلوک کامل تصادفی در سه تکرار انجام گرفت. تیمارهای آزمایش شامل دو سطح آبیاری (اعمال آبیاری نرمال و قطع آبیاری در زمان گل‌دهی) در کرت‌های اصلی و چهار سطح کود (شاهد، آزوسپریلیوم، ازتوباکتر و مخلوط آزوسپریلیوم و ازتوباکتر) به‌عنوان تیمار فرعی و دو اکوتیپ دیگر در مناطق راور و بردسیر به‌عنوان تیمار فرعی، به صورت تصادفی در کرت‌ها قرار گرفتند. نتایج این بررسی نشان داد که ارتفاع گیاه و تعداد ساقه‌ی جانبی تحت تاثیر قطع آبیاری در زمان گل‌دهی قرار گرفتند، به‌طوری‌که ارتفاع گیاه و تعداد ساقه‌ی جانبی در شرایط قطع آبیاری در زمان گل‌دهی نسبت به شرایط نرمال به ترتیب ۲۵/۶ و ۱۵ درصد کاهش یافته است. اما کاربرد کودهای بیولوژیک در شرایط قطع آبیاری در زمان گل‌دهی تاثیری بر خصوصیات رشدی زیره‌ی سبز نداشت.

واژگان کلیدی: آبیاری، آزوسپریلیوم، ازتوباکتر، زیره‌ی سبز، عملکرد



مقدمه

در حال حاضر کشاورزی تکیه‌گاه مهم امنیت غذایی و حیات اقتصادی کشور می‌باشد. خشکی از عوامل کاهش محصولات زراعی در سراسر جهان به حساب می‌آید. با توجه به وسعت نگران‌کننده مناطق خشک و نیمه‌خشک در ایران (۹۰ درصد کل مساحت کشور) و همچنین کاهش دسترسی به منابع آب، بایستی تمهیدات مناسبی برای استفاده بهینه از آب در بخش کشاورزی اندیشیده شود. تغییر الگوی کاشت و استفاده از گونه‌های جایگزین، از جمله گیاهان دارویی متحمل به تنش خشکی می‌تواند امکان استفاده بهینه از منابع محدود آبی را فراهم سازد. از طرف دیگر، آب به‌عنوان مهم‌ترین و محدودترین عامل رشد و نمو و تولید در این بخش بسیار مورد توجه بوده است. بررسی‌های انجام‌شده در زمینه مقاومت به تنش‌ها غیرزنده به‌ویژه تنش خشکی در ایران بیش‌تر روی گیاهان زراعی صورت گرفته و در رابطه با گیاهان دارویی کم‌تر بوده است. از آن‌جا که آب یکی از عوامل محیطی است که تأثیر عمده‌ای در رشد نمو و میزان مواد مؤثر گیاهان دارویی دارد، لازم است در این زمینه تحقیقات وسیع و دامنه‌داری صورت گیرد. اگر در مرحله‌ای از رشد گیاه یا تمام دوره‌ی رشد آن، آب مورد نیاز گیاه به‌طور کامل فراهم نشود، گیاه تحت تنش رطوبتی قرار گرفته و بخشی از فعالیت فیزیولوژیک آن مختل می‌شود. در این شرایط میزان آب درون بافت‌ها و سلول‌های گیاهی به اندازه‌ای کاهش می‌یابد که روند رشد گیاه دچار اختلال می‌شود. گیاهان در برابر خشکی مکانیسم‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. افزایش جمعیت و نیاز مبرم صنایع داروسازی به گیاهان دارویی به‌عنوان مواد اولیه‌ی تولید دارو، ناتوانی در تولید مصنوعی پاره‌ای از داروهای حیاتی توسط صنایع داروسازی و همچنین اهمیت مواد مؤثره‌ی گیاهان دارویی در صنایع پزشکی، غذایی، آرایشی و بهداشتی، باعث شده که توجه و تحقیق پیرامون این‌دسته گیاهان از نقطه‌نظر کشت، تولید و مصرف از اهمیت خاصی برخوردار باشد.

زیره‌ی سبز ویژه^۱ به‌عنوان طعم‌دهنده در غذا بوده و از مهم‌ترین گیاهان دارویی کشور از لحاظ سطح زیرکشت می‌باشد. زیره‌ی سبز علی‌رغم عملکرد نسبتاً کم، دارای ارزش اقتصادی بالایی می‌باشد. سطح زیرکشت این محصول از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است. زیره‌ی سبز به‌دلیل اشتغال‌زایی قابل توجه، صادراتی بودن و همچنین دارای ویژگی‌هایی از قبیل فصل رشد کوتاه، نیاز آبی کم، عدم تداخل فصل رشد آن با سایر محصولات کشاورزی و توجیه اقتصادی بالا نسبت به سایر محصولات زراعی می‌باشد که جایگاه آن را در الگوی کشت مناطق خشک و نیمه‌خشک تثبیت کرده است. در مناطق خشک و نیمه‌خشک، از جمله استان کرمان، همواره با کمبود منابع آبی مواجه می‌باشیم که باعث کاهش رشد و تولید گیاهان زراعی می‌شود. تنش خشکی علاوه بر کاهش عملکرد گیاه، جذب و تجمع عناصر غذایی به‌ویژه نیتروژن را در

گیاهان زراعی کاهش می‌دهد. اما جهت کاهش اثرات سوء تنش خشکی و همچنین کاهش مصرف کودهای شیمیایی از کودهای بیولوژیک جهت رسیدن به اهداف کشاورزی پایدار استفاده می‌شود. از جمله‌ی مهم‌ترین کودهای بیولوژیک که امروزه در کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است می‌توان به باکتری‌های جنس ازتوباکتر و آزوسپریلیوم که تثبیت‌کننده‌ی نیتروژن بوده اشاره کرد. از مهم‌ترین مزایای باکتری‌های محرک رشد گیاه می‌توان به تولید هورمون‌های تنظیم‌کننده و محرک رشد گیاه، توسعه سیستم ریشه‌ای و بهبود جذب آب و عناصر غذایی، بهبود جوانه‌زنی و ظهور گیاهچه، تأثیر هم‌افزایی با ریزوبیوم‌ها، بهبود دسترسی گیاه به فسفر، تثبیت بیولوژیکی نیتروژن اشاره کرد. اکثر مطالعات مربوط به همیاری باکتری‌ها و اثرات آن‌ها در گیاهان تحت تنش خشکی عمدتاً در رابطه با غلات و گیاهان علفی بوده و تنها تعداد اندکی از مطالعات مربوط به گیاهان دارویی می‌باشد. در مطالعه‌ای که به منظور بررسی اثر تلقیح گیاهچه پروانش^۲ با باکتری سودوموناس^۳ انجام شد تلقیح باعث افزایش عملکرد و میزان بیوماس تولیدی گیاه در شرایط تنش آبی گردید^۴. استفاده از کودهای بیولوژیک حاوی باکتری‌های ازتوباکتر و آزوسپریلیوم در گیاه دارویی مریم‌گلی^۵ باعث افزایش ارتفاع بوته و وزن تر و خشک اندام‌های هوایی گیاه شد. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که در لوبیای تلقیح‌شده با باکتری^۶ طول ریشه‌ها در شرایط تنش خشکی افزایش می‌یابد که در جذب آب از اعماق خاک و افزایش عملکرد گیاه نقش مهمی را ایفا می‌کند^۷. با توجه به لزوم انجام تحقیقات در زمینه‌ی استفاده از روش‌های جایگزین مصرف کودهای شیمیایی و از آن‌جا که تحقیقات در زمینه‌ی اثر کاربرد کودهای بیولوژیک تحت تنش خشکی بر عملکرد گیاهان دارویی در ایران بسیار محدود بوده است و نیز با توجه به جایگاه و اهمیت زیره‌ی سبز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گیاهان دارویی کشور از نظر اقتصادی، دارویی و صادراتی این تحقیق با هدف بررسی اثر کودهای بیولوژیک مختلف بر خصوصیات رشدی دو اکوتیپ زیره‌ی سبز تحت آبیاری‌های مختلف انجام گرفت.

تاریخچه‌ی گیاهان دارویی

گیاهان دارویی از مدت‌ها قبل از میلاد، در طب سنتی به عنوان ضد میکروب مورد استفاده بوده‌اند و استفاده از آن‌ها به منظور درمان بیماری‌ها با تاریخ زندگی بشر هم‌زمان بوده است. پاپیروس‌های ۱۵۰۰ سال قبل حاوی اطلاعاتی در مورد این گیاهان هستند. در اروپا، یونانی‌ها و رومی‌ها مطالعات علمی روی اثرات دارویی این گیاهان را آغاز کردند، که نمونه‌ی آن‌ها مدرسه‌ی هیپوکرات در ۴۰۰ سال قبل از میلاد می‌باشد. حدود ۳۰۰۰ گونه‌ی تولیدکننده‌ی روغن‌های فزّار شناخته شده است که از بین آن‌ها ۳۰۰ گونه به صورت تجاری و عمدتاً برای تأمین نیاز بازار عطر و ادویه مورد استفاده واقع می‌شوند. برخی از این گونه‌ها دارای ارزش دارویی هستند و اخیراً توجه به آن‌ها



افزایش یافته است.

است در جنوب آسیا بیش از ۱۲۰۰ گیاه دارویی در کارخانه‌ها و بخش‌های فرآوری استفاده شده و ۱۶۲ گیاه به‌طور گسترده تجارت می‌شوند. سالانه، تجارت این گیاهان ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و گیاهان دارویی این منطقه در تأمین معاش بسیاری از خانواده‌ها نقش دارند که البته برداشت بیش از حد این گیاهان آن‌ها را در معرض انقراض قرار داده است.^۱

جایگاه فعلی گیاهان دارویی

دخلت انسان در طبیعت از عواملی است که رشد گیاهان را محدود می‌کند و حتی باعث از بین رفتن این گیاهان در موطن خود می‌شود. برداشت گیاهان دارویی از طبیعت نیازمند داشتن اطلاعات کافی است، علاوه بر این، بهره‌برداری سنتی از گیاهان دارویی نمی‌تواند با فعالیت‌های اقتصادی دنیای امروز متناسب باشد، بنابراین لازم است تا با مطالعه‌ی نیازها و ویژگی‌های این گیاهان، زمینه‌ی رشد آن‌ها در شرایط زراعی را با افق‌های اقتصادی دنیا متناسب نمود و از آن‌جا که بسیاری از این گیاهان عملکرد مناسبی در مناطق خشک دارند، می‌توانند جایگاه مناسبی را در کشاورزی ایران دارا باشند. در حال حاضر سطح زیرکشت گیاهان دارویی در کشور ایران معادل ۴۶ هزار و ۱۶۴ هکتار با تولید سالانه در حدود ۶۰ هزار تن است که در نظر است با اجرای طرح جامع گیاهان دارویی، میزان تولیدات، به بیش از ۱۰۰ هزار تن افزایش یابد. همچنین میزان صادرات گیاهان دارویی سالانه رقمی بالغ بر ۱۱ هزار و ۹۰۳ تن می‌باشد. تنوع شگفت‌انگیز گونه‌های گیاهی ایران که حدود دوبرابر گیاهان قاره‌ی اروپاست، سبب شده تا برخی صاحب‌نظران جهان، ایران را به‌عنوان مخزنی از گیاهان دارویی و معطر بدانند. البته این سخن هرگز به معنای استفاده‌ی مستقیم از گیاهان طبیعت نیست، چراکه امروزه همگان دلایل نامناسب بودن این اقدام سوء را می‌دانند. استفاده‌ی مستقیم از گیاهان طبیعت نه تنها به نابودی ذخایر طبیعی مواد موثره‌ی نهفته در گیاهان دارویی شتاب می‌بخشد، بلکه باعث نوسانات شدید در کمیت و کیفیت مواد یادشده می‌شود. از این رو در حال حاضر، کشت گیاهان دارویی مورد نیاز صنایع دارویی براساس اصول آمایش سرزمین، امری بسیار حساس و ضروری می‌نماید. هم‌اکنون تمایل جهانی برای تولید گیاهان دارویی روی تولید داروهای مؤثر در یک روش پایدار متمرکز شده‌اند و استفاده از گیاهان دارویی در بین جوامع غربی رو به گسترش می‌باشد. در حال حاضر تقاضا برای گیاهان دارویی در صنایع دارویی و آرایشی در حال افزایش است و گرایش جهانی روی تولید پایدار داروهای گیاهی باکیفیت متمرکز شده است. شواهد موجود در ۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد که بهره‌برداری از گیاهان اسانس‌دار سیر صعودی گرفته و این تحول در تولید به علت مصارف وسیع این ترکیبات است. به‌طور مثال در کشور چین بازار سالانه‌ی گیاهان دارویی از ۸/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به حدود ۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ رسید که به‌تنهایی دوبرابر کل صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. محققان و تولیدکنندگان در مزارع و نیز در محیط‌های کنترل‌شده مانند کشت هیدروپونیک و ابروپونیک در حال گسترش تولید مواد زیستی هستند و مؤسسات غیردولتی قوانینی را برای تولید پایدار و عادلانه محصولات با در نظر گرفتن تقاضای مصرف‌کنندگان وضع کرده‌اند. شایان ذکر

اهمیت گیاهان دارویی و ضرورت توجه به آن‌ها در

ایران

گیاهان دارویی از ارزش و اهمیت خاصی در تأمین بهداشت و سلامتی جوامع، هم به لحاظ درمان و هم پیشگیری از بیماری‌ها برخوردار بوده و یکی از مهم‌ترین منابع تأمین غذایی و دارویی بشر در طول نسل‌ها بوده‌اند. از نقطه‌نظر تاریخی، گیاهان دارویی اهمیت فراوانی در توسعه‌ی جوامع داشته‌اند و تحقیقات وسیعی برای یافتن فرآورده‌ها و مواد طبیعی دارویی در طول تاریخ انجام شده، اما نکته‌ی حائز اهمیت این‌جاست که تنها کم‌تر از ۱۰ درصد از مجموع ۲۵۰۰۰۰ گونه‌ی گیاهی جهان، شناسایی و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، تنها بین ۳۵ تا ۷۰ هزار گونه گیاه دارویی در طول زمان برای حداقل یک یا چندبار مورد مصرف قرار گرفته است. در حال حاضر، ۲۵ درصد از داروهای موجود، منشاء گیاهی دارند و پتانسیل تولید داروهای گیاهی در طبیعت بسیار بالاست. برای نمونه، گفته می‌شود ۱۲۵۰۰۰ گونه گیاه دارویی در جنگل‌های استوایی جهان یافت می‌شود.

با ظهور داروهای شیمیایی، نقش و اهمیت گیاهان دارویی در تأمین سلامت بشر، در معرض فراموشی قرار گرفت، اما با گذشت زمان، استقبال از گیاهان دارویی با رشد قابل توجهی روبه‌رو شده است، به‌طوری‌که گرایش عمومی جامعه به استفاده از داروها و درمان‌های گیاهی و به‌طور کلی فرآورده‌های طبیعی، به‌ویژه طی سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و مهم‌ترین علل آن، اثبات اثرات مخرب و جانبی داروهای شیمیایی و ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی است که کره زمین را تهدید می‌کند. ضمن این‌که طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، بالغ بر ۸۰ درصد مردم جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و نواحی فقیر و دورافتاده، عمده‌ترین نیازهای درمانی خود را از گیاهان دارویی تأمین می‌کنند. از سوی دیگر، گیاهان دارویی جزو ذخایر و منابع طبیعی هستند و بسیاری از کشورها از یک‌چنین منبعی برخوردارند که نوع، تعداد و تنوع گونه‌های گیاهی براساس شرایط و موقعیت جغرافیایی هر منطقه متفاوت است. گیاهان دارویی به دلیل ماهیت و وجود ترکیبات دارویی با بدن سازگاری بهتری دارند و معمولاً فاقد ناخواسته هستند.

تنوع شگفت‌انگیز گونه‌های گیاهی در پهنه‌ی دشت‌ها و کوهساران ایران سبب شده تا برخی صاحب‌نظران جهان، ایران را به‌عنوان مخزنی از گیاهان دارویی و معطر بدانند. با ایجاد صنایع تبدیلی کوچک در مورد گیاهان دارویی نه‌تنها می‌توان

اختیار دارد. کشت این گیاه در استان های خراسان، سمنان، یزد، آذربایجان شرقی، اصفهان، سیستان و بلوچستان، کرمان، مرکزی و گلستان صورت می گیرد که سطح زیر کشتی بالغ بر ۵۰ هزار هکتار را شامل می شود. محصول زیره ی سبز دارای ارزش اقتصادی بالایی بوده و صادرات آن می تواند ارزآوری مناسبی را در پی داشته و در عین حال، اشتغال قابل توجهی را در داخل تولید نماید. گیاه زیره ی سبز دارای فصل رشد نسبتاً کوتاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ روزه می باشد که طول دوره ی رشد آن در مناطق کشت شده با فصل رشد دیگر محصولات زراعی تداخل ندارد. به دلیل صادراتی بودن محصول زیره ی سبز، قیمت آن کم تر تحت تأثیر میزان تولید سالانه ی آن قرار می گیرد، همچنین زیره ی سبز برخلاف عملکرد نسبتاً کم، دارای ارزش اقتصادی بالایی می باشد. به دلیل فصل رشد نسبتاً کوتاه، نیاز آبی کم و عدم تداخل فصل زراعتی زیره ی سبز با سایر محصولات کشاورزی، درآمدزایی نسبتاً مناسب آن برای کشاورزان، افزایش کشت آن طی چهارده سال گذشته را منطقی می نماید، ولی در یک بررسی میدانی و گفت و گوی چهره به چهره، روستاییان یکی از دلایل کاهش کشت آن به خصوص در سال های اخیر را کاهش بارندگی دانسته اند.

عناصر اصلی مورد نیاز زیره ی سبز

کشت این گیاه در خاک های غنی از مواد و عناصر غذایی، نه تنها سبب افزایش عملکرد می شود، بلکه مقاومت گیاهان را به بیماری های قارچی افزایش می دهد. مجموع ماده ی خشک برداشت شده از خاک توسط زیره ی سبز نسبت به بسیاری از گیاهان زراعی دیگر بسیار اندک است، به طوری که حداکثر ماده ی خشک برداشت شده از خاک در یک مزرعه با عملکرد یک تن در هکتار از دو تن تجاوز نمی کند، لذا نیازهای کودی این گیاه نیز نسبت به سایر گیاهان زراعی کم تر می باشد که در صورت نیاز باید از طریق منابع تهیه و در اختیار گیاه قرار گیرد. از این رو، افزودن ۲۰ تا ۳۰ کیلوگرم در هکتار نیتروژن، ۴۰ تا ۵۰ روز پس از کشت به همراه آبیاری سبب افزایش عملکرد می شود. در زراعت زیره ی سبز می توان از کود حیوانی به میزان ۱۵-۲۰ تن در هکتار و کود فسفاته به هنگام بذرپاشی و همچنین کود نیتروژنه ۴۰-۵۰ روز پس از کاشت به میزان ۲۵-۳۰ کیلوگرم در هکتار استفاده کرد. در نهایت این که نیاز کودی زیره ی سبز اندک بوده و میزان حاصل خیزی خاک تعیین کننده ی مقدار عنصر کودی مورد نیاز است.

کودهای زیستی یا بیولوژیک

در سال های اخیر به دلیل مشکلات آلودگی های محیط زیست و به خصوص آلودگی منابع خاک و آب که به منابع غذایی انسان ها راه یافته و سلامت جوامع انسانی را مورد تهدید قرار داده اند، تلاش های فراوانی به منظور یافتن راهکارهای مناسب برای بهبود کیفیت خاک، محصولات کشاورزی و حذف

اقدام به تولید مواد اولیه و حتی فرآورده های نهایی نمود، بلکه با درآمد حاصل از آن می توان در رابطه با اشتغالزایی در این مناطق گام برداشت. اهمیت گیاهان دارویی به علت وجود ماده ی مؤثره در آن هاست که تحت تأثیر عوامل محیطی و حاصل خیزی خاک می باشد. بنابر گزارش سازمان بهداشت جهانی، امروزه حدود ۸۰ درصد مردم جهان برای درمان های ابتدایی خود وابسته به طب سنتی هستند. منافع زیادی در گسترش گیاهان دارویی بومی و استفاده از آن ها در درمان بیماری ها وجود دارد. به علت نبود ابزارهای ارتباطی کافی و نیز فقر و عدم دسترسی به ابزارهای مدرن پزشکی، بسیاری از مردم به خصوص در نواحی روستایی مجبور به استفاده از طب سنتی برای درمان بیماری های خود هستند. در کشورهای توسعه یافته ۲۵ درصد داروها دارای منشاء گیاهی می باشند. دانش طب سنتی براساس استفاده از گیاهان دارویی نه تنها از نظر حفظ سنت های کشت و تنوع زیستی، بلکه از جهت سلامت جامعه و بهبود کیفیت داروها در زمان حال و آینده سودمند است. از علل دیگر اهمیت توجه به گیاهان دارویی، می توان به عدم امکان تهیه ی بسیاری از مواد مؤثره ی گیاهی از طریق مصنوعی و نیز نبود تأثیرات جانبی منفی در داروهای گیاهی اشاره نمود.

فلات ایران دارای اقلیم ها و محیط های گوناگونی است و به این دلیل، تنوع گونه های گیاهی ایران به بیش از ۷۵۰۰ گونه ی گیاهی می رسد که بسیاری از آن ها دارای ذخایر متابولیکی باارزشی هستند که باید در جهت کشت زراعی آن ها اقدام نمود تا با ایجاد منابع تولید جدید، از اتکای ایران به درآمدهای نفتی کاسته شود.

اهمیت گیاه دارویی زیره ی سبز

زیره ی سبز از جمله گیاهان دارویی-صنعتی ارزشمند ایران به شمار می آید که افزون بر آن، به لحاظ تجاری و هم با توجه به حجم کم و ارزش بالا، صادرات آن به اقصی نقاط جهان از اهمیت ویژه ای برخوردار و مقرون به صرفه است، به گونه ای که تا چندسال قبل، رتبه ی اول صادرات زیره ی سبز در جهان متعلق به کشور ما بود که متأسفانه در حال حاضر تا رتبه ی ششم تنزل یافته است.

زیره ی سبز یکی از گیاهان مستعد برای مناطق خشک و نیمه خشک ایران است. زیره ی سبز احتمالاً بومی فلات ایران است و نام خود را از منطقه ی اولیه تولیدش در شهرک باستانی کومین واقع در حاشیه ی رود رودان در جنوب غربی کرمان گرفته است. زیره ی سبز به عنوان مهم ترین گیاه دارویی اهلی شناخته شده و از جنبه های اقتصادی و اشتغالزایی نیز گیاهی قابل توجه است و با توجه به کوتاه بودن دوره ی رشد و نیاز آبی کم این گیاه به عنوان یک محصول استراتژیک در مناطق خشک مورد توجه بوده و در بسیاری از مناطق به صورت دیم کشت می گردد. ایران یکی از مهم ترین تولیدکنندگان زیره ی سبز در دنیاست که سهم زیادی از تولید جهانی این محصول را در



و چندین ریزجان دار در جنس باسیلوس. یکی از نیازهای مهم در برنامه ریزی زراعی به منظور حصول عملکرد بالا و باکیفیت مطلوب مخصوصاً در مورد گیاهان دارویی، ارزیابی سیستم‌های مختلف تغذیه گیاه است. با روش صحیح حاصل خیزی و تغذیه گیاه می‌توان ضمن حفظ محیط زیست، افزایش کیفیت آب، کاهش فرسایش و حفظ تنوع زیستی، کارایی نهاده‌ها را افزایش داد. در بین فاکتورهای مربوط به خاک نقش عناصر غذایی اهمیت زیادی دارند، زیرا این عوامل به راحتی قابل تغییر بوده و می‌توان با تغییر آن‌ها، تغییرات قابل توجهی در کمیت و

آلاینده‌ها آغاز شده است.

قاره‌ی آسیا بزرگ‌ترین مصرف کننده‌ی کودهای شیمیایی در جهان می‌باشد و در حدود ۴۳ درصد کودهای شیمیایی در این قاره مصرف می‌شود، ولی در کشورهایی مانند استرالیا (به علت مصرف کودهای بیولوژیک) تنها یک درصد از نیتروژن مورد نیاز محصولات زراعی از طریق کودهای شیمیایی تأمین می‌شود. یکی از بهترین روش‌ها برای کاهش مصرف کودهای شیمیایی استفاده از کودهای بیولوژیک می‌باشد که نقش بسزایی در تأمین نیاز غذایی گیاهان و همچنین محافظت آن‌ها برعهده دارند.

در سال ۱۸۸۶ گره‌های موجود در روی ریشه‌ی گیاهان توسط «لریاجل» آلمانی و در سال ۱۸۸۸ باکتری‌های عامل تثبیت بیولوژیک نیتروژن توسط «بیجرنیک» شناسایی شد. تولید اولین ماهی تلقیح کود بیولوژیک باکتری ریزوبیوم با نام نیتراژین در سال ۱۸۹۵ توسط هیلتنز و ناب صورت گرفت. در اوایل قرن بیستم، باکتری‌های غیرهم‌زیست تثبیت کننده‌ی نیتروژن از جنس ازتوباکتر در هلند و شوروی سابق مورد توجه قرار گرفت و محصولی به نام ازتوباکترین تولید گردید. تا این که با تثبیت شیمیایی نیتروژن توسط «هابر» و «بوش» در اوایل جنگ جهانی اول اهمیت این ریزجان داران کم‌تر مورد توجه قرار گرفت. در اواسط قرن بیستم بیان شد برخی میکروارگانیسم‌ها قادرند فسفر را به شکل محلول که به راحتی برای گیاه قابل جذب باشد، تبدیل کنند. تولید صنعتی این کودها در کانادا در سال ۱۹۰۵، در استرالیا و سوئد از سال ۱۹۱۴ و در چین در ۱۹۷۹ آغاز شد و سابقه‌ی تولید این کودها در ایران به ۱۳۷۴ برمی‌گردد. افزایش روزافزون جمعیت بشری و نیاز مبرم به مواد غذایی، بشر را قادر به تولید بیش‌تر محصولات کشاورزی نموده است که این امر، باعث مصرف بیش‌تر نهاده‌های خارجی از جمله کود و سم گردیده است، ولی در سال‌های اخیر توجه به سلامت محصولات و مواد غذایی افزایش یافته است. به همین منظور در بیانیه‌ی جهانی غذا به حاصل خیزی خاک به عنوان کلید تحقق امنیت جهانی غذا اشاره شده است. کودهای بیولوژیک در مقایسه با مواد شیمیایی مزیت‌هایی از جمله این که در چرخه‌ی مواد غذایی تولید مواد سمی نمی‌کنند، قابلیت تکثیر خودبه‌خودی دارند و باعث اصلاح خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک می‌شوند.

کود زیستی از یک یا چند نوع میکروارگانیسم مفید به همراه مواد نگه‌دارنده و یا فرآورده‌های متابولیک آن‌ها ساخته شده است که با هدف تأمین عناصر غذایی گیاهان استفاده می‌شود. میکروارگانیسم‌های زیادی در محیط رشد ریشه (ریزوسفر) وجود دارند که ریشه‌ی گیاهان با این میکروارگانیسم‌ها کنش متقابل دارند. در بین این ریزجان داران، برخی اثرات مفیدی بر بهبود رشد گیاه دارند و به عنوان ریزوباکترهای محرک رشد گیاه (PGPR) شناخته می‌شوند. برخی از این موجودات مفید عبارتند از: آزوسپریلیوم، ازتوباکتر، سودوموناس

جهت کاهش اثرات سوء تنش خشکی و همچنین کاهش مصرف کودهای شیمیایی از کودهای بیولوژیک جهت رسیدن به اهداف کشاورزی پایدار استفاده می‌شود.

لازم است تا با مطالعه‌ی نیازها و ویژگی‌های این گیاهان، زمینه‌ی رشد آن‌ها در شرایط زراعی را با آف‌های اقتصادی دنیا متناسب نمود و از آنجا که بسیاری از این گیاهان عملکرد مناسبی در مناطق خشک دارند، می‌توانند جایگاه مناسبی را در کشاورزی ایران دارا باشند.

کیفیت گیاهان دارویی ایجاد نمود. کاربرد صحیح عناصر و مواد غذایی در طول مراحل کاشت و داشت گیاهان دارویی، نه تنها نقش اساسی در افزایش عملکرد دارد، بلکه در کمیت و کیفیت مواد مؤثره‌ی آن نیز مؤثر می‌باشد.

با توجه به گسترش فرهنگ استفاده از گیاهان دارویی در سطح جهان و با در نظر گرفتن مسائل زیست‌محیطی و نیز افزایش قیمت نهاده‌های شیمیایی ضرورت دارد تا در مورد

اثرات انواع کودهای بیولوژیک در گیاهان دارویی تحقیقات جامعی در کشور صورت گیرد. گرچه استفاده از کودهای بیولوژیک در کشاورزی قدمت زیادی دارد، ولی بهره‌برداری علمی از این گونه منابع سابقه چندانی ندارد. هرچند کاربرد این کودها در چند دهه‌ی اخیر کاهش یافته، ولی امروزه با توجه به مشکلاتی که مصرف بی‌رویه‌ی کودهای شیمیایی به وجود آورده است، استفاده از آن‌ها در کشاورزی مجدداً مطرح شده است و سعی بر آن است تا از پتانسیل ارگانیک‌های خاک و مواد آلی به منظور حداکثر تولید، ضمن توجه به کیفیت خاک و رعایت بهداشت و ایمنی محیط‌زیست استفاده شود. امروزه کودهای بیولوژیک به‌عنوان جایگزینی برای کودهای شیمیایی با هدف افزایش باروری خاک و تولید محصولات در کشاورزی پایدار محسوب می‌شوند. کودهای زیستی نقش مهمی در تولید و بهبود عملکرد محصول در سیستم کشاورزی پایدار دارند. به عقیده‌ی گائور کودهای بیولوژیک توانایی قابل توجهی را در جبران کمبود نیتروژن و فسفر خاک دارند. کودهای بیولوژیک در مقایسه با مواد شیمیایی مزیت‌های قابل توجهی دارند، از آن جمله این‌که در چرخه‌ی غذایی تولید مواد سمی و میکروبی نمی‌نمایند، قابلیت تکثیر خودبه‌خودی دارند، باعث اصلاح خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک می‌شوند و از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه و از دیدگاه زیست‌محیطی قابل پذیرش هستند.

کاربرد کودهای بیولوژیک به علل مختلفی در طی چند دهه‌ی گذشته کاهش یافته است، ولی امروزه با توجه به مشکلاتی که به دلیل مصرف بی‌رویه‌ی کودهای شیمیایی ایجاد شده است، استفاده از آن‌ها در کشاورزی مجدداً مطرح شده است. در سیستم‌های کشاورزی پایدار استفاده از منابع تجدیدپذیری که حداکثر محاسن اکولوژیکی و حداقل مضرات زیست‌محیطی را دارا باشند، امری ضروری است. همچنین در مدیریت آگرواکولوژیکی لازم است تا تلفات نیتروژن از طریق آب‌شویی، تبخیر، فرسایش و برداشت همراه محصول به حداقل برسد. کودهای بیولوژیک حاوی انواع میکروارگانیسم‌ها هستند که قادرند عناصر غذایی مانند نیتروژن و فسفر را از طریق فرآیندهای زیستی مانند تثبیت نیتروژن و محلول کردن سنگ‌های فسفاتی از شکل غیر قابل دسترس به فرم قابل استفاده درآورند. باکتری‌های زیادی مانند بجرینیکا، ازتوباکتر و آزوسپریلیوم توانایی تثبیت نیتروژن را دارا می‌باشند که اخیراً مورد توجه محققان زیادی قرار گرفته‌اند.

گیاهان در محیط طبیعی به‌وسیله میکروارگانیسم‌های بیرونی و درونی کلونیزه می‌شوند، برخی از این ریزجان‌داران به‌خصوص باکتری‌ها و قارچ‌های مفید می‌توانند کارآیی گیاه را در شرایط تنش‌های محیطی بهبود بخشند و بنابراین باعث افزایش عملکرد گیاه شوند. میکروارگانیسم‌های مورد استفاده برای تهیه‌ی کودهای بیولوژیک از خاک منشاء می‌گیرند و در اغلب خاک‌ها حضور فعال دارند با این حال در بسیاری از موارد کمیت



استفاده از کودهای بیولوژیک در رشد و عملکرد گیاهان در سال‌های اخیر دارای یک جهش قابل توجهی بوده، که علت آن هزینه‌های زیاد و نیز اثرات خطرناک کودهای شیمیایی بوده است. سیستم‌های فشرده‌ی کشت، همراه با گیاهان واکنش‌پذیر نسبت به کودها که نهاده‌های غیرارگانیک‌اند تمایل دارند و همین امر باعث ناپایداری تولید و تهدید سلامت خاک شده است. امروزه استفاده از نهاده‌های آلی همراه یا بدون استفاده از کودهای معدنی مورد توجه قرار گرفته است.

گیاهان دارویی گروه بزرگی از فلور جهانی را تشکیل می‌دهند و مواد خام برای استفاده‌های دارویی، آرایشی و بهداشتی و عطرسازی را فراهم می‌سازند. بنابراین افزایش تولید این گیاهان بدون اتکا بر نهاده‌های شیمیایی خطرناک، مهم می‌باشد. شواهد واضحی از بهبود کیفیت و کمیت این گیاهان با کاربرد کودهای بیولوژیک وجود دارد، دلیل این امر پیچیده است و می‌توان آن را به اثرات متقابل گیاه و ریزجان‌دار، انتقال سیگنال توسط ریزجان‌دار و پاسخ‌های دفاعی گیاه نسبت داد. ضمن آن که برخی از مسیرهای متابولیت‌های ثانویه به وسیله میکروارگانیسم‌ها تحریک می‌گردد. ریزجان‌داران دیازوتروف از عوامل بیولوژیکی مهم در تأمین نیازهای غذایی گیاهان دارویی به شمار می‌روند و مطالعه روی این موجودات در افزایش عملکرد این گیاهان بسیار مفید خواهد بود. دیازوتروف‌ها، تولید هورمون‌هایی مانند اکسین، جیبریلین و سیتوکینین را توسط گیاه تحریک می‌کنند.

محققان زیادی نشان داده‌اند که کودهای بیولوژیک بر شاخص‌های رویشی گیاهان دارویی مانند تشکیل جوانه و پارامترهای گل‌دهی و نیز بر شاخص‌های شیمیایی آن‌ها موثر هستند. کیفیت مواد دارویی گیاهی فقط به شرایط و پتانسیل فیزیولوژیکی آن گیاه بستگی ندارد، بلکه عوامل محیطی نیز بر کیفیت این مواد مؤثرند و در این مورد تغذیه‌ی گیاه نقش مهمی را دارا می‌باشد. سانچز‌گوین و همکاران در آزمایشی در کشور کوبا اثر کودهای بیولوژیک را بر روی دو گیاه دارویی بابونه و همیشه‌بهار مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها حاکی است که کاربرد این کودها در همیشه‌بهار باعث افزایش عملکرد و بهبود کیفیت دارویی شد در حالی که در بابونه باعث افزایش عملکرد شد، اما بر کیفیت اثری نداشت. تبریزی به نقل از کالرا گزارش کرد که در گیاه نعناع^۱ با کاربرد مخلوط ازتوباکتر و آزوسپریلیوم عملکرد اسانس حدود ۱۲۵ kg/ha، به دست آمد که معادل ۸۵ درصد عملکرد حاصل از کرت‌هایی بود که در آن‌ها از کود شیمیایی استفاده شده بود. در تحقیقی در کشور هند «ماهشواری» و همکاران نتیجه گرفتند که کود شیمیایی فسفر و کودهای بیولوژیک بر عملکرد و اجزای عملکرد در گیاه دارویی اسفرزه اثر معنی‌داری ندارد.

در آزمایشی در مرکز تایوان روی ۳۶ ایزوله از باکتری‌های حل‌کننده‌ی فسفات (PBS) وجود یک رابطه‌ی منفی بین PH و فسفر محلول گزارش شد. «فلاحی» به نقل از «قریب» و

محرك رشد تنها بر روی ریشه‌ی گیاهانی مانند سیب‌زمینی و چغندر قند انجام شده بود، اما بررسی‌های اخیر محدود‌دهی وسیعی از گیاهان میزبان شامل غلات، بقولات و حتی درختان را در بر می‌گیرد. طی انجام یک‌سری آزمایش‌های مزرعه‌ای روی گندم، ذرت و ارزن، افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی عملکرد این گیاهان گزارش شد. «عموآقایی» و همکاران (۱۳۸۲) نیز عنوان کردند که وزن هزاردانه و درصد پروتئین دانه‌ی گندم تحت تأثیر باکتری آزوسپریلیوم افزایش یافت. «فلاحی» به نقل از «ساریچ» و همکاران گزارش کرد که تلقیح با آزوسپریلیوم ۲۵ تا ۲۸ درصد محصول سورگوم را افزایش داد. یزدانی به نقل از کاپولینک و همکاران تأثیر مثبت تلقیح با باکتری آزوسپریلیوم در توسعه‌ی ریشه‌ی گندم را گزارش داد. «جهان» و همکاران گزارش کردند که تلقیح ذرت با چارچ مایکوری‌زا، باکتری‌های آزوسپریلیوم و ازتوباکتر در نظام‌های زراعی کم‌نهاده و اکولوژیک در مقایسه با نظام‌های متوسط و پرنهاده، سبب افزایش معنی‌دار عملکرد ماده‌ی خشک، عملکرد دانه و سرعت فتوسنتز برگ شد. «خرم‌دل» و همکاران گزارش نمودند که تلقیح سیاه‌دانه با کودهای بیولوژیک، ارتفاع بوته، تعداد کپسول در بوته، تعداد دانه در کپسول، وزن هزاردانه و عملکرد آن را به‌طور معنی‌داری تحت تأثیر قرار داد. ازتوباکتر و آزوسپریلیوم در محیط ریشه توانایی ساخت و ترشح مواد بیولوژیکی مانند جیبریلین‌ها، بیوتین و اکسین را دارند که در افزایش رشد ریشه نقش مفید و مؤثری دارند. از طرف دیگر ازتوباکتر قادر به تولید ترکیبات ضدقارچی علیه بیماری‌های گیاهی بوده و همچنین سبب تقویت جوانه‌زنی و بنیه‌ی گیاهچه شده که در نهایت بهبود رشد پایه‌ی گیاهی را به دنبال دارد. آزوسپریلیوم، علاوه بر تثبیت قابلیت نیتروژن، با تولید مواد محرک رشد، سبب بهبود رشد ریشه و متعاقب آن افزایش سرعت جذب آب و عناصر غذایی گردیده از این طریق در افزایش عملکرد تأثیرگذار می‌باشد.

اهمیت استفاده از کودهای بیولوژیک در تولیدات کشاورزی

استفاده از کودهای شیمیایی هزینه‌های تولید محصولات را افزایش می‌دهد. برای کاهش آلودگی‌ها، تخریب جنگل‌ها و باتلاق‌ها و جلوگیری از استفاده‌ی بیش از حد نهاده‌های تجدیدنپذیر مانند نفت که در تولید کودهای شیمیایی استفاده می‌شود، باید به دنبال جایگزین‌های مناسب بود، مانند استفاده از کودهای بیولوژیک سازگار با طبیعت که برای حفظ باروری و نیز بهبود وضعیت خاک مورد استفاده قرار می‌گیرند و از نظر اکولوژیکی نیز سازگار و مناسب هستند. حفظ محیط‌زیست و دستیابی به توسعه‌ی پایدار یکی از مباحث اصلی و اساسی است که با اجرای طرح‌های جامع اقتصادی، اجتماعی سرلوحه کشورهای مختلف جهان و از جمله کشور ما قرار گرفته است. یکی از راهکارها کاهش مصرف کودهای شیمیایی و سموم و افزایش کارایی، استفاده از مواد آلی است.

ارگانیک بابونه فراهم ساخت، به طوری که بدون مصرف نهادهای شیمیایی، میزان مطلوبی از کامازولن قابل استحصال باشد. در آزمایشی آسکوبین، نوویتین، سیتین و آنسیابین بر روی گیاه دارویی مرزنجوش بررسی شد، نتایج نشان داد که کاربرد این کودها باعث افزایش پارامترهای رشدی و روغن های فعال گیاه شد. به علاوه کاربرد آن ها باعث افزایش مقاومت به شوری و افزایش بقای گیاهچه ها گردید.

نتایج پژوهش «تبریزی» و همکاران حاکی از آن است در گیاه زوفا^۱ با کاربرد کودهای بیولوژیک مانند نیتروکسین، باسیلوس و سودوموناس مقدار عملکرد و نیز شاخص های رشدی گیاه در مقایسه با شاهد افزایش یافت. نتایج «داس» و همکاران در مورد کاربرد کودهای بیولوژیک در گیاه دارویی استویا نشان داد که بیشترین بیوماس تولیدی در تیماری که کودهای بیولوژیک باکتری های حل کننده ی فسفات، آزوسپریلیوم و میکوریزا استفاده شده بودند به دست آمد و عملکرد در این تیمار، در مقایسه با شاهد و همچنین تیمارهایی که هریک از این کودها جداگانه یا به صورت ترکیب دوتایی استفاده شده بودند و نیز در مقایسه با کودهای شیمیایی NPK^۲ بیش تر بود. نتایج «ارانا» نیز در مورد گیاه استویا نشان داد که با کاربرد کودهای بیولوژیک آسپریلوس، ازتوباکتر و سودوموناس وزن خشک ریشه و ساقه، ارتفاع گیاه و تعداد برگ گیاه در مقایسه با تیمار شاهد افزایش یافت و بهترین نتیجه از کاربرد توأم آن ها به دست آمد.

«شالان» در گیاه دارویی گاوزیان اروپایی^۳ نتیجه گرفت که ارتفاع گیاه، تعداد شاخه، وزن تر و خشک گل و برگ، عملکرد بذر، درصد اسانس و آلفالینونیک اسید با کاربرد باسیلوس (باکتری حل کننده ی فسفات) و آزوسپریلیوم و نیز سطوح مختلف کمپوست افزایش یافت و بهترین حالت از کاربرد توأم این تیمارها به دست آمد. «زاز» و همکاران بیان کردند که در گیاه رازیانه ارتفاع گیاه، تعداد شاخه و وزن خشک گیاه، تعداد چتر در گیاه و عملکرد بذر با کاربرد کودهای بیولوژیک ازتوباکتر، باسیلوس و کود گاوی در مقایسه با شاهد افزایش یافت و بهترین نتیجه از کاربرد توأم کودهای شیمیایی و بیولوژیک حاصل شد، شاخص های کمی نیز با کاربرد این تیمارها در مقایسه با شاهد بهبود یافت. «لیسی» و همکاران در گیاه اسفرزه^۴ با کاربرد کودهای شیمیایی، دامی، باکتری های حل کننده ی فسفات (بارور) و تلفیق آن ها شاهد افزایش شاخص های کل ماده ی خشک، عملکرد بذر، درصد موسیلاژ، عملکرد موسیلاژ و فاکتور آماس بذر بودند. نتایج «منجیوناتا» و همکاران در فلفل نشان داد که با کاربرد ۱۰۰ کیلو نیتروژن، ۴۰ کیلو P₂O₅ و ۱۴۰ کیلو K₂O به همراه ۳۰ تن کود دامی در هکتار بیشترین ارتفاع، تعداد شاخه، گسترش گیاه، سطح برگ و دوام سطح برگ حاصل شد. «هرشاوران» و همکاران در بادرنجبویه^۵ نتیجه گرفتند که کاربرد ۴۵ کیلو نیتروژن، ۵/۲۲ کیلو فسفر و پتاس به همراه ۹ تن کودآلی در هکتار، باعث حداکثر تولید اسانس به میزان ۲۵/۴۲ کیلوگرم در هکتار شد.

همکاران در آزمایشی گلخانه ای در مصر روی گیاه مرزنجوش^۱ نشان دادند که کودهای بیولوژیک شامل ازتوباکتر، آزوسپریلیوم و کمپوست بر شاخص های رشدی و میزان اسانس آن اثرات قابل توجهی دارد. «درزی» و همکاران (۲۰۰۷) در آزمایشی نتیجه گرفتند که کود بیولوژیک بیوفسفات روی ارتفاع و عملکرد بیولوژیکی رازیانه اثر معنی داری دارد، همچنین اثرات متقابل بین میکوریزا و بیوفسفات بر روی وزن هزارانه معنی دار بود. جهان در آزمایشی که روی بررسی جنبه های اکولوژیکی کشت مخلوط بابونه و همیشه بهار همراه با کود دامی انجام داد، گزارش کرد که در اثر مصرف کود دامی میزان کامارولن گیاه کاهش

زیره ی سبز از جمله گیاهان دارویی -
صنعتی ارزشمند ایران به شمار می آید
که افزون بر آن، به لحاظ تجاری و هم با
توجه به حجم کم و ارزش بالا، صادرات
آن به اقصی نقاط جهان از اهمیت ویژه
ای برخوردار و مقرون به صرفه است، به
گونه ای که تا چند سال قبل، رتبه ی اول
صادرات زیره ی سبز در جهان متعلق به
کشور ما بود که متأسفانه در حال حاضر
تا رتبه ی ششم تنزل یافته است.
زیره ی سبز احتمالاً بومی فلات ایران
است و نام خود را از منطقه ی اولیه ی
تولیدش در شهرک باستانی کومین واقع
در حاشیه ی رود رودان در جنوب غربی
کرمان گرفته است.

یافت که وی این اثر منفی را به تخفیف شرایط تنش در نتیجه مصرف آن نسبت داد. «جهان» و «کوچکی» بیان داشتند که با ترکیب ۵۰ درصد یا کم تر بابونه در مخلوط با همیشه بهار و مصرف کودهای دامی می توان سیستم مناسبی جهت تولید



آماده‌سازی زمین و در طول دوره‌ی رشد از هیچ‌گونه علف‌کش، قارچ‌کش و آفت‌کش استفاده نشد. کشت در بهمن‌ماه به صورت کرتی و فاصله‌ی بذور روی هر ردیف ۴ سانتی‌متر و فاصله بین ردیف‌ها ۴۰ سانتی‌متر بود. بذور زیره‌ی سبز بلافاصله قبل از کاشت با کودهای بیولوژیک به روش استاندارد و توصیه‌شده آغشته شد. بذرها در عمق یک سانتی‌متری کشت شدند. بذره‌های زیره سبز قبل از کشت با باکتری‌ها به روش استاندارد و با رعایت توصیه‌های شرکت تولیدکننده‌ی کود آغشته شد. هنگام کشت رطوبت خاک مزرعه در حد مناسب برای بقای باکتری‌ها بود. اولین آبیاری به منظور استقرار مطلوب باکتری‌ها و بهبود سبز شدن گیاهچه‌ها، بلافاصله پس از کشت انجام شد. آبیاری به روش غرق آبی و با فاصله‌ی هر ۱۴ روز انجام شد. ۲۱، ۴۲ و ۶۳ روز پس از کاشت، کنترل علف‌های هرز به روش دستی انجام گرفت و در مرحله‌ی ابتدای شاخه‌دهی کودهای بیولوژیک به صورت سرک داده شد. در اوایل خردادماه جهت جلوگیری از ریزش دانه، در زمانی که رنگ بوته‌ها تازه متمایل به زرد شده بود و رنگ دانه متمایل به قهوه‌ای شده بود، برداشت با دست انجام شد. جهت اندازه‌گیری صفات مورد نظر قبل از برداشت نهایی از هر کرت ۱۰ بوته به‌طور تصادفی انتخاب و به آزمایشگاه منتقل شد و صفاتی نظیر تعداد چتر در بوته، تعداد چترک در چتر، تعداد دانه در بوته، وزن دانه بوته، عملکرد دانه و بیولوژیک اندازه‌گیری شد. جهت تعیین عملکرد از ۴ ردیف موجود در هر کرت، دو ردیف کناری و ۵/۰ متر از بالا و پایین به عنوان اثر حاشیه‌ای حذف شده و بقیه بوته‌های موجود جهت تعیین عملکرد برداشت شده و پس از قرارگرفتن بوته‌ها در هوای آزاد و خشک شدن در زیر سایه، اقدام به جداسازی بذور از کاه و کلش شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌های آزمایش و رسم شکل‌ها، از نرم‌افزارهای SAS و Excel استفاده شد. مقایسه‌ی کلیه‌ی میانگین‌ها با استفاده از آزمون چنددامنه‌ای دانکن و در سطح احتمال ۵ درصد انجام گرفت.

نتیجه‌گیری از طرح تحقیقاتی

نتایج تجزیه‌ی واریانس داده‌ها نشان داد که تنش خشکی تأثیر معنی‌داری بر ارتفاع بوته در سطح پنج‌درصد داشت (جدول ۱). بیش‌ترین ارتفاع بوته ۸۹/۲۶ سانتی‌متر از شرایط نرمال حاصل شد، تنش خشکی منجر به کاهش ۱۹/۱۲ درصدی در ارتفاع بوته شد (شکل ۱). از جمله دلایل این کاهش می‌تواند کاهش غلظت هورمون‌های تنظیم‌کننده‌ی رشد (جیبرلین و سایتوکینین) که در افزایش تقسیم سلولی نقش دارند در شرایط تنش خشکی باشد که دلیلی بر کاهش ارتفاع بوته و وزن تر و خشک گیاه در شرایط تنش خشکی است. ارتفاع بوته تحت تأثیر کودهای بیولوژیک قرار نگرفت (جدول ۱). اما علی‌رغم عدم تأثیر معنی‌دار کودهای بیولوژیک، بیش‌ترین ارتفاع بوته ۵۴/۲۵ سانتی‌متر از کاربرد توأم آزو‌سپریلیوم + ازتوباکتر حاصل شد (شکل ۱). بین اکوتیپ‌ها تفاوت معنی‌داری در ارتفاع بوته

«محفوظ» و «شرف‌الدین» در گیاه رازیانه برتری استفاده‌ی توأم هریک از کودهای بیولوژیک ازتوباکتر، آزو‌سپریلیوم و باسیلوس به همراه NPK را بر کاربرد جداگانه NPK در مورد ارتفاع گیاه، تعداد شاخه، وزن تر و خشک گیاه، عملکرد دانه و عملکرد اسانس نشان دادند. «کومار» و همکاران (۲۰۰۹) مشاهده کردند که کاربرد توأم ۹۳ کیلو نیتروژن +۹۳ کیلو فسفر و آزو‌سپریلیوم حداکثر ارتفاع، تعداد شاخه، وزن تر و خشک اندام هوایی، عملکرد اسانس را در درمنه^۱ تولید کرد. کاربرد کود بیولوژیک سیانوباکتر در گیاه (*Basellarubra*) باعث افزایش تعداد برگ، تعداد شاخه، ارتفاع گیاه، تعداد گل و ارامترهای بیوشیمیایی شد. الفان در گیاه (*Jatripha cu - cas*) با کاربردهای بیولوژیک نتیجه گرفت که بیوماس تر گیاه در تیمارهای ازتوباکتر + هوموس و نیز بیونیتروژن + هوموس افزایش یافت، ولی بیوماس خشک گیاه تفاوت معنی‌داری نشان نداد.

کود بیولوژیک و زیره‌ی سبز

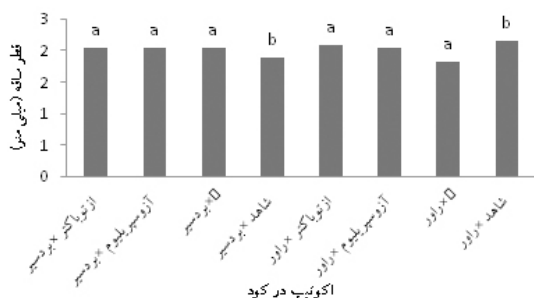
در رابطه با نقش کودهای بیولوژیک و باکتری‌های محرک رشد در افزایش عملکرد و اجزای عملکرد گیاه دارویی زیره‌ی سبز مطالعات بسیار کمی انجام گرفته است. «سعیدنژاد» و «رضوانی‌مقدم» گزارش کردند که کاربرد کودهای بیولوژیک به‌طور معنی‌داری باعث افزایش عملکرد دانه، عملکرد بیولوژیک، ارتفاع بوته، تعداد چتر در بوته، تعداد دانه در چتر، تعداد دانه در بوته و وزن هزاردانه شد، اما بر شاخص برداشت تأثیر معنی‌داری نداشت. «میرشکاری» و همکاران افزایش عملکرد دانه‌ی زیره‌ی سبز را در شرایط تلقیح بذر با باکتری آزو‌سپریلیوم گزارش کردند.

حوزه‌ی جغرافیایی و روش اجرای طرح تحقیقاتی

این تحقیق در مزرعه‌ی تحقیقاتی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان، واقع در طول جغرافیایی ۵۶ درجه و ۵۸ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۰ درجه‌ی شمالی و ارتفاع ۱۷۵۴ متر از سطح دریا در زمینی به وسعت ۵۰۰ متر مربع اجرا شد. آزمایش در آرایش اسپلیت اسپلیت پلات در قالب طرح بلوک با ۳ تکرار انجام شد که در آن دو سطح آبیاری (اعمال آبیاری نرمال و قطع آبیاری در زمان گل‌دهی) به صورت تصادفی در کرت‌های اصلی و چهار سطح کود (شاهد، آزو‌سپریلیوم، ازتوباکتر و مخلوط آزو‌سپریلیوم و ازتوباکتر) به‌عنوان تیمار فرعی و دو اکوتیپ راور و بردسیر به عنوان تیمار فرعی فرعی، به صورت تصادفی در کرت‌های فرعی قرار گرفتند. هر کرت فرعی شامل ۴ ردیف کاشت به طول ۳ متر بود که به فاصله‌ی ۴۰ سانتی‌متر از هم قرار گرفت، فاصله روی هر ردیف ۴ سانتی‌متر و عمق کاشت یک سانتی‌متر بود. بین کرت‌های اصلی یک‌متر و بین کرت‌های فرعی ۵/۰ متر فاصله بود. عملیات آماده‌سازی زمین در دی‌ماه انجام شد. در زمان

می‌باشند، بنابراین احتمالاً افزایش قطر ساقه را می‌توان به نقش این هورمون‌ها در تقسیم سلولی نسبت داد. اثر متقابل تنش در کود، تنش در اکوتیپ، تنش در کود در اکوتیپ بر قطر ساقه معنی‌دار نبود، اثر متقابل کود در اکوتیپ در سطح یک‌درصد بر قطر ساقه معنی‌دار شد. بیش‌ترین قطر ساقه ۱۵/۲ میلی‌متر مربوط به اکوتیپ راور و از تیمار شاهد حاصل شد (جدول ۴-۷). وجود اثر متقابل معنی‌دار کود در اکوتیپ واکنش متفاوت اکوتیپ‌ها را به کود نشان می‌دهد.

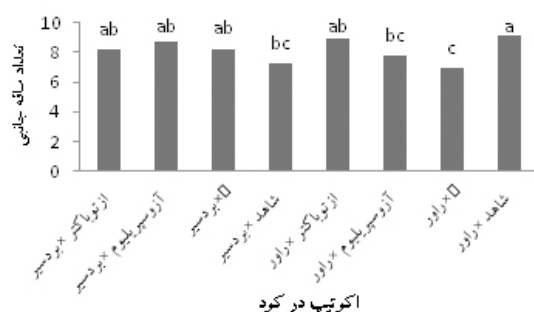
شکل ۲. اثر متقابل اکوتیپ در کود بر قطر ساقه



تعداد ساقه‌ی جانبی

اثر تنش خشکی بر تعداد ساقه‌ی جانبی در سطح پنج‌درصد معنی‌دار شد (جدول ۱). بیش‌ترین تعداد ساقه‌ی جانبی ۱۴/۹ از شرایط نرمال حاصل شد (جدول ۱). خشکی با تأثیر بر طول دوره‌ی رشد گیاه سبب کاهش طول دوره‌ی رشد شد، در نتیجه گیاه فرصت کافی برای تولید شاخه‌ی فرعی را نداشت. اثر کودهای بیولوژیک بر تعداد ساقه‌ی جانبی معنی‌دار نبود. علی‌رغم غیرمعنی‌داری این کودها بیش‌ترین تعداد ساقه‌ی جانبی ۴۱/۸ از تیمار کودی ازتوباکتر حاصل شد.

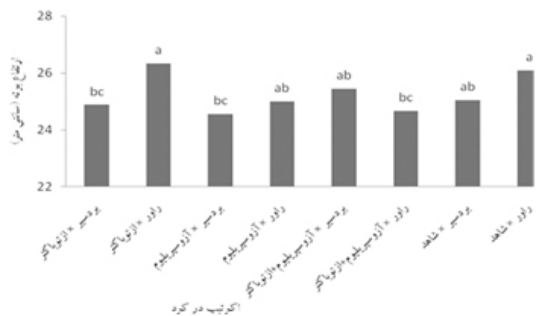
شکل ۳. اثر متقابل اکوتیپ در کود بر تعداد ساقه‌ی جانبی



بین اکوتیپ‌ها تفاوت معنی‌داری در تعداد ساقه‌ی جانبی مشاهده نشد. اثر متقابل کود در اکوتیپ و همچنین اثر متقابل سه‌گانه‌ی تنش در کود در اکوتیپ بر تعداد ساقه‌ی جانبی معنی‌دار شد. وجود اثرات متقابل دوگانه نشان دهنده واکنش متفاوت

مشاهده نشد. اثر متقابل کود در اکوتیپ بر ارتفاع بوته معنی‌دار شد. بیش‌ترین ارتفاع بوته ۳۳/۲۶ سانتی‌متر از کاربرد ازتوباکتر و مربوط به اکوتیپ راور بود (جدول ۷-۴). اثر متقابل کود در تنش و کود در اکوتیپ بر ارتفاع بوته معنی‌دار نبود. یعنی کودها در شرایط تنش و نرمال روند یکسانی داشتند. طبق گزارش «اکبری» و همکاران این افزایش ارتفاع احتمالاً به دلیل ترشح هورمون‌های اکسینی توسط باکتری‌های ازتوباکتر و آزوسپیریولوم به همراه تثبیت نیتروژن هر دو باکتری صورت گرفته است. «فلاحی» به نقل از «باسکارا راو» و «چاریولا» گزارش کرد که اثر تلقیح آزوسپیریولوم با ارزن دمروباهی، که همراه با مصرف کود شیمیایی بود باعث افزایش ارتفاع‌های هوایی شده است. به طور کلی نوسانات ارتفاع معمولاً بارزترین مشخصه از خصوصیات ژنتیکی و تغییر شرایط محیطی در اغلب گیاهان است. افزایش ارتفاع از نظر رقابت با سایر گیاهان در جامعه‌ی گیاهی یک ویژگی مفید محسوب می‌شود که یکی از نتایج آن تشکیل برگ‌های جدید در بالای کانوبی است. این خصوصیت کارآمدترین برگ‌ها را در بهترین موقعیت از نظر فتوسنتزی قرار می‌دهد.

شکل ۱. اثر متقابل اکوتیپ در کود بر ارتفاع بوته‌ی زیره‌ی سبز

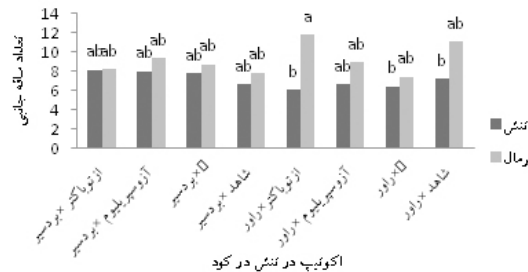


قطر ساقه

تجزیه‌ی واریانس داده‌ها نشان داد که تنش خشکی تأثیر معنی‌داری بر قطر ساقه نداشت (جدول ۱). هرچند کاهش قطر ساقه در اثر تنش خشکی ۳۷/۱۰ درصد بود (جدول ۱). اثر کودهای بیولوژیک بر قطر ساقه معنی‌دار نبود (جدول ۱). بیش‌ترین قطر ساقه ۰/۶۲ میلی‌متر از تیمار کودی کاربرد توأم آزوسپیریولوم + ازتوباکتر حاصل شد (جدول ۱). کمبود آب موجب کاهش تورژسانس سلولی شده و در نهایت کاهش رشد و توسعه‌ی سلول به‌خصوص در ساقه و برگ‌ها را به دنبال خواهد داشت. با کاهش رشد سلول اندازه‌ی اندام محدود می‌شود و به همین دلیل است که اولین اثر محسوس کم‌آبی روی گیاه را می‌توان از روی کاهش ارتفاع و باریک‌تر شدن گیاه مشاهده کرد. باکتری‌های موجود در کودهای بیولوژیک قادر به تولید هورمون‌های اکسین و جیبرلین و همچنین ویتامین‌ها



اکوتیپ‌ها به کودها و وجود اثرات متقابل سه‌گانه نشان‌دهنده اثر متفاوت کودها بر اکوتیپ‌ها در شرایط متفاوت تنش و نرمال است. بیش‌ترین تعداد ساقه‌ی جانبی ۷۳/۱۱ مربوط به کود بیولوژیک از توباکتور و در شرایط نرمال و از اکوتیپ راور حاصل شد (شکل ۳). افزایش تعداد ساقه‌ی جانبی در شرایط تنش و استفاده از کودهای بیولوژیک نشان‌دهنده‌ی اثر این کودها در کاهش اثر تنش خشکی بوده است. شکل ۴. اثر متقابل اکوتیپ در تنش در کود بر تعداد ساقه‌ی جانبی



شاخص برداشت

نتایج تجزیه‌ی واریانس داده‌ها نشان داد که اثر تنش خشکی بر شاخص برداشت معنی‌دار نبود. بیش‌ترین شاخص برداشت ۶۹/۵۵ درصد از شرایط تنش حاصل شد (جدول ۱). علی‌رغم غیرمعنی‌داری اثر تنش بر شاخص برداشت با توجه به این‌که کاهش عملکرد بیولوژیک به عملکرد دانه در شرایط تنش نسبت به نرمال بیش‌تر بود، شاخص برداشت در شرایط تنش میانگین بیش‌تری داشت. اثر کود و اکوتیپ نیز بر شاخص برداشت معنی‌دار نبود که می‌تواند به این دلیل باشد که اثر کودها بر عملکرد دانه و بیولوژیک یکسان بوده است، اثر متقابل تنش در اکوتیپ در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار شد. بیش‌ترین شاخص برداشت ۴۷/۵۷ درصد از اکوتیپ راور و در شرایط تنش حاصل شد. اکوتیپ‌ها نسبت به شرایط تنش و نرمال واکنش متفاوتی داشتند.

شکل ۵. اثر متقابل تنش در اکوتیپ بر شاخص برداشت



جدول ۱. نتایج تجزیه‌ی واریانس اثر تنش، کود و اکوتیپ بر صفات مورد بررسی در زیره‌ی سبز

منابع تغییر	درجه آزادی	ارتفاع گیاه	قطر ساقه	تعداد ساقه جانبی	شاخص برداشت
تکرار	2	55/86	4/40	110/29	33/10
تنش	1	1288/51*	5/92 ^{n.s}	496/13*	41/88
خطا 1	2	52/35	0/38	20/68	19/06
کود	3	17/36	0/27	11/74	8/27
کود * تنش	3	0/59	2/45 ^{n.s}	64/82 ^{n.s}	29/35
خطا 2	12	33/49	1/05	38/28	14/17
اکوتیپ	1	0/18	0/16	3/01	0/13
تنش * اکوتیپ	1	25/50	0/003	1/4	159/50*
کود * اکوتیپ	3	42/04**	1/37**	73/56**	11/69
تنش * کود * اکوتیپ	3	17/83	0/71	54/23**	11/66
خطای 3	432	7/14	0/29	4/74	20/29
ضریب تغییرات	-	10/58	26/69	26/79	28/06

n.s : غیرمعنی داری، * و ** به ترتیب معنی داری در سطح 5 و 1 درصد



همبستگی در شرایط نرمال و تنش

نتایج همبستگی بین صفات مورد بررسی در شرایط نرمال نشان داد که قطر ساقه‌ی همبستگی مثبت و معنی‌داری با تعداد ساقه‌ی جانبی ($r=84/0$) داشت. وجود رابطه‌ی مثبت بین شاخص‌های رشد بیانگر این است که هر عاملی که سبب افزایش اجزای عملکرد شود، به تبع آن عملکرد دانه را نیز افزایش خواهد داد. چنین به نظر می‌رسد کودهای بیولوژیک از طریق ایجاد فراهمی عناصر غذایی و همچنین افزایش میزان آب در دسترس گیاه و افزایش فعالیت‌های بیولوژیک خاک، موجب بهبود شاخص‌های رشدی زیره شد. نتایج همبستگی در شرایط تنش نشان داد که قطر ساقه همبستگی مثبت و معنی‌داری با تعداد ساقه‌ی جانبی ($r=79$) داشت. قطر ساقه با تعداد ساقه‌ی جانبی همبستگی بیش‌تری در شرایط نرمال ($r=84/0$)، نسبت به شرایط تنش ($r=79$) نشان داد، همبستگی تعداد چتر در بوته با عملکرد دانه نیز در شرایط تنش ($r=82/0$) بیش‌تر از نرمال ($r=71/0$) بود.

جدول ۲. نتایج همبستگی بین صفات مورد مطالعه در شرایط نرمال و تنش

شاخص برداشت	تعداد ساقه جانبی	قطر ساقه	ارتفاع	ارتفاع	
1	1	1	0/41ns	1	ارتفاع
			0/5ns	0/84**	قطر ساقه
			0/41ns	0/20ns	تعداد ساقه جانبی
1	0/36ns	0/20ns	0/41ns	0/41ns	شاخص برداشت
1	1	1	ns0/14	1	ارتفاع
			ns-0/12	0/79**	قطر ساقه
			ns0/17	ns0/06	تعداد ساقه جانبی
1	ns0/01	ns0/06	ns0/17	ns0/17	شاخص برداشت

ns: غیر معنی‌دار، * و ** به ترتیب معنی‌داری در سطح 5 و 1٪.

منابع

- استارایی، ع. و ع. کوچکی. ۱۳۷۵. کاربرد کودهای بیولوژیک در کشاورزی پایدار. جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۶۴ صفحه.
- اردکانی، م. ب. ثانی، ق. نور محمدی، ه. خسروی و، ا. فرحبخش. ۱۳۸۶. مقایسه کارایی تلقیح کودهای زیستی روی بازدهی تولید و عملکرد سویا. چکیده‌ی مقالات دومین همایش ملی کشاورزی بوم‌شناختی ایران گرگان. صفحه ۲۳۱.
- احمدیان، الف، قنبری، ا. و گلوی، م. ۱۳۸۵. تأثیر کود دامی بر عملکرد کمی و کیفی و شاخص‌های شیمیایی اسانس زیره‌ی سبز. مجله‌ی پژوهش‌های زراعی ایران. ۲۰(۲): ۲۱۶-۲۰۷.
- امیدیگی، ر. ۱۳۸۷. توجه به گیاهان دارویی در سرزمین‌های کم‌بهره، راهبردی برای اشتغال‌زایی پایدار. اولین همایش ملی مدیریت و توسعه‌ی کشاورزی پایدار در ایران، ۵-۳ دی‌ماه، اهواز. ۴۰۷-۴۱۰.
- بخشی‌خانیکی و همکاران، ۱۳۸۶. بررسی اثر تنش خشکی بر روی برخی از صفات مرفولوژیک ده رقم گیاه جو در شرایط آب‌وهوایی اسکو (آذربایجان شرقی)، مجله‌ی پژوهش و سازندگی در زراعت و باغبانی، شماره‌ی ۷۴.
- بیاری، ا. ا. غلامی، و ه. اسدی رحمانی. ۱۳۸۶. تولید پایدار و بهبود جذب عناصر غذایی ذرت در عکس‌العمل به تلقیح بذر توسط باکتری‌های محرک رشد، چکیده‌ی مقالات دومین همایش ملی کشاورزی بوم‌شناختی ایران، گرگان، صفحه‌ی ۸.
- حسینی، عباس، ۱۳۸۵. بررسی تأثیر تنش کم‌آبی بر رشد، عملکرد و میزان اسانس گیاه بادرنشوب، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران، جلد ۲۲، شماره‌ی ۳: ۲۶۱-۲۵۶.
- حمیدی، الف، اصغرزاده، الف، چوکان، ر. دهقان شمار، م. قلاوند، الف. و ملکوتی، م. ج. ۱۳۸۶. بررسی کاربرد کودهای ریزوباکتریایی افزایش‌دهنده رشد گیاه در زراعت ذرت با نهاده‌ی کافی. علوم محیطی. ۴(۴): ۱-۱۹.
- رستگار، م. ۱۳۷۳. دیمکاری، انتشارات برهمند، ۲۵۰ ص.
- زرگری، ع. ۱۳۷۵. گیاهان دارویی. جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- سالار دینی، ع. ۱۳۶۴. روابط خاک و گیاه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- سرمندیان، غ. ۱۳۷۲. اهمیت تنش‌های محیطی در زراعت، مقالات کلیدی اولین کنگره‌ی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، کرج.
- فلاحی، ج. ۱۳۸۷. بررسی تأثیر کودهای بیولوژیک بر شاخص‌های کمی و کیفی گیاه دارویی بابونه، چکیده‌ی مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه‌ی پایدار در ایران. ۳-۵ دی‌ماه، اهواز.
- فلاحی، ج. ۱۳۸۸. تأثیر کودهای بیولوژیک و شیمیایی بر خصوصیات کمی و کیفی گیاه دارویی بابون آلمانی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- قاسمی دهکردی، م. و طالب، ۱۳۸۰. استخراج، شناسایی و تعیین ترکیبات موجود در گیاهان دارویی شاخص، چاپ اول. نشر چوگان، تهران.
- میرشکاری، بهرام و همکاران، ۱۳۸۳. ضرورت توسعه‌ی کشت گیاهان دارویی در منطقه‌ی آذربایجان شرقی، مجموعه‌مقالات اولین همایش ملی زیره‌ی سبز، سبزوار، ص: ۱۰۶-۱۰۳.
- یادگاری، م و همکاران، ۱۳۸۲. بررسی اثرات تلقیح چهارسویه‌ی باکتری برادی ریزوبیوم جاپونیکوم بر عملکرد و اجزای عملکرد سویا در شرایط آب‌وهوایی کرج. مجله‌ی پژوهش‌های زراعی ایران، جلد ۱. شماره‌ی ۱. صفحه‌ی ۹۳-۱۰۶.
- یزدانی بیوک، ر. مهرماه ۱۳۸۸. بررسی تأثیر پرمینگ بذر توسط باکتری از:توباکتر و استفاده از کودهای آلی و شیمیایی بر خصوصیات کمی و کیفی گیاه دارویی مارتیغال، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.



- plied Sciences Research. 2(10): 773-779
- Mahshwari, S. K., Sharma, R. K. and Gangrade, S. K. 2000. Performance of isabgol or blond psyllium (*Plantago ovata*) under different levels of nitrogen, phosphorus and biofertilizers in shallow black soil. *Indian Journal of Agronomy*. 45:443-446
- Masarovicova, E., Kralova, K. and Lesikova, J. 2006. Medicinal plants-past, nowadays, future. *International Symposium on Chamomile Research, Development and Production*. Presov, Slovakia. pP67
- Mitsch, W. J. and Day, J. W. 2006. Restoration of wetlands in the Mississippi–Ohio– Missouri (MOM) river basin: experience and needed research. *Ecological Engineering*. 26: 55–69
- Muthu, C., Ayyanar, M., Raja, N. and Ignacimuthu, S. 2006. Medicinal plants used by traditional healers in kancheepuram district of tamil nadu, India. *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*. 43(2): 1746
- Salan, M. N., Abdel-Atif, T. A. T. and El-Ghadban, E. A. E. 2006. Effect of water salinity and some nutritional compounds on the growth and production of sweet marjoram plants (*Majorana hortensis* L.). *Egypt Journal of Agriculture Research*. 84 (3): 959
- Sanches Govin, E., Rodrigues Gonzales, H. and Carballo Guerra, C. 2005. Influencia de los abonos organicos y biofertilizantes en la calidad de las especies medicinales *calendula officinalis* L. y *Matricaria recutita* L. *Revista Cubana de Plantas Medicinales*. 10(1):1
- Saxena, M.C., 1993. The challenge of developing biotic and abiotic stress resistance in cool-season food Legumes. P. 3-14. In: Singh, K.B., Saxena, M.C., (eds). *Breeding for Stress Tolerance in Cool-Season Food Legumes*. John Wiley and Sons, Chichester, UK
- Tabrizi, L., Koocheki, A. and Ghorbani, R. 2008. Effect of biofertilizers on agronomic criteria of Hyssop (*Hysopus officinalis*). 2nd Conference of the International Society of Organic Agriculture Research ISOFAR, Modena, Italy, June 18-20
- Vanlauwe B, Wendt J and Diels J. 2001. Combined application of organic matter and fertilizer. In *Sustaining Soil Fertility in West-Africa*. Eds. SSSA, ASA, Madison, USA. 247-280
- Vessey, J. K. 2003. Plant growth promoting rhizobacteria as biofertilizer. *Plant and Soil*. 255: 571–586
- Wu, S. C., Cao, Z. H., Li, Z. G. Cheung, K. C. and Wong, M. H. 2005. Effect of biofertilizers containing Nfixer, P and K Solubilizer and AM fungi on maize growth: a greenhouse trial. *Geoderma*. 125:155-166
- selvam, R. 2007. *Pseudomonas fluorescens* enhances biomass yield and ajmalicine production in *Catharanthus roseus* under water deficit stress. *Colloids and Surfaces B: Biointerfaces*. 60:7–11
- Azaizeh, H., Fulder, S., Khalil, K. and Said, O. 2003. Ethnomedicinal knowledge of local arab practitioners in the middle east region. *Fitoterapia*. 74(1-2): 98-108. 53
- Azzaz, N. A., Hassan, E. and Hamad, E. H. 2009. The chemical constituent and vegetative and yielding characteristics of fennel plants treated with organic and biofertilizer instead of mineral fertilizer. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*. 3(2): 579-587
- Das, K., Dang, R. and Shivananda, T.N. 2008. Influence of bio-fertilizers on the availability of nutrients (N, P and K) in soil in relation to growth and yield of *Stevia rebaudiana* grown in South India. *International Journal of Applied Research in Natural Products*. 1(1): 20-24
- Earanna, N. 2007. Response of (*Stevia rebaudiana*) to biofertilizers. *Karnataka Journal of Agriculture and Science*. 20(3) : 616-617
- Gaur, A.C., 2001. Effects of Azotobacterization in presence of fertilizer nitrogen in the yield of canola *Brassica napus* L.): field experiment. *Indian Society of Soil Science*, 41: 50-54
- Gerretsen FC, 1948. The influence of microorganisms on the phosphate intake by the plant. *Plant Soil*:1:51–81
- Glick, B.R. 2007. Promotion of plant growth by soil bacteria that regulate plant ethylene levels. *Proceedings 33rd PGRSA Annual Meeting*. Pp15-21
- Gull, F. Y., Hafeez, I., Saleem, M., Malik, K. A., 2004. Phosphorus uptake and growth promotion of chickpea by inoculation of mineral phosphate solubilizing bacteria and a mixed rhizobial culture. 82- Hecl, J. and Sustrikova, A. 2006. Determination of heavy metals in chamomile flower drug- an assurance of quality control. *International Symposium on Chamomile Research, Development and Production*. Presov, Slovakia. pP69
- Karthikeyan, B., Abdul Jaleel, C., Lakshmanan, G. M. A. and Deiveekasundaram, M. 2008. Studies on rhizosphere microbial diversity of some commercially important medicinal plants. *Colloids and Surfaces B: Biointerfaces*. 62:143–145
- Kızılkaya, R. 2008. Yield response and nitrogen concentrations of springwheat (*Triticum aestivum*) inoculated with *Azotobacter chroococcum* strains. *Ecological Engineering*. 33:150–156
- Kloepper, J.W., K. Lifshitz, and M.N. Schroth. 1988. *Pseudomonas* inoculants to benefit plant production. *ISI Atlas Sci Anim Plant Sci*. pp. 60–4
- Kucey, R. M. N., and Janzen, H. H. 1987. Effect of VAM and reduced nutrient availability on growth and phosphorus and micronutrient uptake of weath and field beans under green house. *Plant and soil*. 104:71-78
- Leithy, S., El-Meseiry, T. A. and Abdallah, E. F. 2006. Effect of biofertilizer, cell stabilizer and irrigation regime on rosemary herbage oil yield and quality. *Journal of Ap-*



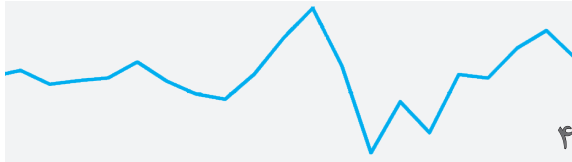


بررسی ظرفیت‌های قانونی برنامه‌ی پنجم توسعه و انتظارات بخش خصوصی

چکیده

برنامه‌ی پنجم توسعه، دو هدف کلی را دنبال می‌کند؛ یکی هدف کمی رشد ۸ درصدی سالانه‌ی تولید ناخالص داخلی، و دوم اهداف کیفی مثل افزایش درآمد ملی از طریق افزایش قدرت تولید با تکیه بر توسعه‌ی صنعتی، بالا بردن بازده سرمایه، توزیع عادلانه‌تر درآمد، کاهش نیازمندی به خارج از کشور، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی و بهبود خدمات اداری است. آنچه در تحلیل برنامه‌ی پنجم توسعه از منظر بخش خصوصی در استان کرمان مهم است، فصل توسعه‌ی منطقه‌ای این برنامه است که تأکید دارد بر ۱. نظام برنامه‌ریزی ۲. رعایت عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها ۳. توسعه‌ی متوازن مناطق ۴. ارتقای توانمندی‌های مدیریتی ۵. افزایش اختیارات جهت توسعه و عمران، که در ادامه به مهم‌ترین بخش‌های برنامه‌ی پنجم توسعه و دغدغه و انتظارات بخش خصوصی و جایگاه آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی، برنامه‌ی پنجم توسعه، بخش خصوصی



مقدمه

بنابه عقیده برخی صاحب نظران و اندیشمندان اقتصادی، برای تأمین و بهبود وضعیت اقتصاد و معیشت اقشار جامعه، گام برداشتن در مسیر توسعه و رشد اقتصادی، از الزامات آن بنابر تجربه‌ی برخی کشورهای دنیا، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد. بنابراین ترسیم چشم‌اندازی متعالی و مبتنی بر برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تحرک و هم‌سویی فعالیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی بخش دولتی و بخش خصوصی و همچنین کنترل و ارزیابی آن، از جمله اقدامات موثر دیگری است که در کشور ایران نیز برای نیل به این مهم، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و برنامه‌های عملیاتی پنج‌ساله تهیه و تدوین شده است.

جایگاه پارلمان بخش خصوصی در برنامه‌ی پنجم توسعه

در بررسی مواد برنامه‌ی پنجم توسعه و استخراج مواد خالص مربوط به پارلمان بخش خصوصی، از تعداد ۲۳۵ ماده‌ی مربوطه، ۹ ماده به صورت خاص مربوط به فعالیت‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران می‌باشد، یعنی ۳.۸۳ درصد از کل مواد برنامه مربوط به پارلمان بخش خصوصی است که به شرح زیر به آن پرداخته می‌شود.

ماده‌ی ۶۹

این ماده در رابطه با بهبود فضای کسب و کار می‌باشد که اتاق مأموریت دارد به همراه اتاق تعاون، ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط در چارچوب بودجه‌های سنواری ضوابط و سیاست‌های تشویقی؛ از جمله امدادی جوایز، اعطای تسهیلات، کمک مالی برای استفاده کالاها و خدمات از نام و نشان تجاری در بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی تا پایان سال اول برنامه تهیه و برای اجرا ابلاغ نماید. اتاق بازرگانی در همین رابطه در سال ۱۳۹۱ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار را مشتمل بر ۲۹ ماده تهیه و پس از تصویب در مراحل قانونی برای اجرا توسط مجلس به دولت ابلاغ کرد.

ماده‌ی ۷۵

این ماده تحت عنوان شورای گفت‌وگوی بخش خصوصی و بخش دولتی به منظور ۱. تبادل نظر دولت و بخش خصوصی و تعاونی، ۲. تسهیل فعالیت‌های اقتصادی این بخش‌ها، ۳. بررسی رفع موانع کسب و کار، ۴. اتخاذ تصمیم موثر برای اقدامات لازم در چارچوب قوانین و مقررات، ۵. ارائه پیشنهادهای راهکارهای مناسب برای مراجع ذی‌ربط و با ترکیب تعداد ۸ نفر و افراد و کارکنان بخش دولتی و تعداد ۸ نفر از کارشناسان بخش خصوصی، با مدیریت و ریاست وزیر اقتصاد و دارایی و به دبیر کلی اتاق بازرگانی تشکیل می‌شود. اعضای بخش دولتی شامل وزیر اقتصاد و دارایی به عنوان رئیس شورای گفت‌وگو، رئیس کل بانک مرکزی، معاونت برنامه‌ریزی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر کار، وزیر نفت، وزیر نیرو، دو نفر از معاونان قوه قضاییه، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس، رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس، و از بخش خصوصی رئیس اتاق ایران به عنوان دبیر کل شورا و تعداد ۸ نفر از مدیران عامل شرکت‌های برتر اقتصادی کشور.

تاکنون از بدو اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه تعداد ۸ جلسه در اتاق ایران و تنها یک جلسه‌ی شورای گفت‌وگو در استان کرمان برگزار گردیده است.

ماده‌ی ۷۶

این ماده به اتاق بازرگانی و اتاق تعاون و شورای اصناف اختیار داده است تا نسبت به شناسایی قوانین و مقررات و بخش‌نامه‌های محل تولید و سرمایه‌گذاری اقدام نمایند و ماحصل آن به کمیسیون که متشکل از دو نفر از قوه مقننه است، تحویل شود. در این رابطه در اتاق ایران کمیته‌ای به همین منظور تشکیل و در اتاق استان کرمان نیز کمیته‌ی مذکور زیر نظر مرکز تحقیقات تشکیل و طی ۱۳ جلسه پیشنهادهای لازم جمع‌آوری و به کمیته‌ی مرکزی تحویل شده است.

ماده‌ی ۷۷

این ماده به منظور تقویت و سازمان‌دهی تشکلهای خصوصی و تعاونی و کمک به انجام وظایف قانونی اتاق واریز (یک در هزار) رقم فروش کالا و خدمات به منظور ارائه خدمات بازاریابی، خدمات مشاوره‌ای، ارائه نظرات کارشناسی در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه دیده شده است.

ماده‌ی ۸۴

عضویت اتاق بازرگانی در هیأت امنای صندوق توسعه ملی با ریاست

رئیس جمهور.

ماده‌ی ۸۸

عضویت اتاق بازرگانی در مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران با ریاست رئیس جمهور.

ماده‌ی ۸۹

عضویت اتاق بازرگانی در شورای پول و اعتبار.

ماده‌ی ۱۵۱

مشارکت در تدوین آیین‌نامه‌ی اجرایی به اتفاق وزارت صنعت، معدن و تجارت، اتاق تعاون به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری خطرپذیر در صنایع نوین از سر جمع کل تسهیلات، اعطای سالانه‌ی بخش خصوصی و تعاونی در قالب وجوه اداره‌شده، شامل سود و کارمزد تسهیلات اعطایی توسط صندوق ضمانت از تحقیقات و توسعه‌ی صنایع الکترونیک به صندوق حمایت از صنایع نوین.

ماده‌ی ۲۰۷

این ماده به منظور تهیه‌ی لایحه‌ی جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تحویل به مجلس شورای اسلامی توسط اتاق بازرگانی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتاق تعاون، در بخش دفاعی در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی می‌توان مأموریت‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی را در سه حوزه‌ی مهم فضای کسب و کار شامل ۴ ماده و حوزه‌ی اشتغال نیز ۴ ماده و در حوزه‌ی دفاعی، سیاسی و امنیتی، در یک ماده خلاصه کرد که در هر سه حوزه می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

جایگاه بخش خصوصی در برنامه‌ی پنجم توسعه

برابر بررسی صورت گرفته از مطالعه‌ی موارد مربوط به برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی، تعداد ۶۴ ماده از مجموع ۲۳۵ ماده یعنی ۲۷.۲۳ درصد از کل مواد برنامه‌ی پنجم توسعه به صورت خاص متعلق به فعالیت‌های بخش خصوصی است که در جدول زیر به صورت خلاصه و برای آشنایی هرچه بیشتر بخش خصوصی و اعضای اتاق ارائه می‌گردد.



ردیف	ماده واحده	بخش مربوطه	ردیف	ماده واحده	بخش مربوطه
۱	۱۱و۳	فرهنگ اسلامی- ایرانی	۱۶	۱۱۸و۱۱۳	بیمه بازرگانی
۲	۱۴و۱۳	بخش ورزشی	۱۷	۱۳۱و۱۲۸،۱۲۷	نفت و گاز
۳	۲۱و۲۰،۱۷	علم و فن آوری	۱۸	۱۳۳	برق
۴	۲۸و۲۶	اجتماعی (..... اجتماعی)	۱۹	۱۳۹و۱۳۶،۱۳۵	اثری های پاک
۵	۳۷و۳۵،۳۴،۳۲	سلامت	۲۰	۱۴۲	منابع آب
۶	۳۸	بیمه سلامت	۲۱	۱۴۹و۱۴۳	کشاورزی
۷	۴۱	سرمایه گذاری اجتماعی، جوانان و خانواده	۲۲	۱۵۸و۱۵۷،۱۵۴،۱۵۳،۱۵۱،۱۵۰	صنعت و معدن
۸	۴۶	فن آوری اطلاعات (نظام اداری و مدیریت)	۲۳	۱۶۴و۱۶۳،۱۶۱	حمل و نقل
۹	۶۴و۷۱	نظام اداری	۲۴	۱۷۳و۱۷۱	مسکن
۱۰	۷۷و۷۶،۷۵،۷۱،۶۹	اقتصادی، بهبود فضای کسب و کار	۲۵	۱۸۳	توسعه منطقه ای
۱۱	۷۹	بهره وری	۲۶	۱۹۰	محیط زیست
۱۲	۸۰	اشتغال	۲۷	۱۹۴	توسعه روستایی
۱۳	۸۴و۸۲	ارز	۲۸	۲۰۷و۲۰۶	دفاعی، سیاسی و امنیتی (سیاسی امنیتی)
۱۴	۹۶و۹۴،۸۰	پول و بانک	۲۹	۲۱۰	سیاست خارجی
۱۵	۱۱۰و۱۰۱	تجارت	۳۰	۲۳۱و۲۲۴،۲۲۱،۲۲۰	بودجه و نظارت

دغدغه‌های بخش خصوصی

چنانچه از محتوای برنامه‌ی پنجم توسعه پیداست، در این برنامه متوسط نرخ رشد ۸ درصدی سالیانه‌ی تولید ناخالص داخلی، کاهش شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز در کاهش نرخ بیکاری ۷ درصد، کاهش فاصله‌ی دو دهک بالا و پایین جامعه (ضریب جینی به ۳۵ درصد) و توسعه و تقویت نظام استاندارد ملی، از جمله اهدافی است که برنامه‌ی پنجم در پایان دوره یعنی سال ۱۳۹۴ بایستی به آن دست پیدا کند. تاکنون آنچه که در تحلیل واقع‌بینانه از برنامه‌های عملیاتی دوره‌های گذشته به دست آمده، چالش‌هایی است که ذکر آن خالی از لطف نمی‌باشد و به نظر می‌رسد که در تحقق برنامه‌ی پنجم توسعه نیز بی‌تأثیر نیست. از آن جمله‌ی این موارد عبارتند از:

۱. عدم هم‌خوانی عملکردهای برنامه با رویکردها
۲. انحراف از برنامه در میانه‌ی راه
۳. عدم اجرای کامل برنامه‌ها

۴. نبود یک سیستم نظارتی و ارزش‌یابی مناسب که بتواند سال به سال برنامه‌ها را پایش و محاسن و معایب آن را بررسی و به متولیان امر گزارش کند.

از این جهت بخش خصوصی و پارلمان بخش خصوصی به عنوان مشاور سه قوه نیز در پی گذشت قریب به ۲.۵ سال از برنامه‌ی پنجم توسعه، حداقل در تحقق انتظارات خود در زمینه‌های:

- الف) توانمندسازی بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار
- ب) اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- ج) استمرار جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی برای حل و فصل مشکلات فی‌مابین
- د) تحقق جایگاه تعریف شده در مواد قانونی برنامه

بسیاری از این موارد باید در طی این ۲.۵ سال برنامه‌ی پنجم محقق می‌شد و امروز نه تنها شاهد تحقق آن اهداف تعیین شده، هم در سطح ملی و هم سطح استانی نیستیم، بلکه به مراتب روند نزولی را در برخی از مولفه‌ها در اقتصاد استان شاهد هستیم که از آن جمله

نرخ بیکاری بالا^۱، عدم تحقق رشد سالیانه ۸ درصد برای تولید ناخالص داخلی^۲، همچنین در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی سیاست‌های برنامه‌ی پنجم در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی این اصل که می‌بایست با نگرش به حمایت از گسترش بنگاه‌داری در بخش خصوصی مورد توجه قرار می‌گرفت، از آن غفلت گردید و در واگذاری‌های صورت گرفته با ورود شرکت‌های شبه‌دولتی برای بهبود کارایی و توانمندسازی بخش خصوصی و استفاده از خلاقیت‌های این بخش تغییرات ساختار مدیریتی به بخش خصوصی محقق نشده، و در رقابت برای کسب سهام شرکت‌های مشمول واگذاری عملاً بخش خصوصی از فرصت پیش رو دور شده و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت آنان در تولید رو به کاهش گراییده است، که لازم است با اعمال درست مواد برنامه‌ی پنجم توسعه، به‌ویژه در امر بهبود فضای کسب و کار و خصوصی‌سازی واقعی، زمینه‌های مناسب برای رقابت این بخش در عرصه‌ی بازارهای داخلی و خارجی و فعالیت حداکثری در سرمایه‌گذاری و تولید در باقی‌مانده‌ی برنامه‌ی پنجم فراهم شود. به طور خلاصه می‌توان دغدغه‌های بخش خصوصی را نسبت به برنامه‌ی پنجم توسعه در حوزه‌ی استان کرمان در دو مقوله خلاصه کرد:

۱. فقدان ضمانت اجرایی یا جنبه‌های مغفول‌مانده در برنامه‌ی پنجم توسعه، به‌ویژه در حوزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی، توانمندسازی بخش خصوصی، اشتغال، حمایت‌های پولی و مالی از واحدهای تولیدی بخش خصوصی، بهبود محیط کسب و کار استان و غیره.
۲. الزامات خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. تعیین همان سیاست‌های برنامه‌ای که بایستی در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و با نگرش حمایت از گسترش بنگاه‌داری در بخش خصوصی مورد توجه قرار می‌گرفت.

انتظارات بخش خصوصی

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که عملکرد دولت و

۱. برابر گزارش چاپ‌شده در سالنامه آماری معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان ص ۱۴۰ و ۱۵۳، نرخ بیکاری استان کرمان ۱۲،۱ درصد قید شده است، در صورتی که در جدول ص ۱۴۱ از تقسیم جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل+بیکار) نرخ بیکاری برای سال ۱۳۸۵ برابر ۲۱،۰۴ درصد و برای سال ۱۳۹۰ حدود ۱۸،۱ درصد به دست می‌آید. ۲/ در رشد اقتصادی کشور، برابر آمارهای ارائه‌شده، ۰،۴ درصد و سهم استان کرمان از تولید ناخالص داخلی کل کشور ۲،۶۳ درصد می‌باشد که بسیار با اهداف برنامه فاصله دارد.

ظرفیت‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۶. دیوان‌سالاری حاکم بر استان کرمان

نتایج مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که نظام اداری استان معمولاً در انجام امور محوله به نحو ناکارآمدی عمل می‌کند و نیازمند تحولی اساسی است. برخی از مهم‌ترین چالش‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد: تمرکز بروکراسی، بی‌ثباتی مدیریت، عدم توجه به کیفیت نیرو انسانی، عدم توجه به تحقیق و پژوهش، فقدان ارزشیابی سیستماتیک، عدم توجه به آموزش‌های ضمن خدمت، گفتمان غلط، سیاست‌زدگی مفرط و غیره می‌باشد.

۷. شورای گفت‌وگوی بخش دولتی و خصوصی

در بررسی مواد قانونی برنامه‌ی پنجم مربوط به بخش خصوصی و حوزه‌ی مأموریت پارلمان بخش خصوصی (اتاق بازرگانی) یکی از موادی که بسیار مهم است و می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در توسعه و رشد اقتصادی و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی استان موثر باشد همان ماده‌ی ۷۵ شورای گفت‌وگو است که متأسفانه در استان به آن توجهی نشده و در حد مطلوبی نیست. چرا که این ماده و سایر مواد مربوطه چنانچه مورد توجه قرار گیرد می‌تواند در میزان و کیفیت سیاست‌های پیش‌بینی شده برای بهبود فضای کسب‌وکار در حد مطلوبی اثرگذار باشد.

با توجه به این‌که نتایج به‌دست‌آمده حکایت از آن دارد که برنامه‌ی پنجم توسعه در استان نتوانسته است آن‌چنان که باید و شاید به رفع یکی از اصلی‌ترین مشکلات بنگاه‌های تولیدی یعنی سختی فضای کسب‌وکار بپردازد، پیشنهاد می‌شود برای اجرای دقیق برنامه‌ی پنجم توسعه در سطح استان، از طریق اتخاذ سازوکارهای مناسب برای:

۱. تأمین ثبات سیاست‌گذاری در اقتصاد استان

۲. شفافیت در ارائه‌ی آمار و اطلاعات

۳. پایبندی به مواد قانونی برنامه‌ی پنجم توسعه، از جمله ماده‌ی ۶۹ و ۷۵

۴. فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری

۵. مرتفع ساختن دیوان‌سالاری حاکم بر نظام اداری استان

۶. دسترسی آسان و سریع به منابع مالی و سایر معضلات گریبان‌گیر بخش خصوصی از جمله ثبات اقتصادی و تورم، اهتمام بیش‌تری در عمل به کار گرفته شود.

منابع

برنامه‌ی پنجم توسعه

قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار

سیاست‌های مربوط به برنامه‌های عملیاتی ۵ ساله و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون مستمر محیط کسب‌وکار در گرو پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی و ایجاد بسترهای مناسبی است که زمینه‌ی اجرای برنامه‌های مذکور و همچنین فعالیت حداکثری بخش خصوصی را فراهم می‌آورد. با این ترتیب به عنوان انتظارات بخش خصوصی از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران عرصه‌ی اقتصادی استان مطرح کردن نکات مهم خالی از لطف نمی‌باشد.

۱. از مهم‌ترین اقدامات تأثیرگذار بر روند توسعه و رشد اقتصادی استان، داشتن ارزیابی دقیق از وضع موجود و عملکرد برنامه‌ی پنجم توسعه در ۲۵ سال ابتدایی می‌باشد، تا ضمن شناخت نقاط قوت و ضعف، نسبت به وضع مطلوب برنامه که همان تحقق اهداف در سطح کلان و منطقه‌ای است، برنامه‌ریزی عاجل شود.

۲. از مهم‌ترین شاخصه‌های یک برنامه‌ی خوب، به‌موقع اجرا کردن آن می‌باشد. این در حالی است که سند راهبردی سیاست‌های اجرایی برنامه‌ی پنجم توسعه در استان پس از گذشت قریب به دو سال از اجرای برنامه ابلاغ گردیده که این نقیصه اثرات بسیاری را در عدم اجرای کامل برنامه‌ی پنجم در استان خواهد داشت و یقیناً به همین دلیل اهداف اصلی به‌صورت کامل محقق نخواهد شد.

۳. آنچه که در تحلیل و بررسی وضع موجود بسیار مهم و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها تأثیر بسزایی دارد ارائه‌ی وضع موجود به صورت واقعی است، از جمله آمارهایی که می‌تواند هم در چرخه‌ی اجرایی برنامه‌ی پنجم و هم در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مهم باشد، ارائه‌ی واقعی نرخ بیکاری، میزان اشتغال سالانه و میزان واقعی مطالبات معوق، به‌ویژه سهم بخش خصوصی و واحدهای تولیدی است که در حال حاضر در استان متأسفانه آمارها دور از واقعیت ارائه می‌گردد^۱.

۴. دسترسی به منابع مالی

در بحث دسترسی به منابع مالی نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته از بنگاه‌های اقتصادی استان بیانگر آن است که سیستم بانکی استان به هر دلیل از توانایی لازم برای حمایت از بنگاه‌های اقتصادی برخوردار نیست و همیشه ربط دادن مطالبات سیستم بانکی را به واحدهای تولیدی از دلایل اصلی در عدم توان حمایت مالی ذکر کرده‌اند. به این ترتیب یکی از ویژگی‌های اصلی بهبود فضای کسب‌وکار در استان کرمان که همان تخصیص بهینه و به‌موقع منابع مالی به کارآفرینان و واحدهای تولیدی برای حمایت از توسعه پایدار و رشد اقتصادی است، هم‌اکنون وجود ندارد.

۵. در رابطه با وضعیت زیرساخت‌ها، مطالعات نشان می‌دهد که استان دارای موقعیت ترانزیتی و ژئوپلیتیکی بسیار مناسبی است و این موضوع اهمیت وجود زیرساخت‌های مناسب را در دو منطقه‌ی شمال و جنوب و شرق استان به منظور بهره‌برداری از فرصت‌های موجود نشان می‌دهد. با این وجود شواهد نشان می‌دهد که هنوز

۱. در سالنامه آماری استان کرمان نرخ بیکاری ۱۲،۱ درصد ذکر شده در صورتی که از محاسبه آمار و اطلاعات ارائه شده، نرخ بیکاری استان کرمان ۱۸،۱ درصد می‌باشد، آمار اشتغال سالانه ۶۰ تا ۸۰ هزار نفر در جراید ارائه می‌گردد در صورتی که برابر آمارهای ذکر شده در سالنامه آماری استان کرمان میزان اشتغال طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ حدود ۶۲۵۰۰ نفر و به طور سالیانه حدود ۱۲۷۰۰ نفر می‌باشد.

در بحث مطالبات معوق در اظهار نظر در جلسات گفته می‌شود که کلیه مطالبات معوق مربوط به بخش خصوصی و واحدهای تولیدی است در صورتی که سهم بخش خصوصی در کل کشور تنها ۲۰ درصد از کل مطالبات و در استان کرمان تنها ۴۷،۵۷ درصد مطالبات مربوط به بخش خصوصی و حدود ۵ درصد مطالبات بخش خصوصی مربوط به واحدهای تولیدی است. انتظار می‌رود که این مشکل مهم با تدبیر حل گردد.